

سال هشتم

شماره ۷۹

اردیبهشت ۱۴۰۲

دنیای



پرونده بزرگداشت یاد مهدی آگاه

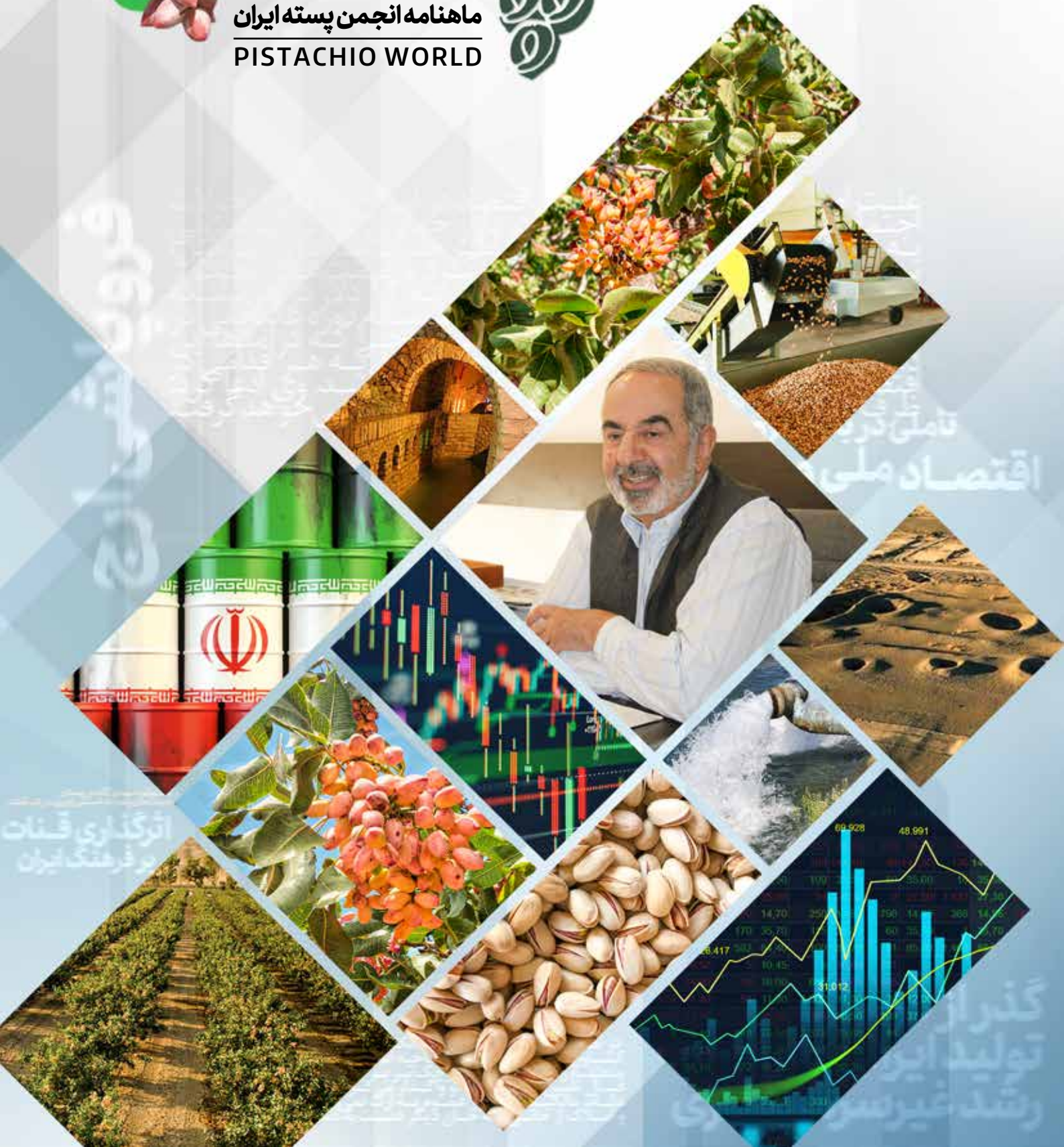
عملیات باغی موثر بر اونس پسته

پیش بینی تولید و تجارت جهانی پسته

نگاهی به بخش آب و کشاورزی

پسته

ماهنامه انجمن پسته ایران
PISTACHIO WORLD





شرکت پسته پدیده سیرجان



Padideh Pistachio CO

Central office: No. 669, Imamreza Blvd, Sirjan, Iran

Factory Add: 12th Km of Sirjan, Tehran Road, Sirjan, Iran

Mob: +98 913 145 1838 / +98913 347 9241

Email: info@iran-pistachio.com

Tel: +98 34 4224 6593



+989133479241

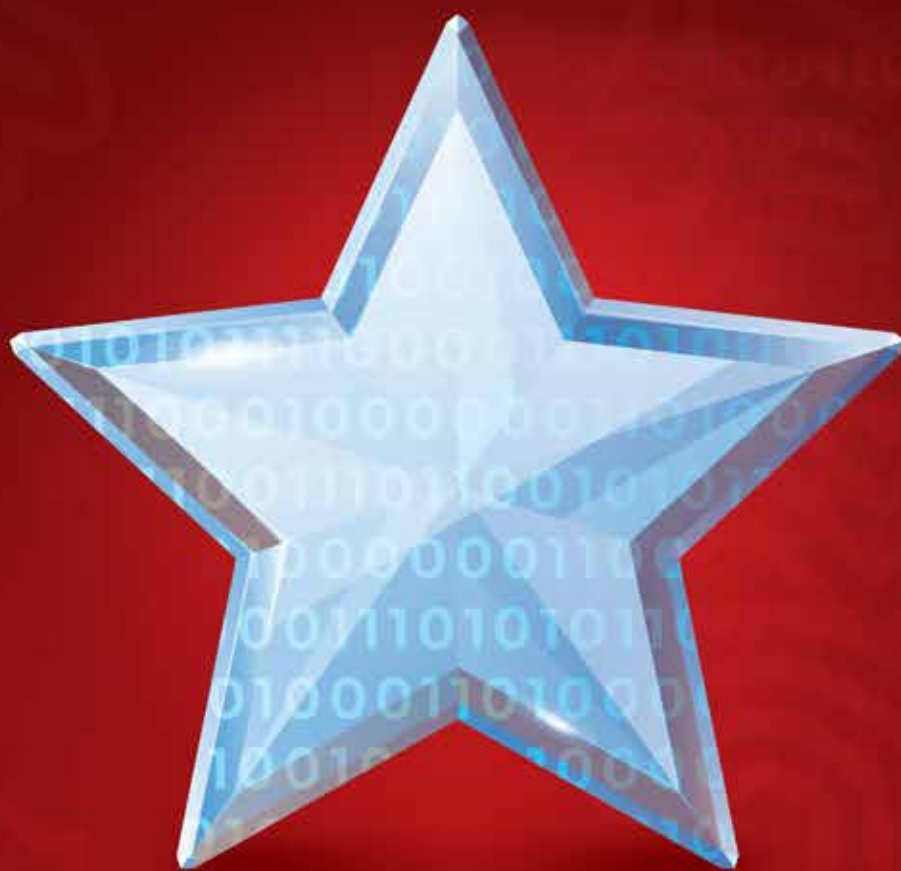
دفتر مرکزی: سیرجان، بلوار امام رضا (ع)، پلاک ۶۶۹

همراه: ۰۹۱۳۱۴۵۱۸۳۸ - ۰۹۱۳۳۴۷۹۲۴۱

تلفکس: ۰۲۴-۴۲۲۴۶۷۱۳

کارخانه: سیرجان، کیلومتر ۱۲ جاده سیرجان - تهران

تلفن: ۰۲۴-۴۲۲۴۶۵۹۳ کد پستی: ۷۸۱۴۹۸۳۱۳۱



صرافی خندان

نوآور و پیشرو؛ به اتکای اعتماد شما

KHANDAN
Exchange کد صرافی: ۳۸۴۱۹

☎ ۰۲۱-۹۱۰۷۰۳۵۶





Sirjan Bonyad
Agricultural CO.

www.pistachio-tooka.ir

The superior producer of pistachio in Iran

& the middle East



شرکت کشاورزی سیرجان بنیاد

آدرس: کرمان-سیرجان-بلوار سید جمال الدین اسدآبادی صندوق پستی شماره ۴۶۱

تلفن: ۰۳۴)۴۲۳۰۱۱۸۳/۴۲۳۰۵۴۳۰


...empowers to grow more.




میکرونوا

معجون طلا

تهران بلوار ارتش شماره ۷۷

 beniznahadeh

 www.beniznahadeh.com

 Beniz
بنیژ نهادہ ایرانیان

iSorter

سورتر هوشمند پسته و مغز پسته

هزینه سورت را ۹۰٪ کاهش دهید!

انواع دسته‌های قابل سورت:

سورت تجاری: خندان • دهن بست • گو • کجو • زردو • لکه دار • نخودو • اجسام متفرقه

سورت آجیلی: دهن چفت • یک طرف خندان

سورت مغز: مغز سالم • پوست استخوانی • سیاه و آفت زده • لپه • سن زده • زردگلدان

۰۹۹۱۰۶۷۰۷۶۲

۰۲۱-۸۸۲۲۰۵۶۰

www.isorter.ir

 [sorter.isorter](https://www.instagram.com/sorter.isorter)



شرکت رباتیک و هوش مصنوعی نوژان
سازنده دستگاه آی سورتر



کود آلی جنگل



فقط ۲۰ لیتر
در هکتار



دارای اصالت و کیفیت ممتاز

رقیب قدرتمند محصولات خارجی

- ✓ افزایش رشد و نفوذپذیری ریشه
- ✓ تامین نیتروژن، فسفر، پتاسیم و آهن
- ✓ تنظیم PH و کاهش شوری خاک
- ✓ تامین مواد آلی خاک
- ✓ کاهش مصرف آب
- ✓ پر کردن مغز و از بین رفتن پوکی پسته
- ✓ رشد سریع نهال پسته و باردهی زودتر
- ✓ استفاده بصورت محلول پاشی و آبیاری
- ✓ افزایش چشمگیر کیفی و کمی محصول
- ✓ آمینواسیدهای ضروری و ریزمغذی‌ها

۵ سال حضور موفق و اثربخش در باغات پسته ایران



دفتر فروش: ۰۲۱۲۲۱۹۳۷۶۴

پیامرسان‌ها: ۰۹۱۹۲۲۲۸۰۲۲

خرید مستقیم: www.jangalMarket.ir



شرکت آرمان سبز آدینه Arman Sabz Adineh Co.

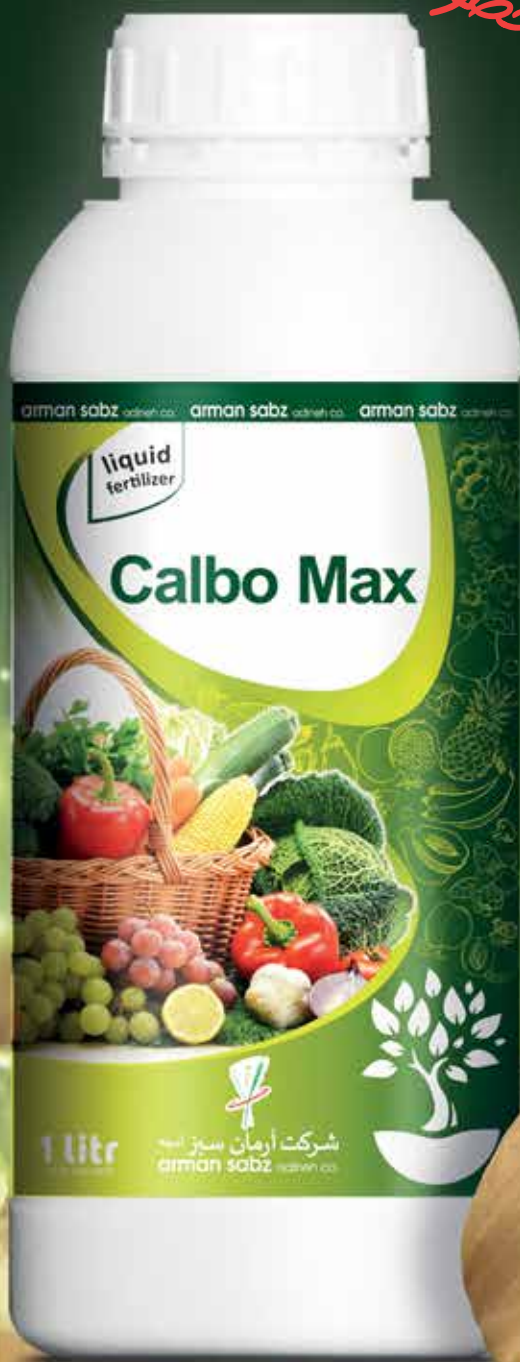
تامین و تولید کننده بهترین نهاده های کشاورزی

راز سرزمین های حاصلخیز

The secret of prolific Farms



کیفیت محصول،
ضمانت کیفیت محصول



Instagram



۰۲۱-۸۳۵۰۱۳۴۴



Armansabzadine



www.armansabz.adinegroup.com



Website

آدرس دفتر مرکزی: تهران، میدان ونک، خیابان ملاصدرا،
خیابان شیخ بهایی شمالی، بالاتر از میدان شیخ بهایی، پلاک
۷۷، ساختمان گروه آدینه

بخش انجمن

پرونده بزرگداشت یاد مهدی آگاه

- اندیشه‌ساختن دنیایی بهتر
 ۱۰
 فروپاشی ارج
 ۱۲
 به نام بحران به کام صنعت
 ۱۴
 گذراز فرهنگ تولید ایرانی به راه رشد غیرسرمایه‌داری
 ۱۸
 اثرگذاری قنات بر فرهنگ ایران
 ۲۰
 تأملی در باب ضرورت گذار به اقتصاد ملی و مقاومتی
 ۲۶
 عناوین سایر مقالات و مصاحبه‌ها
 ۳۶
 جلسه هیئت امنای انجمن پسته ایران برگزار شد
 ۳۷

بخش باغبانی

- اسیدهای آمینه در گیاهان
 ۳۸
 عملیات باغی موثر بر اونس پسته
 ۴۰
 رپرتاژ آگهی - معرفی NAX-95
 ۴۲

بخش بازرگانی

- پیش‌بینی تولید و تجارت جهانی پسته
 ۴۴
 در نیمه اول سال محصولی ۱۴۰۱/۱۴۰۲
 ۴۵
 در مقاصد صادراتی چه گذشت؟
 ۴۶
 تداوم روند صعودی صادرات پسته آمریکا

بخش آب

- بخش آب و کشاورزی در قانون بودجه ۱۴۰۲
 ۴۸
 اقدامات طرح سازگاری با کم‌آبی
 ۵۰





انجمن

پرونده بزرگداشت یاد مهدی آگاه

اندیشه‌ساختن دنیایی بهتر

پرونده
بزرگداشت

■ دبیرخانه انجمن پسته ایران





از این رو، به منظور گرمای داشت این اندیشه جاوید که اثرات زیادی بر انسان‌های اطراف خود، جامعه و حتی بعضاً بسیار فراتر از آن داشت، تصمیم گرفتیم در این شماره از ماهنامه دنیای پسته تعداد پنج اثر مکتوب وی در زمینه‌های اقتصاد، آب و تولید و تجارت پسته را بدون تصرف، تلخیص و دستکاری در قالب یک پرونده بازنشر کنیم. در تولید این پرونده به این نکات توجه شده است:

- برای انتخاب محتوای این پرونده سه معیار در نظر گرفتیم: ۱- نتیجه محتوا برای شرایط حال معنادار باشد ۲- محتوای ارائه شده راه حل محور باشد ۳- مطلب مدنظر نمایش کاملی از نحوه تفکر نقادانه استاد را ارائه کند.
- از خلاصه‌سازی و برگزیدن نکات برجسته و انتشار آنها پرهیز کردیم؛ چون احتمال بروز اشتباه در انتخاب نکات برجسته و امکان تغییر در مضامین و معانی در این روش وجود دارد. ضمن اینکه، کلمات، جملات و پاراگراف‌های تنظیم شده توسط مهدی آگاه با وسواس انتخاب شده‌اند و با تسلسل خاصی نسبت بهم پیوند خورده‌اند که امکان دست بردن در محتوا برای تهیه نسخه گزیده‌ای از آن را دشوار می‌کند.
- در تصمیم‌گیری برای تولید محتوا سنت شکنی کردیم و به سراغ بستگان، نزدیکان، همکاران، دوستان و خیل شاگردان استاد نرفتیم؛ چرا که مهدی آگاه متفکری صاحب قلم و صاحب ایده بود. بالغ بر ۵۰ اثر مکتوب شامل مصاحبه، یادداشت و مقاله در ماهنامه‌های انجمن و سایر رسانه‌ها از وی منتشر شده است؛ همچنین، کتاب حقوق آب در فلات مرکزی ایران یک اثر ممتاز و البته نادر در سپهر حقوقی ایران است که زاینده اندیشه بلند و تجارب اوست. استاد غالباً در گرده‌هایی و جلسات انجمن نقش روشن‌گرانه‌ای ایفا می‌کرد و به ایراد سخن می‌پرداخت که بخش بزرگی از آنها در آرشیو انجمن موجود هستند. از این رو، معتقدیم وی طی دوران حیات خود هر آنچه در اندیشه داشته را با دقت نظر، حساسیت بالا و پرداخت سخت‌گیرانه در آثار موجود منعکس کرده است.
- کلیه آثار مکتوب استاد مهدی آگاه را در این شماره بازنشر نکردیم، چرا که علاوه بر طولانی شدن پرونده و بیم از حوصله خارج شدن آن برای مخاطب، ماهنامه دنیای پسته ظرفیت بازنشر همه مطالب را ندارد. از این رو، برای رفع این نقیصه، فهرست عناوین کلیه آثار مکتوب وی را در انتهای پرونده قرار داده‌ایم که امکان مطالعه همه آنها با راجع به وسایط انجمن فراهم گردد. باید توجه داشت آنچه از چنین شخصیت‌هایی می‌تواند برای همیشه به یادگار بماند و پند آموز باشد، نوع نگاه آنها به جهان و طرز مواجهه فکری و عملی با موضوعات و چالش‌هاست؛ و گرنه با توجه به تغییر مداوم جهان و پیشرفت‌های بشر، نظرات آنها راجع به مسائلی که در طول دوره حیات خود به آنها پرداخته‌اند، ممکن است محدود به شرایط خاص زمانی و مکانی موضوع باشد.

پس از درگذشت مهدی آگاه، از متفکرین برجسته کشور که تأسیس انجمن پسته ایران نیز یکی از ثمرات ایده‌های جسورانه و دوراندیشانه وی بوده است، هیئت تحریر به ماهنامه دنیای پسته بلافاصله در شماره اردیبهشت ماه ۱۴۰۱ این قول را به مخاطبین گرانقدر داد که در یکی از شماره‌های آتی به موضوعی تحت عنوان «درباره زندگی و اندیشه استاد مهدی آگاه» با استفاده از آرشیو سخنرانی‌ها، مصاحبه‌ها و گفت‌وگو با نزدیکان وی بپردازد. بر خود لازم دیدیم که در زمان مصادف شدن سالروز فوت استاد بزرگ با موعد انتشار ماهنامه اردیبهشت امسال، وعده خود را عملی سازیم.



طی این یک‌سال فرصت کافی برای فکر کردن به ابعاد مختلف تهیه این محتوا پیش آمد و نهایتاً به این نتیجه رسیدیم کسی از عهده به تصویر کشیدن زندگی حرفه‌ای و اندیشه وی به جز خود استاد بر نمی‌آید. به عبارت دیگر، فقط مهدی آگاه می‌تواند بدون تحریف و تعریف روایت‌گر اندیشه‌های بلند مهدی آگاه باشد؛ زیرا هر چه خواستیم از کسی بپرسیم و یا سر قلم را به راهی بچرخانیم که رنگ و بوی مدح و مجیز به خود نگیرد تا اسطوره نسازیم، نتوانستیم؛ همان چیزی که مهدی آگاه دوست نداشت به او نسبت دهند. استاد همواره یادآور می‌شد که مهم نیست شخص گوینده کیست و یا چه پست و سمت و عقبه‌ای دارد، بلکه آنچه گفته می‌شود مهم است.



هفته نامه تجارت فردا

شماره ۱۸۱

۲۹ خرداد ۹۵

استخدام فردی برای تصدی ریاست امور صادرات شرکت بودند و پس از طی مقدمات رایج و انجام مصاحبه حضوری، در اوایل آذرماه سال ۱۳۵۲ به استخدام این شرکت درآمد. شرکت ارج که به دنبال موفقیت‌های مهندس ارجمند در تولید صندلی‌های فلزی تاشو در کارگاهی واقع در خیابان شوش، سرمایه کافی انباشته‌بود در محل جدیدی در جاده کرج و نزدیک استادیوم ورزشی آزادی فعلی اقدام به تأسیس کارخانه تولید لوازم خانگی، شامل یخچال، اجاق گاز، کولر و ماشین لباسشویی کرده‌بود. این کارخانه در آن زمان بزرگ‌ترین کارخانه لوازم خانگی ایران و خاورمیانه محسوب می‌شد و شاید نخستین کارخانه‌ای بود که از کامپیوترهای IBM برای امور مالی و انبارداری استفاده می‌کرد. زمانی که مدیریت بخش صادرات این کارخانه را برعهده گرفتیم، مدیر قبلی در مدتی کوتاه، شبکه‌ای از نمایندگی‌ها و کارگاه‌های تعمیراتی در همه کشورهای عربی خاورمیانه تأسیس کرده‌بود. از آنجا که تولیدات این کارخانه به‌طور کامل در بازارهای خلیج فارس، هم از نظر قیمت و هم از نظر کیفیت رقابت‌پذیر بود، مدیر بازرگانی شرکت، در بدو ورود اینجانب را احضار و این خواسته را مطرح کرد که در اولین زمان ممکن با نمایندگان ارج در خاورمیانه دیدار و برنامه مدونی برای افزایش فروش در این منطقه تهیه کنم. آن روزها اقتصاد ایران در رکودی شاید مشابه رکود فعلی فرو رفته‌بود و گزارش‌ها نشان می‌داد انبوهی از تولیدات کارخانه در انبارها مانده و بازار فروش به‌علت تقاضای کم دچار رکود شده‌است.

در اسفندماه سال ۱۳۵۲ سفر بازاریابی اینجانب با موفقیت انجام شد و نزدیک به دو هزار محصول کارخانه و عمدتاً یخچال ارج در هفت کشور منطقه به قرارداد قطعی رسید و با دست پر به ایران مراجعت کردم. فروش دو هزار محصول تولیدی شرکت، قطعاً موفقیت بزرگی محسوب می‌شد، اما تأیید قراردادهای منعقدشده، چند صباحی بعدلایل اداری در بخش بازرگانی شرکت از امروز

کدام سیاست باعث شد فرهنگ تولید در ایران از بین برود؟

فروپاشی ارج

ماجرای پیوستن من به ارج، آنقدر طولانی نبود که شرحش مثنوی هفتادمن طلب کند. اما در یک بزنگاه تاریخی به‌وقوع پیوست. بزنگاهی که سرنوشت دهها بنگاه اقتصادی بزرگ را تحت تأثیر قرار داد و آینده را برای آنها تیره و تار کرد.

۷۷



که وسعت کارش مرزهای ایران را پشت سر گذاشته‌بود. برادرم منوچهر آگاه نیز آن روزها معاون وزارت دارایی بود و فردی بانفوذ به‌شمار می‌آمد.

با پایان دوره سربازی و زمانی که جوبای کار بودم، آگاهی استخدام شرکت لوازم خانگی ارج، نظرم را جلب کرد. مدیران ارج به دنبال

آبان‌ماه سال ۱۳۵۲ بود که دوران سربازی‌ام به پایان رسید و مایل نبودم از پدر و خانواده، برای به‌دست آوردن شغل، کمک بگیرم و ترجیح دادم شروع کار در بخش خصوصی با توصیه و آشنایی برادرم صورت نگیرد. پدرم، مرحوم غلامرضا آگاه، بنیان‌گذار شرکت صادرات پسته ایران، تاجری سرشناس محسوب می‌شد



این روزها که اخبار متناقض از وضعیت شرکت‌های بزرگ ایرانی می‌شنوم، بی‌اختیار یاد سیاست‌های غلط دهه ۵۰ می‌افتم که گذر زمان و تکرار تجربیات تلخ هم نتوانست این فکر را برای همیشه از ذهن برخی تکنوکرات‌های دولتی دور کند. اکنون هم این نگرانی وجود دارد که اقتصاد ایران همچنان با تزریق دلارهای نفتی توسعه پیدا کند.

درآمدهای نفتی، به مثابه ابزاری برای فرونشاندن آتش نارضایتی مردم استفاده کند. بنابراین، در طول این سال‌ها، واردات به شدت افزایش یافت، نقدینگی به شکل بی‌سابقه‌ای رشد کرد و اقتصاد ایران به شکل نگران‌کننده‌ای به درآمدهای نفتی وابستگی پیدا کرد. واردات رونق گرفته بود و شرکت‌های بزرگ ایرانی



سرمایه‌گذاری شدیدی در مسائل زیربنایی و تولیدی انجام دهد، به طوری که در ۱۰ سال آینده اقتصاد ایران از کشور فرانسه پیشی گیرد. وقتی همچنان کنجکاوانه به مدیر بازرگانی شرکت نگاه می‌کردم، ادامه داد: بر اساس ارزیابی مدیران شرکت، وارد کردن دلارهای نفتی به اقتصاد کشور موجب افزایش تورم از ۲ درصد سالانه به ۱۲ درصد و تثبیت هم‌زمان نرخ دلار در هفت تومان یا حتی کاهش نرخ دلار بسیار محتمل است. بنابراین، در چنین شرایطی واردات کالاهای اشتغال‌زا تنها گزینه است و صادرات و تولید داخلی جوابگو نخواهد بود. پس از شنیدن این اظهارات، آمادگی خود را برای استعفا و پوزش خواهی از نمایندگان وفادار شرکت در خاورمیانه عربی، اعلام کردم و فرصت خواستم که امور بخش صادرات را به هر کسی که برای واردات تعیین می‌کنند محول کنم. دوره خروج من از شرکت ارج، مصادف بود با افزایش شدید درآمدهای نفتی. همان‌طور که مدیر بازرگانی شرکت ارج گفته بود، شاه برنامه را تغییر داد و درآمدهای نفتی را به اقتصاد تزریق کرد. او به حرف کارشناسان گوش نداد که نسبت به خطر تزریق درآمدهای نفتی به اقتصاد هشدار دادند. این پول وقتی وارد اقتصاد شد، تورم ایجاد کرد. در کوتاه مدت، رضایت خاطر نسبی در مورد فراوانی کالاهای وارداتی به وجود آمد، اما مصرف‌گرایی تشدید شد و روحیه مردم تغییر کرد. شاه در حالی که نسبت به افزایش نارضایتی عمومی نگران بود، قصد داشت از

به فردا حواله می‌شد. از آنجا که نگران تعهدات شرکت بودم و هراس داشتم که قراردادهای به دلیل گذشت زمان دچار مشکل شود، به شدت پیگیر بودم اما به درستی نمی‌دانستم دلیل مانع تراشی بر سر راه صادرات کالاهای تولیدی شرکت چیست. موضوع این بود که فروش محصولات با دستور مستقیم بخش بازرگانی صورت گرفته بود و از همه مهمتر این بود که محصول زیادی در انبار وجود داشت و در صورت اقدام سریع، می‌شد انبارها را از وجود کالای تولیدشده پاک کرد، اما نمی‌دانستم دلیل بهانه‌تراشی‌ها چیست. لحظات عجیبی بر من گذشت. مشتریان مدام فشار می‌آوردند و پیگیر تعهدات شرکت بودند. تعمیرکاران نیز مطابق قرارداد، برای یادگیری باز و بسته کردن محصولات می‌آمدند و در کلاس‌های آموزشی شرکت می‌کردند. با این حال خبری از ارسال محصولات نبود. در اثر فشارهایی که به مدیریت بازرگانی شرکت آوردم یک روز اینجانب را به دفتر خود احضار کرد و به صراحت گفت که شرکت ارج قصد دارد واحد صادرات خود را تعطیل کند و اینجانب را با کارمندان این واحد، در واحد واردات کالاهای خانگی از شرکت آدمیرال آمریکا به کار گمارد. ایشان همچنین به صراحت اعلام کرد که شرکت ارج به هیچ وجه تعهداتی را که بخش صادرات برای تحویل کالا به خارج ایجاد کرده است نمی‌پذیرد و در شرایط جدید، قراردادهای قابل انجام نیست.

پرسیدم شرایط جدید چیست و چه مختصاتی دارد؟ گفتند: در اسفندماه که شما در سفر بازرگانی بودید، به علت اختلال در صادرات نفت کشورهای عربی از سوی غرب، قیمت نفت از بشکه‌ای ۳ دلار به بشکه‌ای ۱۲ دلار جهش داشته است و آقای مهندس ارجمند از محافل دربار شنیده است که شاه قصد دارد با افزایش قیمت نفت، میزان استخراج را نیز افزایش دهد و با تجدید نظر در برنامه بودجه،

رغبتی به تولید و صادرات نداشتند. شرایط جدید را مدیران شرکت ارج خوب پیش‌بینی کردند. چه آنکه طی سه سال بعد، تورم به شدت افزایش یافت و کوشش برای کاهش نرخ دلار از ۷ تومان به ۴ تومان در دستور کار قرار گرفت. توسعه دیوانسالاری، بسط ارتش، هدایت سرمایه‌گذاری‌های دولت به سوی صنایع انرژی‌بر، توسعه بخش خدمات و بالاتر از همه تبدیل بخش خصوصی از موتور رشد جامعه به در یوزگی و رانت‌خواری از این زمان کلید خورد. در اثر این سیاست بود که ارج و بسیاری از شرکت‌های بزرگ ما به تدریج در مسیر نابودی قرار گرفتند. این روزها که اخبار متناقض از وضعیت شرکت‌های بزرگ ایرانی می‌شنوم، بی‌اختیار یاد سیاست‌های غلط دهه ۵۰ می‌افتم که گذر زمان و تکرار تجربیات تلخ هم نتوانست این فکر را برای همیشه از ذهن برخی تکنوکرات‌های دولتی دور کند. اکنون هم این نگرانی وجود دارد که اقتصاد ایران همچنان با تزریق دلارهای نفتی توسعه پیدا کند. بورس تهران که زمانی عمدتاً از کارخانه‌های فعال در کشاورزی، نساجی، چرم و کفش و بالاتر از همه لوازم خانگی و صوتی و تصویری متشکل بود، امروز با جنزلهای ورشکسته این شرکت‌ها و جایگزینی آنها با صنایع انرژی‌بر و سرمایه‌بر و نه اشتغال‌زا نظیر پتروشیمی، فولاد، پالایشگاه و نیروگاه که اغلب فقط با یارانه انرژی زنده‌اند روبه‌رو است. باش تاصیح دولت برسد کاین هنوز از نتایج سحراست

77 مهدی آگاه می گوید: اگر بحران آب داریم - که داریم - چرا تنها خواستار توقف کشاورزی هستیم. آیا راهکار مقابله با بحران آب این است که فقط بگوییم کشاورزی را تعطیل کنیم. چرا به صنعت توجه نمی کنیم؟ چه کسی گفته کشاورزی صرفه ندارد، اما صنعت دارد. تا زمانی که ما قیمت آب و انرژی را در کشور واقعی نکنیم، غیرممکن است بتوانیم متوجه شویم که چه کاری صرفه اقتصادی دارد و چه کاری ندارد.

مهدی آگاه فرد ناشناسی نیست. فرزند غلامرضا آگاه است و برادر منوچهر آگاه. نام خودش و پدرش با پسته، ارزآورترین محصول کشاورزی ایران گره خورده و نام برادرش با نوسازی اقتصاد ایران. غلامرضا آگاه اولین کسی بود که رفسنجان‌ها را به تولید و کاشت پسته تشویق کرد. در جنگ جهانی دوم، مغز پسته را به نام «جیره غذایی»، به ارتش‌های متفقین و آلمان شناساند و در سفر نیل آرمسترانگ به ایران پسته ایران را به او هدیه داد. برای صادرات پسته ایران به آمریکا تا مرز ورشکستگی پیش رفت و سرمایه‌ای عظیم هزینه کرد تا توانست درخت بنه جنگلی را با پسته اهلی پیوند بزند و پسته تولیدی را به بازارهای دنیا صادر کند. برادرش منوچهر آگاه دکترای اقتصاد دانشگاه آکسفورد را دارد و سال ۱۳۳۸ که به ایران بازگشت ریاست اداره بررسی‌های اقتصادی بانک ملی و بانک مرکزی را بر عهده گرفت و تلاش کرد نهاد تولید آمار کلان اقتصادی را پایه‌گذاری کند. مهدی آگاه را در تهران ملاقات می‌کنیم؛ او ادامه‌دهنده راه پدر در صنعت پسته است و مدت‌هاست در اندیشکده تدبیر آب ایران به بررسی اوضاع کشاورزی در شرایط بحرانی آبی می‌پردازد. گفت‌وگویمان با مهدی آگاه حدود دو ساعت طول می‌کشد. گفت‌وگویی متفاوت درباره اوضاع کشاورزی

هفته نامه تجارت فردا

شماره ۲۵۰۰۱

۱۷ آذر ۱۳۹۶



بررسی مسیر اصلاح کشاورزی
در ایران در گفت‌وگو با مهدی آگاه

به نام بحران به کام صنعت



است تولید این محصولات با این میزان عظیم یارانه افتخار باشد اما تولید محصولات کشاورزی افتخار نباشد؟ نخست باید یارانه انرژی از هرگونه تولید چه در بخش صنعت چه کشاورزی حذف شود بعد بنشینیم و بحث کنیم که تولید چه کالایی افتخار است و اقتصادی است و تولید کدام نه.

۴ الان هزینه تمام شده محصولات مختلف چه صنعتی و چه کشاورزی بدون انواع یارانهها محاسبه نشده است؟ اینک ما نمی دانیم که قیمت هر کالایی در غیاب یارانههای انرژی کدام است. چنانچه جناب آقای عیسی کلاتری راهی برای محاسبه قیمت کالاهایی نظیر گندم، هندوانه، پسته، فولاد، سیمان و... در صورت حذف یارانههای انرژی دارند بهتر است آن را منتشر کنند تا مجبور نباشیم در تاریکی بخش های مختلف را به نابودی محکوم کنیم. الان آقای کلاتری گفته اند هزینه ما در بسیاری از محصولات کشاورزی بیش از دو برابر قیمت جهانی است. خب مدرک ایشان چیست؟ ایشان از کجا چنین آمار و ارقامی را استخراج کرده؟ از کجا متوجه شده اند قیمت هر محصول چقدر است و از کجا متوجه شده اند که تولید فلان محصول کشاورزی صرفه اقتصادی ندارد، اما تولید فلان محصول صنعتی توجیه دارد؟ ارقامی که عنوان می شود با قیمت قلابی انرژی است. این هم نقد دیگری است که به سخنان ایشان دارم.

۴ بیایید از منظر بحران آب به سخنان ایشان توجه کنیم. ایشان می گوید کشاورزی با وجود بحران آب معنا ندارد. مشکل آب در کشور ما جدی است. آیا به نظر شما ما باید این منابع محدود آب را صرف کشاورزی کنیم؟ مادر شرایط بحرانی آب قرار داریم. این سخن درست است. اما مساله این است که در این

ایران خودرو از گروه دوم است که حیات خود را عمدتاً مرهون تعرفه های سهمگین وارداتی است. صنایع فولاد، پتروشیمی و ذوب مس در گروه سوم قرار می گیرند که چنانچه قیمت های بین المللی انرژی حاکم می شد ادامه حیاتشان غیرممکن بود. نکته دیگر اینکه آیا آقای کلاتری می خواهد با تعطیل کردن کشاورزی، آب مصرفی این بخش را به صنعت بدهد؟ یعنی آب را از یک بخش که به گفته ایشان صرفه اقتصادی ندارد بگیریم و به بخش دیگری بدهیم که قطعاً ورشکسته اند؟ این شرکت های ورشکسته چگونه می توانند جانسین بخش کشاورزی ما بشوند؟ وضعیت ما در بخش صنعت به مراتب از بخش کشاورزی بدتر است. ظاهراً بهترین و پرسودترین صنعت در ایران، تولید فولاد است. این صنعت و کارخانه های تولیدکننده فولاد بزرگ ترین دریافت کنندگان یارانه انرژی در کشورند. یکی از بزرگ ترین کارخانه های این صنعت، در سال ۹۲ حدود یک میلیارد و ۳۲۰ میلیون دلار یارانه پنهان انرژی از دولت دریافت کرده است. منابع انرژی آبشخور برخی از صنایع خاص شده است. انرژی را با قیمت های واهی و بسیار بسیار اندک به بخش صنعت می دهند. می خواهید چنین صنایعی با این حجم از یارانه سودآور نباشند! اما در مقابل بخش کشاورزی ما انرژی بسیار اندکی مصرف می کند و در نتیجه یارانه انرژی که می گیرد بسیار کم است. مثلاً در کاشت گندم چنانچه نرخ برق برای مصارف صنعتی و کشاورزی یکنواخت شود حدود چهار درصد به هزینه های تولید اضافه می شود. اما این یارانه ها در بخش صنعت ۲۰ تا ۵۰ درصد هزینه تولید است. ما تمام هم و غم و توان خود را صرف تولید فولاد، مس و سیمان کرده ایم. اما یارانه های پنهان انرژی که به این صنایع داده می شود بسیار زیاد است. چگونه ممکن

و نقد سیاست های در پیش گرفته شده برای توقف آن از یک سو و طرح خودکفایی غلات و دانه های روغنی از سوی برخی مسوولان دیگر. آنچه در ادامه می آید بخش هایی از این مصاحبه است که قابلیت انتشار دارد.

۴ مساله بحران آب یک دغدغه جدی است. دغدغه های که هم دامن تامین آب مورد نیاز در بخش شرب را گرفته هم صنعت و هم کشاورزی را. در این میان اما مساله کشاورزی همواره با انتقاد بیشتری مواجه بوده. چراکه آمارهایی که منتشر می شود می گوید حدود ۹۲ درصد آب کشور در بخش کشاورزی مصرف می شود اما کشاورزی آب را به هدر می دهد و بهره وری لازم را ندارد. در آخرین اظهار نظر هم رئیس خانه کشاورز گفته کشاورزی با پول نفت دیگر جای کار ندارد و هزینه تولید برخی از محصولات کشاورزی در ایران بیش از دو برابر قیمت جهانی است.

بگذارید گفت و گو را با بررسی سخنان آقای کلاتری آغاز کنیم چون من با بخشی از این سخنان مخالفم و می خواهم چند نقد کلی به آن وارد کنم. ایشان مساله توقف تولید برخی از محصولات کشاورزی به دلیل کمبود آب را مطرح می کند و می گوید هزینه تولید برخی از محصولات کشاورزی در ایران بیش از دو برابر قیمت جهانی است. اما آیا این مساله محدود به محصولات کشاورزی است؟ اگر بخواهیم از این منظر به بخش کشاورزی نگاه کنیم، باید بگوییم که همه صنایع بزرگ ما در داخل کشور ورشکسته اند. این صنایع یا با عدم محاسبه هزینه واقعی استهلاک، یا در پناه دیوار بلند تعرفه های گمرک وارداتی یا با دریافت یارانه های پنهان انرژی و آب توانسته اند تاکنون سرپا بمانند. شرکت هواپیمای ملی ایران از گروه اول است که نمی تواند ناوگان خود را از محل ذخیره های استهلاک بازسازی کند. شرکت



مهدی آگاه:

ما در شرایط بحرانی آب قرار داریم. این سخن درست است. اما مساله این است که در این شرایط بحرانی باید دید تولید چه کالایی -عم از صنعتی و کشاورزی- آب کمتری می برد و ارزش آوری بیشتری برای کشور دارد. ما می توانیم محصولی را که آب کمتری می خواهد تولید و صادر کنیم و در مقابل آن محصولی را که ارزش آوری کمی دارد و آب بیشتری می خواهد وارد کنیم.



شرایط بحرانی باید دید تولید چه کالایی -اعم از صنعتی و کشاورزی- آب کمتری می برد و ارزش آوری بیشتری برای کشور دارد. ما می توانیم محصولی را که آب کمتری می خواهد تولید و صادر کنیم و در مقابل آن محصولی را که ارزش آوری کمی دارد و آب بیشتری می خواهد وارد کنیم. اما چون قیمت واقعی تولید در کشور ما مشخص نیست، کلی گویی می کنیم و می گوییم باید کشاورزی را متوقف کرد. اگر بحران آب داریم -که داریم- چرا تنها خواستار توقف کشاورزی هستیم. آیا راهکار مقابله با بحران آب این است که فقط بگوییم کشاورزی را تعطیل کنیم. چرا به صنعت توجه نمی کنیم؟ چه کسی گفته کشاورزی صرفه ندارد، اما صنعت دارد. تا زمانی که ما قیمت آب و انرژی را در کشور واقعی نکنیم، غیرممکن است بتوانیم متوجه شویم که چه کاری صرفه اقتصادی دارد و چه کاری ندارد. مقامات تمرکز خود را بر تولید فولاد در کشور گذاشته اند و هدف این است که به تولید ۵۵ میلیون تن فولاد به روش احیای مستقیم در سال برسیم. صنعت فولاد آب برترین صنعت و بزرگترین مصرف کننده انرژی است. این صنعت با یارانه عظیم انرژی سر پا مانده. بر اساس محاسبات هزینه انرژی سه فرآیند اصلی گندله سازی، احیای مستقیم و کوره قوس الکتریکی برای هر تن فولاد به ارزش ۲۸۹ دلار، بیش از ۱۱۸ دلار بوده است. قیمت صادراتی این محصول در حدود کمتر از ۲۰ درصد قیمت تمام شده آن است. باید دید چرا متولیان صنعت ما روی تولید محصولی تمرکز کرده اند و در این شرایط این همه یارانه آب و انرژی را به یک صنعت ورشکسته می دهند اما با فرض اینکه کشاورزی توجیه اقتصادی ندارد، می خواهند آن را تعطیل کنند. سوالی از این دوستان دارم. شما اگر کشاورزی و کشت برخی از محصولات را متوقف کردید، آیا می خواهید آب را برای نسل آتی ذخیره کنید یا این میزان آب را هم می خواهید به صنعت مورد علاقه خودتان هدایت کنید؟ صنعت ما در

همه این سال ها کل انرژی کشور را با کمترین قیمت بلعیده و حالا می خواهد منابع آبی را هم بلعد. عده ای می خواهند منابع آبی را به سمت صنعت ببرند اما نه از طریق بازار آزاد.

۴ راهکار پیشنهادی شما چیست؟ آزادسازی قیمت آب و انرژی؟

در کنار آزادسازی قیمت حامل های انرژی تا زمانی که بازارهای محلی آب در هر حوضه آبریز ایجاد نشود نمی توان به هیچ اجماعی درباره نحوه چگونگی مصرف آب رسید. به طور مثال در حوضه دریاچه نمک حوض سلطان قم که شامل تهران بزرگ نیز می شود قطعا بزرگترین مصرف کننده آب شرب صنعت است و نه کشاورزی. ولی در حوضه کویر درنجیر که کرمان و رفسنجان در این حوضه قرار دارند هنوز مصرف کشاورزی قریب ۸۰ درصد از مصرف آب را به خود اختصاص داده است. بازار رقابتی بهترین تخصیص دهنده منابع آبی کشور در هر حوضه آبریز است، هرگاه این دو شرط حاصل شود می توان گفت که مدیریت آب کشور از دام تخصیص بر اساس منافع شخصی یا گروهی آزاد شده است. آب کالایی نیست که قیمت آن در همه جا یکی باشد. قیمت آب وابسته به حوضه آن است. اگر آب به قیمت رقابتی به فروش برود آن زمان مشخص می شود که تولید چه کالایی صرفه اقتصادی دارد و تولید کدام صرف نخواهد کرد. دولت باید از دخالت در قیمت آب و انرژی پرهیز کند. ما باید اجازه دهیم بازار آزاد و خود اقتصاد تصمیم بگیرد که این منابع محدود آب صرف تولید فولاد شود یا کاشت هندوانه. اما مشکل این است که در کشور ما قیمت ها واقعی نشده است. مطمئنم اگر در اطراف تهران باغ گیلاس احداث کنیم، درآمد آن از خیلی از صنایع کنونی ما بیشتر است.

۴ با این اقدام آیامی توان به این سوال هم جواب داد که تولید کدام کالای کشاورزی صرفه اقتصادی بیشتری نسبت به بقیه دارد؟

بله طبیعتاً. اما و این اما ای بزرگی است، حصول این دو شرط و کنار زدن مصلحان خیرخواه احتیاج به اراده پولادین در بالاترین سطوح مدیریتی کشور دارد. اما در نبود شرایط بازار روش دیگری می تواند مقایسه ای در بخش کشاورزی بین محصولات شکل دهد به عبارتی می توان ارزش آوری کالاهای کشاورزی مختلف را به ازای مصرف یک مترمکعب آب تخمین زد. اندیشکده تدبیر آب ایران مطالعه ای در این مورد روی هشت محصول انجام داده که نتایج تقریبی آن بدین شرح است: در مقابل مصرف یک مترمکعب آب ارزش آوری گندم ۱۰ سنت، ذرت ۱۲ سنت، عدس ۲۸ سنت، پسته ۹۳ سنت، زرشک ۱۰۴ سنت، هندوانه ۱۲۰ سنت، گل محمدی ۱۴۰ سنت و زعفران ۳۰۰ سنت بوده است. یعنی اگر قرار باشد به اندازه کل نیاز کشور گندم بکاریم (کل نیاز کشور ۵/۵ میلیون تن) به حدود ۲۸ میلیارد مترمکعب آب نیاز است اما اگر ارز همین مقدار گندم را از محل صادرات هندوانه تامین کنیم ۲۰ میلیارد مترمکعب در مصرف آب صرفه جویی کرده ایم. شاید با همین یک تغییر بتوان کل مسائل آب کشور را حل کرد.

۴ پس چرا بر مساله تولید گندم تا این حد تاکید دارند؟ آیا مساله دغدغه تامین امنیت غذایی یا مقابله با تحریم احتمالی مواد غذایی است؟

مساله این است که این تصمیم سازی در کشور ما بدون هیچ مطالعه، بررسی و محاسبه انجام می شود. به عنوان مثال در اسفندماه گذشته رئیس شرکت آب منطقه ای کهگیلویه و بویراحمد اعلام کرد حکم قطع برق هندوانه کاران را اخذ کرده است در حالی که کشاورزان هندوانه کار ما بالاترین بهره روری را در بخش کشاورزی دارند و با مصرف یک مترمکعب آب چهار کیلو هندوانه در جنوب کرمان برداشت می شود اما گندم کاران ما با مصرف یک مترمکعب آب تنها ۶۰۰ گرم گندم برداشت دارند. و این امر مورد تایید آقای دکتر عباس کشاورز معاون محترم وزارت کشاورزی است.



انرژی و آب را آزاد کنید و بعد اجازه دهیم مکانیسم بازار عمل کند که تولید چه محصولی صرفه اقتصادی دارد. آن زمان هزینه تولید و صادرات مشخص می‌کند که آیا ما باید در این کشور فولاد تولید کنیم یا هندوانه؟ ما نمی‌توانیم مشخص کنیم که هزینه تمام‌شده فولاد یا هندوانه چقدر است و کدام صرفه اقتصادی بیشتری برای تولید دارد. البته من حدس می‌زنم صرفه تولید و صادرات هندوانه بیشتر است. ما روزانه هشت میلیون بشکه در روز گاز و نفت از زمین برداشت می‌کنیم. الان قیمت نفت حدود ۵۵ دلار است. یک محاسبه ساده نشان می‌دهد درآمد سالانه ما از محل فروش انرژی ۱۶۰ میلیارد دلار است. با احتساب برداشت ۴۴ میلیارد مترمکعب آب با هزینه جایگزینی هر مترمکعب آب سه دلار، برداشت ما معادل ۱۳۲ میلیارد دلار خواهد بود. الان این صنایع هستند که بیشترین تغذیه را از این رانت حدود ۲۹۰ میلیارد دلاری یارانه می‌کنند! و بعد می‌گویند صنعت سودده است اما کشاورزی صرفه ندارد! اصلاح کشاورزی در ایران راهی جز این دو مورد که گفتم ندارد. در نبود قیمت‌های واقعی هر فردی می‌تواند بگوید اقدام من خوب است. همان دوستانی که می‌گویند کشاورزی باید تعطیل شود نمی‌دانند چه کالای کشاورزی صرفه اقتصادی دارد. هیچ کدام نمی‌دانند کاشت زعفران یا گل محمدی چه ارزشی می‌تواند داشته باشد یا صدها کشت دیگر. چرا نگران آزادسازی قیمت‌ها هستیم. بگذاریم این اتفاق رخ دهد و بعد بازار تصمیم بگیرد که چه کالایی توجیه اقتصادی دارد. در شرایط بحرانی آب چرا فقط باید دغدغه ما تعطیلی کشاورزی باشد شاید کشاورزی آب کمتری بخواهد و سود بیشتری عاید ما کند تا تولید فولاد و سیمان و فلان کالای صنعتی.

اگر عملاً غیرممکن نباشد برای به اجرا درآمدن بسیار دشوار خواهد بود. از طرفی اگر برفرض محال ما تحریم شدیم یا نگرانی از بابت تامین گندم داشتیم، چنانچه به جای خود کفایی در غلات منابع آبی خود را برای روز مبادا حفظ کرده باشیم، با توجه به سه برابر بودن اراضی قابل کشت در ایران نسبت به اراضی زیر کشت، در صورت ضرورت در یک سال می‌توان کل گندم مورد نیاز را در داخل تلخین کرد ما این تجربه را پیش از این هم داشتیم امام خمینی در سال دوم انقلاب اعلام کردند همه گندم بکارند من آن سال تنها یکبار باغ پسته‌ام را آب دادم و باقی آب را صرف کشت گندم کردم. اما چرا در همه این سال‌ها باید کل منابع آبی را صرف کشت گندم کنیم؟ ما الان می‌توانیم تولید این محصول آبجو و فلقد توجیه اقتصادی را متوقف کنیم. اما به جای آن منابع آبی مان را ذخیره کنیم. اما با دلمه رویه فعلی دیگر امکان چنین کاری نداریم چون مادر همه این سال‌ها هرچه منابع آبی داشته‌ایم صرف کاشت گندم کرده‌ایم و به زودی آبی باقی نمی‌ماند که بخواهیم در تولید محصولات کشاورزی خود کفا بمانیم. داستان خود کفایی داستانی ساختگی است.

۴ راهکار دومی که برای اصلاح کشاورزی وجود دارد چیست؟

راهکار دوم بسیار ساده است. قیمت حامل‌های

۴ یعنی شما معتقدید راه اصلاح مسیر کشاورزی در ایران از تغییر الگوی کشت و تمرکز بر کشت محصولات کمتر آب‌بر و بیشتر ارز آور می‌گذرد؟

من دو راهکار دارم. اول اینکه ما تولید محصولاتی را که نیاز به آب زیاد دارند و ارزش کمی دارند متوقف کنیم. در این حالت تراز آبی کشور مثبت می‌شود. الان وزارت نیرو برداشت از ذخایر زیرزمینی کشور را ۴۴ میلیارد مترمکعب تخمین می‌زند. در حالی که میزان منابع آبی تجدیدپذیر ما تنها حدود ۲۰ میلیارد مترمکعب است. یعنی ما دو برابر بیشتر از میزان منابع آبی تجدیدپذیر آب برداشت کرده‌ایم. چنین سیاست آبی کاملاً اشتباه است. من حاضریم در هر جایی از این گفته دفاع کنم. بسیاری مساله خود کفایی گندم را مطرح می‌کنند. چرا ما باید این همه منابع آبی خود را برای کاشت گندم هدر بدهیم؟ چون نگرانیم که مبادا روزی تحریم غذایی بشویم. دو نکته را باید در قبال این نگرانی عنوان کنم. اول اینکه طبق معاهدات بین‌المللی تحریم‌ها تاکنون شامل تحریم غذایی نبوده است و ما در بدترین سال‌های تحریم، گندم مورد نیازمان را از آلمان و آمریکا تهیه کرده‌ایم. تنوع صادرکنندگان بین‌المللی گندم نشان می‌دهد تحریم غلات علیه ایران،

تا نیمه دوم دهه ۱۳۳۰ کشاورزی در نواحی نیمه خشک ایران بر پایه بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی به وسیله قنات استوار بود. قبل از آن، آخرین بقایای املاک خالصه توسط دولت به فروش رسیده و مالکیت اراضی و آب‌های زیرزمینی به طور کامل در دست بخش خصوصی قرار گرفته بود. این املاک خالصه آخرین بقایای نظام تیولداری بود که با حمله مغول جانشین نظام دهقان-رعیتی سنتی ایرانی گردید.

در نظام تیولداری، خان بزرگ مالک کلیه زمین‌های کشاورزی و املاک بود. در هر ناحیه املاک و آب‌های متعلقه را به خان‌های کوچک‌تر برای مدتی در قبال تأمین باج و جنگجو واگذار می‌کرد. در این نظام، مالکیت به طور عموم به ارث نمی‌رسید و املاک از خانی به خان دیگر دست به دست می‌شد. در نظام قبل از حمله مغول و پس از پایان دوره ایلخانی، اساس مالکیت بر حيازت آبها و احیا اراضی موات توسط شهروندان متکی بود و املاک و آب‌های حيازت شده طبق قوانین اسلام به ارث رسیده و قابل معامله بود.

در این مختصر نوشته به تجربه شخصی اینجانب از اوضاع کشاورزی رفسنجان در اوائل دهه سال‌های ۱۳۳۰ تا اواسط دهه پنجاه بسنده گردیده است. تا اواخر دهه ۱۳۳۰ کشاورزی رفسنجان بر اساس بهره‌برداری از حدود ۳۰۰ رشته قنات استوار بود که لازمه آن تفکیک مالکیت زمین از مالکیت آب‌های زیرزمینی می‌باشد. اراضی هر ده از محل مظهر قنات تا پایین دست که تحت کشت یا آیش قرار داشت محدود می‌شد. در حالی که رشته قنات از مظهر آن قنات شروع و معمولاً فرسنگ‌ها در اراضی موات یا اراضی مالکین دیگر به طرف ارتفاعات کشیده می‌شد.

اندیشه مالکیت و حریم در آب‌های زیرزمینی

گذر از فرهنگ تولید ایرانی به راه رشد غیر سرمایه‌داری





دولتی پا به میدان گذاشته و با قانون‌گذاری جدید در مسائل آب نهایتاً وزارت نیرو را مسئول صدور پروانه حیات و رعایت حریم و اجرای اصل «لاضرر و لااضرار» کردند. این قوانین که متأثر از دیدگاه‌های دولتمردان وقت بود سرنوشته سرمایه‌گذاران در کشاورزی و باغات را به دست کارمندان دولت و مهندسان جوان سپرد. دولتمردان و تکنوکرات‌هایی که در جو آن زمان به شدت تحت تأثیر تبلیغات همسایه شمالی و مکتب «راه رشد غیرسرمایه‌داری» قرار داشتند.

از این پس تضييع حقوق مالکین موجود تحت عنوان سرمایه‌دار و فتوادل از طریق صدور پروانه‌های حیات (بهره‌برداری) جدید و نادیده گرفتن قاعده لااضرر و لااضرار به صورت مصیبت دائمی در آمدوهر چندسال یکبار در قالب اجرای عدالت اجتماعی پروانه بهره‌برداری چاه‌های بیشتری صادر می‌گردید. با آنکه در سال ۱۳۵۳ حوزه آبی رفسنجان به لحاظ بیلبان آبی منفی با حدود ۴۰۰ رشته قنات و چاه عمیق از نظر صدور پروانه بهره‌برداری جدید ممنوعه اعلام شده بود، امروز تعداد بهره‌برداران پروانه‌دار از این سفره آبی بالغ بر ۱۶۰۰ فقره می‌گردد.

اکنون که در آغاز آخرین دهه قرن چهاردهم به سر می‌بریم به کمک قانون «تعیین تکلیف چاه‌های غیرمجاز» و طرح دولتی موسوم به فدک هجده جدیدی علیه منابع آبی استان با تمسک همیشگی به اجرای عدالت اجتماعی صورت می‌گیرد. اگر دولتمردان ما متأثر از «راه رشد غیرسرمایه‌داری» نبودند، می‌شد که عدالت اجتماعی را از طریق بازخرید منابع آبی موجود از بهره‌برداران قبلی و با فروش اقساطی آن به محرومین تحقق بخشید، بدون آنکه لطمه‌ای به سرمایه‌گذاری‌های موجود وارد شده و موجب آواره شدن بهره‌برداران قدیم و جدید شویم.

ظرفیت جوابگویی به مسائل حقوق آب و پاسخگویی به اختلافات در زمینه مالکیت آب و زمین و حریم آنها را دارا بودند. در این دوره، دعاوی بین قنات به‌کندی شکل می‌گرفت و حکمیت کارشناسان محلی هیچ‌گاه اجازه بحرانی شدن به این مناقشات را نمی‌داد.

با پدیدار شدن دستگاه‌های حفاری جدید و پمپ‌های آبکشی در حجم زیاد از عمق سفره‌های آبی، عنصر کاملاً جدیدی وارد مبحث حیات و احیا گردید. هر فرد صاحب مکننت اندکی، می‌توانست در زمانی بسیار کوتاه با حفر و بهره‌برداری از چاه عمیق به کمک پمپ در ظرف چند روز به احیا مباحات دست بزند. امری که قبلاً مستلزم خرج هزینه گزاف بوده و انجام آن به ده‌ها سال زمان نیاز داشت.

ورود چاه عمیق به صحنه کشاورزی رفسنجان به دو طریق موجب تزلزل در مالکیت و بروز دعاوی و مناقشات حاد بر سر منابع آبی گردید. نخست آنکه چاه عمیق می‌توانست از فرسنگ‌ها فاصله به کاهش سطح سفره آبی به قنات منطقه زبان برساند. دوم آنکه برخی از مالکین به استناد فتوای معروف که حفر چاه را (به معنای دستی آن) در زمین مالک مجاز می‌دانست، با سو استفاده از این فتاوی، به حفر چاه عمیق در حریم ضرری قنات اقدام کردند. اختلافات قبلی که با حکمیت به‌سادگی حل می‌شد اینک به زد و خورد و حتی در پاره‌ای موارد به قتل منجر می‌شد. ناگهان ده‌ها نفر داوطلب حیات از منابع آبی در یک منطقه می‌شدند و معلوم نبود که آیا اصلاً این حیات جدید می‌تواند بدون آسیب‌رسانی به سرمایه‌گذاری قبلی صورت پذیرد؟

در چنین جوی بود که تکنوکرات‌های

مالکیت بر آب‌های زیرزمینی برای هر رشته قنات از محل ورود رشته قنات به سفره آبی و تا مادرچاه آن قنات و با حریمی که عرفاً از هزار تا هزار و پانصدمتر بر حسب کیفیت خاک متغیر بود، تعیین می‌شد. اولویت در مالکیت و حریم آب‌های زیرزمینی بر اساس قاعده «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» استوار بود و بدین ترتیب احداث قنات جدید به شرط آن مجاز بود که قسمت تران (آبده) آن در حریم ضرری قنات موجود نبوده و برای توسعه قنات قبلی ایجاد ضرر ننماید. به هر حال، ضرر زدن به مالکین آب‌های تحت‌الارضی در این زمان مستلزم صرف هزینه هنگفت برای کندن کیلومترها کانال زیرزمینی تا رسیدن به محل پیشکار قنات دیگران بود. در این مورد مالک قنات موجود می‌توانست سال‌ها قبل از آنکه ضرری متوجه وی گردد از نیت متجاوز به حقوق خود پیش‌آگهی داشته‌باشد.

در این زمان، تنها چاه‌های دستی که تا سطح سفره آبی حفر می‌شد (حفاری در عمق سفره آبی غیرممکن بود) روش دیگر استحصال آب به حساب می‌آمد. برداشت آب از این چاه‌های سنتی که به کمک دلو صورت می‌گرفت هیچ‌گاه نمی‌توانست حتی به چند درصد استحصال آب توسط قنات برسد. بدین جهت به مالکین اراضی روی رشته قنات که ممکن بود آب‌های تحت‌الارضی آن نقطه در حریم ضرری قنات باشد اجازه داده می‌شد که برای شرب انسان و دام در ملک خود چاه دستی حفر نمایند. این امر در عرف ایرانی و شرع اسلامی جایز بود. این گونه چاه دستی نمی‌توانست در میزان آبدهی قناتی که از کنار آن می‌گذرد زبان برساند.

در اوایل قرن اخیر که با روی کار آمدن رضا پهلوی همراه بود قوانین عرفی و شرعی ایران در قانون مدنی تثبیت گردید و این قوانین کاملاً

در طول زمان، دو دیدگاه راجع به تأثیرپذیری فرهنگ و تمدن، از شیوه معیشت و زیست بوم در جوامع انسانی مطرح بوده است. از یک سو، دیدگاه ابن خلدون را در سده چهاردهم میلادی داریم. وی توسعه تمدن و چگونگی فرهنگ هر جمعیت انسانی را در درجه اول متأثر از زیست‌بوم و جغرافیای آن قوم می‌داند. مثلاً اینکه چرا بعضی از تحولات متصل به تمدن در بعضی جاها اتفاق افتاد و چرا در بعضی از جاها دیرتر اتفاق افتاد یا نیافتاد را تأثیر زیست بوم، جغرافیا و تأثیرگذاری جوامع همجوار می‌داند. دیدگاه دوم، دیدگاه مارکسیستی است که تحول در ابزار تولید و شیوه تأمین معیشت را زیربنای تحولات فرهنگی و درجه رشد تمدن می‌داند. دیدگاه ابن خلدون با چرخش کانون علم از بلاد اسلامی به رنسانس اروپایی به تدریج به بوته فراموشی سپرده شد. در دو قرن اخیر چنانچه فرهنگ و تمدن در بستر تاریخ بررسی شده‌باشد، معمولاً ابزار مطالعه خواسته یا ناخواسته متأثر از مارکس بوده است. از اواسط دهه سی قرن بیستم، آن قطعیت‌گرایی مارکسیستی توسط عده روزافزونی از اندیشمندان غربی زیر سوال رفت. پژوهش‌های این اندیشمندان ایشان را به مقدمه ابن خلدون و تأثیرگذاری محیط بر فرهنگ و اثر متقابل فرهنگ بر محیط رهنمون شد. در سال‌های اخیر تحلیل‌گران بر تأثیرگذاری هر دو گروه از عوامل بر نوع تمدن و فرهنگ جامعه تأکید دارند.

به‌عنوان مثال، در سرزمین‌های مسطح، جغرافیا اجازه استفاده از نیروی آب برای سایش گندم و تولید آرد را نمی‌دهد؛ یعنی آسیاب آبی که جزو ابزار تولید و معیشت می‌باشد، نمی‌تواند در چنین زیست بومی ابداع گردد. به‌عبارت‌دیگر، دیدگاه ابن خلدون نسبت به دیدگاه مارکس در چنین زیست بومی ارجعیت دارد. یکی از ریشه‌های تفاوت فرهنگی بین مردمان فلات مرکزی ایران و صحراهای مرکزی شبه جزیره عربستان را می‌توان در آسیاب‌های آبی جست‌وجو کرد. ولی فرضاً چنانچه زیست‌بومی اجازه



خبرنامه داخلی انجمن پسته ایران

شماره ۱۰۰ | تاریخ: تیرماه ۱۳۹۳

گفت‌وگو با مهدی آگاه در راستای
دیدگاه‌های زنده یاد باستانی پاریزی در باب قنات

اثرگذاری قنات بر فرهنگ ایران

آقای آگاه! شما از قنات به‌عنوان یکی از پایه‌های معیشتی و فرهنگی ایرانیان نام برده‌اید. علاقمندم برای شروع گفت‌وگو این بحث بیشتر باز شود.



اراضی، ابنیه مسکونی و عمومی و راه‌های اتصال روستاهای پراکنده در فلات خشک ایران، رقمی بسیار درخور توجه بوده‌است. تنها سهم سرمایه‌گذاری در ابنیه عمومی شامل مساجد، مدارس، کاروانسراها، بازارها، گرمابه‌های عمومی، آب انبارها و یخچال‌ها خود رقم قابل توجهی بود که همگی به‌دست شهروندان و در چارچوب وظیفه اجتماعی احداث شده‌بود.

یکی از معیارهایی که با آن جوامع بشری، از نظر سطح تمدن سنجیده می‌شوند، انباشت سرمایه سرانه در آن جامعه است. تصور بنده این است که چنانچه سرمایه‌گذاری سرانه فوق در ایران در آغاز صنعتی شدن اروپا با آن جوامع، مقایسه شود سرمایه‌گذاری سرانه ایران در سطحی بالاتر از اکثر جوامع اروپایی قرار گیرد؛ یعنی با این معیار تا همین اواخر، ایران از سطح بالاتری از تمدن نسبت به جوامع اروپایی برخوردار بود.

ویژگی‌هایی در فرهنگ و تمدن سه هزار ساله ایرانیان وجود دارد که در بین سایر اقوام مشاهده نمی‌شود. نابه‌جا نیست اگر این‌طور تصور کنیم که این ویژگی‌های تاریخی باید به عوامل جغرافیایی و شیوه‌های تولید در این سرزمین برگردد. در این سه هزار سال معیشت در ایران بر چند پایه استوار بوده است: ۱- زراعت متکی به فنوت که در فلات مرکزی ایران بیشترین سهم را دارد. به لحاظ عمدتاً کویری بودن، این مناطق محدودیت شدید دسترسی به سوخت را نیز داشتند. خصوصیت تأثیرگذار دیگر اقلیمی این مناطق تفاوت فاحش حرارت در طی شب و روز و در فصول سال است؛ برای مثال این تفاوت در کرمان در شبانه روز به بیش از ۳۰ درجه سانتی‌گراد و در طول سال، به بیش از ۷۰ درجه سانتی‌گراد می‌رسید. سکونت با رفاه در این اقلیم نیازمند کوششی مضاعف است. ۲- زراعت متکی به رودخانه‌ها که بیشتر در پیرامون فلات ایران و در اراضی پست‌تر رایج بوده است. ۳- زراعت دیم توأم با دامداری که عمدتاً در کوهپایه‌های مرزی فلات ایران قرار دارد و

منطقه یزد یک کار چندین ده ساله است. از چاه می‌توانید در حد خوردن و ایجاد یک باغچه کوچک سبزی آب بکشید، اما نمی‌توانید تمام انرژی غذایی‌تان را تأمین کنید؛ لازمه‌اش قنات بوده‌است. با فرض آنکه علم قنات را هم از جای دیگری آورده‌باشند، این اقامتگاه را به‌گونه‌ای تأمین مواد غذایی و آب می‌کردند که مردمش بتوانند ده‌ها سال به‌کار ایجاد قنات بپردازند. سوال شما مثل مساله تقدم مرغ و تخم‌مرغ با یکدیگر است. همین‌که اولین قنات احداث شده‌باشد، ایجاد قنات‌های بعدی را می‌توان به‌سادگی در ذهن خود بازسازی کرد. خلاصه می‌خواهم بگویم که تبعات فرهنگی و تمدنی ایجاد قنات در مناطق کویری بسیار گسترده بوده و خود این ابزار اصلی تولید کشاورزی متأثر از مساله جغرافیایی و زیست‌بومی است.

؟ پس این جغرافی بود که احداث قنات

را برای زندگی در فلات مرکزی ایران، الزامی کرد. آیا قنات توانست به نوبه خودش بر فرهنگ جامعه تأثیر بگذارد؟ پاسخ علمی و مستند دادن به این پرسش مستلزم پژوهش و کنکاش از جانب دانشمندان با تخصص‌های گوناگون است. در این گفت‌وگو برای آنکه باب جدل گشوده شود برداشت‌های خام خود را عرضه می‌کنم. پاسخ من مثبت است. نخست به نکته‌ای می‌خواهم اشاره کنم که در بین روشنفکران ایران (شاید به استثنای شادروان ابراهیم باستانی پاریزی) مغفول مانده‌است. در آستانه تحولات علمی و صنعتی اروپا، در فلات ایران از حدود ۵۰ هزار رشته قنات برای آبیاری کشاورزی استفاده می‌شد. سازه‌های این قنات شامل بیش از ۳۰۰ هزار کیلومتر کانال افقی زیرزمینی و ۳۰۰ هزار کیلومتر چاه عمودی بود. اکثر مورخین جمعیت ایران را در آغاز صنعتی شدن اروپا، حدود ۱۲ تا ۱۵ میلیون نفر برآورد کرده‌اند. با این دو فرض متوجه می‌شویم که سرانه سرمایه‌گذاری صورت‌گرفته در قنات، شبکه آبیاری، تسطیح

استفاده از نیروی آب و باد را بدهد، قطعاً نسبت به زیست‌بومی که در آن تنها انرژی انسان و چهارپایان پایه تولید است، بسترساز جامعه پیشرفته‌تری از نظر فرهنگی- هنری و سطح تمدن خواهدبود. علت امر آن است که هرگاه گندم را بتوانید بیشتر و ارزان‌تر آسیاب کنید، افراد بیشتری برای فعالیت‌های غیرتولیدی از جمله پرداختن به کارهای هنری آزاد خواهندشد. از هر کدام از این دو دیدگاه که بنگریم نقش قنات در توسعه فرهنگی تعیین کننده‌است.

؟ این قنات چگونه ایجاد شده؟

اولین قنات‌ها در ایران احداث شده‌اند. حدس زده می‌شود که ایرانی‌ها در حفر تونل‌ها برای استفاده از معادن، به آب زیرزمینی مزاحمی بر خوردند که می‌شد با دادن شیب ملایم، این آب را از معدن خارج و استحصال معدن را ممکن ساخت. گروهی دیگر بر این باورند که اندیشه سازه قنات از گسترش بعضی چشمه‌های کوهستانی به‌وجود آمده‌است. طبیعی است که اولین قنات‌ها در مناطق کاملاً خشک و صحرایی به‌وجود نیامده‌باشند؛ زیرا در این مناطق طول رشته قنات چندین فرسنگ بوده و احداث آن، ده‌ها سال به‌طول می‌انجامیده‌است. چنین سرمایه‌گذاری انسانی درخور توجهی در جوامع با جمعیت اندک و با تولید غله در حد نیاز تولیدکننده، نمی‌توانست شکل بگیرد. می‌توان نتیجه گرفت که نخستین قنات‌های مناطق کویری در زیست‌بوم‌هایی ایجاد شده‌است که چشمه‌های کوهستانی در تمام فصول سال، روستایی کویری با تولید نسبتاً وسیع را آبیاری می‌کرده‌است.

؟ بر این اساس اولین قنات یزد که ابتدا آب جاری در آنجا وجود داشت، چگونه شکل گرفت؟

من قاصر از اینکه عظمت مدیریت چنین پروژه‌ای را تصور کنم. اولین کسانی که خواستند در جلگه یزد اقامتگاهی ایجاد کنند، چگونه بدون آب در یزد مستقر شدند؟ استحصال آب در



عشایر کوچ‌نشین در حد فاصل بین مناطق دوگانه فوق، سالانه دوبار با مرارت به بیلاق و قشلاق مبادرت می‌کنند. معیشت در این زیست‌بوم جز از طریق انتقال عشیره و صدها هزار دام بین چراگاه‌های گرمسیری و ارتفاعات پراز برف میسر نبود. در این زیست‌بوم قطعاً مردمی پایدار می‌مانند که توانایی جسمی فوق‌العاده‌ای از پیر و جوان داشته‌باشند. ۴- شهرهای بزرگ که در نقاط تقاطع راه‌های مواصلاتی ایجاد شده و عمدتاً اصناف تولیدی را در محله‌های پیرامون بازار مرکزی در خود جای داده‌است. به‌خاطر بُعد مسافتات در ایران، این شهرها محل بارانداز و خرید و فروش کالاهای بازرگانی بوده که از سرزمین‌های دور با قافله‌های شتر توسط ساریانان جابه‌جا می‌گشته‌است. آنچه فرهنگ و تمدن ایران را می‌سازد کنش و واکنشی است که بین اقوام ساکن این زیست‌بوم ایجاد شده‌است. همگی ما نسبت به ویژگی‌های رفتاری هر یک از جوامع فوق، پیشداوری‌هایی در ذهن خود داریم. مثلاً از دیرباز در بین ایرانیان جوامع گروه یک، مردمی حسابگر، صبور، با تدبیر ولی ترسو قلمداد شده‌اند. از حکایات عبیدزاکانی درباره‌ی ترسو بودن مردم نواحی کاشان و بیزاری از جنگ در میان ایشان تا داستان‌های نبرد دو روستایی اصفهانی از دو سوی مادی (نهر آب) که اگر من در آن سو بودم، چه‌ها که نمی‌کردم، حکایت‌ها نقل می‌شود. چون اصالتاً یزدی هستیم، می‌توانم به‌عنوان تصدیق داستان‌های متعددی در میزان "دلاوری" مردم یزد، بازگو کنم. می‌گویند گربه‌ای فیش کرد، یزدی جا خورد و از جایش پرید. گفتند گربه فیش فیش می‌کند، چرا ترسیدی؟ گفت: "من خو از گربه نمترسم، فقط احتیاط مکنم." در داستانی دیگر، اواخر قاجار در کرمان شورش می‌شود. حاکم کرمان از یزد کمک می‌خواهد. یزدی‌ها حدود ۸۰۰-۷۰۰ تنگچی و مهمات، سر همبندی می‌کنند و به‌طرف کرمان می‌آیند. به کوهبنان که می‌رسند، بیست نفری تیرانداز از عشایر شورشی کرمان را می‌بینند که به طرفشان تیر می‌اندازند.

بُرد تفنگ شورشی‌ها اندکی بیشتر از تفنگ یزدی‌ها بوده‌است. فرمانده یزدی کمی اوضاع را بررسی می‌کند و به یزد برمی‌گردد و گزارشی به تهران می‌فرستد که حاکم کرمان از ما درخواست کمک نظامی کرد، ما به کمک شتافتیم، ولی خوشبختانه بدون هیچ‌گونه تلفاتی با تمام قوا از میدان جنگ به‌سلامت به یزد برگشتیم. گروه دوم که عمدتاً شامل ساکنان نواحی حاشیه‌ی خزر و ساکنان خوزستان است در بین گروه‌های دیگر معروف به داشتن خصلت‌هایی نظیر سادگی، زودبوری، کاهلی و خوشگذرانی است. شاید انتصاب این خصلت‌ها به ایشان از سوی یزدی‌هایی صورت گرفته‌باشد که نسبت به دسترسی راحت و بی‌حد ایشان به آب جاری شیرین احساس حسرت می‌کنند. گروه سوم، یعنی عشایر را سایر گروه‌ها افرادی قوی، جنگاور که احساساتی، زودخشم، سست دین، دیرگرمابه ولی غیور و پرطاعت می‌شناسند. گروه چهارم هم ساکنان شهرهایی نظیر دزفول، شوشتر، یزد، کرمان، کلان، اصفهان، تبریز و... می‌باشند. ساکنان این شهرها را ناسجان، آهنگران، کفشان، زرگران، مسگران، کلاه‌دوزان، لحددوزان، بازاریان و بازرگانان کثیرالسفر تشکیل می‌داند. سایر گروه‌ها خصلت‌های ناپسند نظیر دروغ‌گویی، آز، دورویی، پنهان‌کاری، تقلب و کم‌فروشی را ویژگی گروه چهارم می‌دانستند. حال آنکه برای مشورت حتماً لازم می‌دیدند که از تدبیر آیندنگری و شناختشان از جهان خارج بهره‌برند. امروزه معمولاً این صفت نزد گروه‌های چپ به خصلت‌های بخش خصوصی تعبیر می‌شود. این چهار گروه برای حدود سه هزار سال است که در همین سرزمین زندگی کرده و مجموعاً علی‌رغم تفاوت‌های معیشتی و شیوه تولید، خود را ایرانی می‌شناسند. تفاوت‌های فاحش میان خصلت‌های فردی نزد این چهار گروه مانع از آن نبوده که در این سه هزار سال، پیوستگی زبانی و فرهنگی

خود را علی‌رغم شکست‌های مکرر از اقوام دیگر، حفظ نمایند. حتی می‌توان گفت که خصلت‌های این چهار گروه مکمل یکدیگر بوده و هر جا که مثلاً تدبیر اصفهانی کارایی نداشته، خصلت‌های دلاوری و پایداری در ستیز لرها، کارگر شده‌است. اگر در بین جوامع دیگر همیشه فرهنگ اشغال‌گر بر فرهنگ بومی چیره گشته، اما در این سرزمین، سه هزار سال است که اشغال‌گران پس از چندی فرهنگ ایرانی را پذیرفته و به جمع ایرانیان پیوسته‌اند. به‌عبارتی، در این سرزمین سرانجام فاتحان، مقهور فرهنگ دیرپای ایرانی شده‌اند.

؟ اما به‌نظر می‌رسد که در دوره‌ی معاصر این ما ایرانیان هستیم که مقهور غرب شده‌ایم؟
اگر کتاب‌های متقدمین مشروطه‌خواه مثل کتاب سیاحت‌نامه ابراهیم‌بیگ یا سفینه طالبی را مطالعه کنید، خواهید دید که در آن مقطع بازرگانان عمده متوجه ورشکستگی اصناف و نابودی تولیدات بومی ایران در رقابت با تولیدات ماشینی اروپا شدند. در غرب، علم و صنعت در خدمت ساخت ابزار و بهبود شیوه‌های تولید قرار گرفت؛ حال آنکه در ایران و هند و به میزان کمتری در چین، علم در چارچوب مقولات انتزاعی محدود ماند. برداشت ابتدایی من این است که یورش و استیلای مغول در این سه کشور و تحمیل نظام تیولداری به جای نظام فئودالی، مانع از سرمایه‌گذاری در ابزار و شیوه‌های جدید تولید گردید. در واقع، مالکیت موقت جای مالکیت دائم و موروثی را گرفت؛ امری که حتی در زمان پهلوی و پس از آن هنوز آثار شوم آن، بر شیوه حکومتی ما سایه انداخته‌است. خواننده می‌تواند پیرامون خود موارد متعددی از سپردن مالکیت موقت بنگاه‌های اقتصادی به گروه‌های خاص را مشاهده کند. در این شیوه، مالک موقت انگیزه



است که در فرهنگ ایران هست و همه غیر ایرانی‌ها، را شگفت‌زده می‌کند.

طوایفی در حدود ۵ هزار سال قبل در شمال دریای سیاه می‌زیستند که همبستگی زبانی داشتند. به علت افزایش جمعیت هر عشیره‌ای به‌سوی مهاجرت کرد. یکی از این عشایر به فلات ایران مهاجرت و بر مردم اندک بومی مسلط شد. شاخه زبانی این قوم ایرانی نام داشت. و از آن پس این سرزمین ایران خوانده شد. این واقعه به بیش از ۳ هزار و ۵۰۰ سال پیش برمی‌گردد. از آن زمان تاکنون مهاجمین متعددی بر این سرزمین تاخته و حتی برای چندصدسال بر آن حکومت رانده‌اند.

علی‌رغم اشغال طولانی توسط اقوام گوناگون که در هر کشور دیگر منجر به تسلیم فرهنگ بومی در برابر فرهنگ مهاجم می‌گردید، در فلات ایران، این فرهنگ بومی بود که در طولانی مدت بر فرهنگ‌های مهاجم چیره شده و پیوستگی تاریخی فرهنگ ایرانی را در این سرزمین رقم زده‌است. هر اشغالگری نیاز دارد که حوایج اولیه زندگی قوم خود در سرزمین جدید را تأمین کند. در سرزمین‌های حاصلخیز و پربراران نظیر اروپا، اقوام مهاجم نیازمند کسب تکنولوژی بومی برای ادامه حیات نبودند. بنابراین، بومیان شکست خورده فرهنگ چانه‌زنی در مقابل حکام جدید را نداشتند و مهر قدرت مهاجم به آسانی بر تارک سرزمین جدید می‌نشست. هیچ کشور اروپایی یافت نمی‌شود که بیش از چند صد سال سابقه زبانی، ادبیاتی و فرهنگی پیوسته داشته‌باشد. خواندن نمایشنامه‌های شکسپیر برای یک فرد انگلیسی عامی بسیار دشوار و فهم آن ناممکن است. همین فرد انگلیسی با زبان داستان‌های کانتربوری نوشته چاوسر بیگانه است. این درحالی‌است که هر کودک دبستانی می‌تواند اشعار فارسی رودکی و فردوسی و رابعه بنت کعب را که قریب ۵۰۰ سال قبل از زمان چاوسر سروده شده را بفهمد. حتی عجیب‌تر آنکه روایت صادق هدایت از «کارنامک ارتخشیر پاپکان» که از خط دشوار پهلوی به خط رایج امروز بازنویسی شده برای هر دانش آموز ایرانی

می‌شد. اگر دشمنی بر چنین جامعه‌ای می‌تازید، نمی‌توانست به ایشان آسیبی دیرپا وارد آورد. چه، همین که دشمن اموال را غارت و عرصه را خالی می‌کرد، می‌توانستند مجدد بذر گندم نهان شده را بر زمین پاشیده و چند ماه بعد محصول بردارند. بالعکس در فلات ایران که بهره‌برداری از قنوات و شبکه‌های آبیاری یک الزام بود، در پس یک حمله یک قوم چادرنشین و تخریب قنوات، سال‌ها طول می‌کشید که نجات‌یافتگان از تهاجم بتوانند با تحمل قطعی، قنوات را مرمت و مجدداً جمعیت را به سطح قبلی برسانند. گاهی ممکن بود این تثبیت یکی دو نسل زمان ببرد. ساختن قنات کاری بسیار پیچیده و زمان‌بر است، درحالی‌که تخریب آن به کمک مقداری خاک یا یک جوال کاه در چند ساعت میسر است. ساختنش از قلعه دشوارتر و علاوه بر علم سازهای به شناخت هیدرولوژی منطقه‌ای که سازه قنات در آن واقع شده، نیازمند است.

❓ این چه شاخص تمدنی است که با انداختن یک جوال کاه درون آن، نیاز به چند سال مرمت دارد؟

دقیقاً این شکنندگی بنیاد تولید در جامعه ایرانی است که به آن غنای فرهنگی داده و صاحبان این فرهنگ را به تعامل با دشمنان احتمالی واداشته‌است. به قول البرادعی رییس سابق آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایرانی‌ها در مذاکره ظرفیت بده‌بستان دارند، درحالی‌که آمریکایی‌ها فقط برد را قبول دارند. تا آنجا که من در شیوه‌های معیشتی تفحص کردم، هیچ شیوه معیشتی به شکنندگی زندگی استوار بر آبیاری قنات نیست.

❓ اما ایرانی‌ها هزاران سال در این عرصه زندگی کرده‌اند؟

نه تنها زندگی کرده‌اند که پرچم فرهنگ خود را افراشته نگاه داشته‌اند. این چیزی

کوشش برای حفظ و بهبود آن مال را ندارد. ناگزیرم بپذیرم که این مرتبه با نوعی چیرگی تولیدی-اجتماعی از جانب غرب روبه‌رو هستیم که لااقل در تهاجم‌های بعد از اسکندر سابقه نداشته‌است. اقوام بیابان‌گرد که تنها مهاجمین به ایران، بعد از یورش اسکندر بودند، همگی در مرحله شبنانی معیشت بودند و عمدتاً با زراعت وسیع آبی سروکاری نداشتند. بنابراین، جذب آنها در فرهنگ متعالی قوم شکست خورده دور از ذهن نیست. این بار برای نخستین بار با برتری علمی-صنعتی فرهنگ مهاجم روبه‌رو هستیم. این برتری علمی-صنعتی ناگزیر با خود برخی تحولات فرهنگی را نیز سبب خواهدشد. حقیر بر این باورم که رهبری هوشمندانه از سوی روشنفکران و عالمان دین می‌تواند با حفظ عوامل پایدار در فرهنگ ایرانی-اسلامی این سرزمین، تبعات ورود علم و صنعت به جامعه را در حد الزامات اجتماعی شیوه‌های تولید جدید محدود سازد. یکبار مطالعه عمیق قابوسنامه - این آینه تمام‌نمای فرهنگ دیرپای ایرانی- آشکار می‌کند که بخش‌های اندکی از این کتاب با تحولات امروز ممکن است ناسازگاری داشته‌باشد. باید اذعان کنم که حتی امروز هیچ شیرین سخن و زیباکلامی مجهز به فرهنگ روز غرب، نمی‌تواند به اندازه این کتاب هزار ساله در رفع مشکلات اجتماعی و پرکردن شکاف بین نسل‌ها، مرا دستگیری کند.

❓ اگر این‌طور باشد، این دیربایی فرهنگ ایرانی را که حتی می‌تواند در مقابل ادعای جهانی شدن فرهنگ غرب بایستند ناشی از چه عاملی می‌بینید؟

اروپایی‌ها بسیار دیرتر از اقوام ایرانی اقامت در زیستگاه‌های دایم را برگزیدند. معمولاً قسمتی از جنگل را صاف می‌کردند یا می‌سوزاندند و بذر می‌کاشتند. بعد از برداشت دو سه محصول که باروری خاک کاهش می‌یافت، با مهاجرت به بخشی دیگر از جنگل، همین روش تکرار



مهدی آگاه:

علت آنکه تهاجم و اشغال این سرزمین از سوی اقوام دیگر نتوانسته به پیوستگی فرهنگی ایران در درازمدت آسیب برساند، دقیقاً در پیچیدگی‌های فنی و علمی حفر قنات‌ها و نظام اجتماعی دقیقی است که مرمت و آبدهی بدون وقفه این سازه را ممکن می‌ساخته است.

مصاحبه



قابل فهم و زنده است. برای هیچ غیرایرانی باور کردنی نیست که خوانندگان جوان پاپ برای ترانه قطعات خود از اشعار سعدی، حافظ، مولوی و حتی رودکی استفاده کنند.

۴ آقای آگاه! من هنوز پاسخ سوالم را نگرفته‌ام. از تباط‌معیشت شکننده بر پایه آب قنات، با پیوستگی فرهنگی ایران چیست؟ علت آنکه تهاجم و اشغال این سرزمین از سوی اقوام دیگر نتوانسته به پیوستگی فرهنگی ایران در درازمدت آسیب برساند، دقیقاً در پیچیدگی‌های فنی و علمی حفر قنات‌ها و نظام اجتماعی دقیقی است که مرمت و آبدهی بدون وقفه این سازه را ممکن می‌ساخته است. مهاجمینی که بر ایران مسلط شدند، بقای خود در این سرزمین را، در حفظ نظام اجتماعی مبتنی بر قنات یافتند.

اگر نظام اجتماعی حکام جدید از خبرگان قنات و کارگران ماهر تحت امر ایشان حمایت نمی‌کرد، این شهرها و روستاهای بدون قنات، نه تنها برای بومیان، بلکه برای مهاجم نیز بی‌ارزش بود. درواقع، جامعه شکست خورده، از ابزار چانه‌زنی بی‌نظیری در مقابل استیلای مطلق اشغالگران برخوردار بود. پس قوم مهاجم مجبور بود که هوای خیره‌های محلی و کارگران ماهر و نظام تقسیم آب را داشته‌باشد. سرانجام پس از گذشت یکی دو نسل، ناچار حاکمان در این نظم معیشتی پرنج و شکننده مستحیل شده و ایرانی شوند. برای شما که کرمانی افتخاری هستید، به‌عنوان مثال از میرزاآقاخان کرمانی نام می‌برم که گرچه از خانواده بهادری یعنی از خواتین مغول منطقه بردسیر کرمان بود، اما نخستین کسی است که در ابتدای نهضت مشروطه دست به نگارش رمان‌های تاریخی در تجلیل از فرهنگ ایران باستان زد. دوام این فرهنگ یک الزام زیست‌بومی در حاشیه کویر بوده‌است. تنها در دوران جدید و تسلط حکومت ایران بر منابع نفتی است که شاهد جراحی در نظام اجتماعی مبتنی بر بهره‌برداری از قنات و مصرف آب هستیم. رهاسازی قنات از سوی

مالکین در جریان اصلاحات ارضی، نتیجه این انقلاب حکومتی است که به توصیه "دلسوزانه" دولت آمریکا و در قالب نهضتی عدالت‌گرایانه به اجرا گذاشته‌شد.

۴ آیا تهاجم اقوام بیگانه تنها اثرش مستحیل شدن فرهنگ قوم غالب در فرهنگ بومی بوده یا آنکه ایرانیان نیز در پی این تهاجمات، ویژگی‌های فرهنگی‌شان دچار تحول شد؟

پرسشی هوشمندانه است. این که ایرانیان بارها شکست را پذیرفته، ولی توانستند به حیات فرهنگی خود ادامه دهند، قطعاً لازمه آن تغییرات روانی - فرهنگی و نرمشی است که تهاجمات مکرر در شخصیت انسان‌های این مرز و بوم برجای گذاشته‌است. مثال زیر یک آزمایش ذهنی است که من برای پاسخگویی به این سوال طراحی کرده‌ام. فرض کنید قوم چادرنشینی که به چرای دام متکی است و سطوح بالاتر معیشت نظیر کشاورزی متکی بر شبکه‌های آبیاری و اقامت در زیستگاه‌های دائمی را تجربه نکرده، در نبود حکومت مرکزی قوی و پس از غارت شهرهای مرزی و قتل عام اهالی آن، به آستانه شهر یزد رسیده و با عبور از بیابان‌های بی‌آب و علف، شهر یزد را محاصره کرده‌باشد. در این مرحله معمولاً تصمیمات توسط سران اصناف و سرنوشت‌ساز بازار و در هماهنگی با روحانیون اتخاذ می‌شد که نبض شهرها را در دست داشتند. در کنار اینان مالکین و رعایا بودند که به همراه زارعین روستاهای نزدیک به شهر و مالکین خرد و کلان، سرنوشتشان به این تصمیمات وابسته‌بود. حال فرض کنید سران این گروه جلسه‌ای در یزد برای چاره‌اندیشی در برابر مهاجمان برگزار کرده‌اند که با این مهاجم چه باید کرد. عده‌ای خواهند گفت که دفاع فریضه است و باید تا پای جان بجنگیم. عاقله مردی که کارشناس دآوری در دعاوی قنات است، خواهد گفت: بیابید واقع‌بین باشیم. اگر در چنین جنگی شکست بخوریم، شهرمان تاراج، اموالمان غارت و دختران و زنانمان

به بردگی می‌روند. اگر هم در عرصه کار و زار پیروز گردیم، چند سوار از قوم مهاجم در حین عقب‌نشینی می‌توانند با ریختن چند بار خاک یا جوالی که مجرای قنات‌های شهر و روستاهای مجاور را مسدود و باعث ریزش آوار در مجرا و تخریب پیشرونده پیشکار قنات شوند. در این صورت پس از پیروزی در نبرد، برگرداندن جریان آب به چندین سال مرمت نیاز خواهدداشت و تا آن زمان زنان و فرزندان و عمده زارعین بر اثر قحطی خواهند مرد. می‌شود گفت که پیروزی در صحنه کارزار نیز نوعی شکست در جنگ است. دیگری خواهد گفت که تسلیم در مقابل دشمن و بازکردن دروازه‌ها هم پیشنهاد معقولی نیست. شما تجار و کسانی که انبارهای آکنده از کالا در کاروانسراها و بازار دارید، می‌دانید که اگر دروازه‌ها را باز کنید چه بر سر اموال‌تان خواهدآمد و سرتان را بر باد خواهیدداد.

۴ پس چه باید کرد؟

من این سوال را در موقعیتی از دو بازرگان یزدی پرسیدم. با کمال تعجب، پس از فرصت گرفتن برای چاره‌اندیشی، هر دو جواب مشابه بود. گفتند: پیشنهاد آتش‌بس و مذاکره رود روی سران دو طرف را می‌دادم. در مذاکرات صلح شیوه پیچیده تولید ابزار کشاورزی و تأمین آب توسط قنات را که لازمه بقا در این کویر برهوت است، بر طرف مقابل آشکار می‌کردیم. حتی گوشزد می‌کردیم که در مسیر برگشت تهیه آب، غذا و علوفه برای لشکر پیروز کاری بس دشوار است. به دشمن می‌فهمانیدیم که چنانچه با آرامش وارد شهر شده و بنیاد تولید و نظم اجتماعی را به هم نریزید، بهره‌مندی بیشتری خواهدداشت تا تخریب و سلطه بر شهر خراب. می‌گفتم که شهر و روستاهای مجاور احتیاج به تأمین امنیت در مقابل راهزنان و متجاوزان دیگر دارد. چه بهتر که نیروی مهاجم تبدیل به نیروی تضمین امنیت تولید و تجارت و حراست راه‌ها شود و در مقابل اصناف و کسبه تأمین غذا، پوشاک و علوفه پاسداران امنیت شهر را تأمین کنند. تنها یکی از پاسخ‌دهندگان نظرش این

بیشتر قنات‌های کوهستانی هستند که آبدهی چندانی ندارند. یعنی این دیگر قنات نیست که شیوه اصلی معیشت در این سرزمین است. چیزی که باید توجه کرد این است که فرهنگ ما زاده قنات است، نه قنات زاده فرهنگ ما. اینکه چرا ما نتوانستیم قنات را حفظ کنیم؟ پاسخ یک مارکسیست به شما این است که ابزار تولید، بر فرهنگ مقدم است. تحول در ابزار تولید فرهنگ را عوض می‌کند. یک مارکسیست به شما خواهد گفت داشتن انبوه ذخایر انرژی سهل الوصول و هم زمان با آن، پیدا شدن تکنولوژی حفر چاه عمیق که رفتن به عمق ۵۰ تا ۱۰۰ متری سفره آبی آرا تسهیل کرد، دو عامل فرهنگ عوض کن هستند. در واقع، این فرهنگ ایران نبوده که این دو عامل را به وجود آورده است، بلکه این دو عامل و به خصوص ناآگاهی بر پدیده بیماری هلندی - نکبت منابع - است که فرهنگ سه هزار ساله ایران را در هجمه خود فرو برده است. خوب بود که این ژرف‌نگری مارکس برای ما هشدار می‌شد در جهت پرهیز از افراط‌گرایی در برداشت منابع و سوء استفاده از فناوری مدرن. دستاوردهای فرهنگی چند هزار ساله ایرانی باید به ما می‌آموخت که هزینه‌های جایگزینی آنچه را که به‌سادگی دور می‌ریزیم، از پیش مد نظر قراردسیم.

۴؟ حال چه می‌شود کرد؟

من جواب این پرسش را که چگونه می‌توان فرهنگ سه هزار ساله ایران را حفظ کرد؟ ندارم. فقط می‌دانم این دفعه حمله از حمله مغول، شدیدتر است. در رفسنجان چند قنات در حمله مغول برای همیشه خشک شد؟ اما در حمله وزارت نیرو و غارتگران بخش خصوصی، نه تنها تعداد بسیار اندکی قنات باقی ماند، بلکه ذخایر آبی چند هزار ساله که می‌توانست پشتوانه امنیتی برای استقلال ایران باشد از دست رفت. آنچه که در این ۴۰ سال با خود کردیم، مغول در ۴۰۰ سال نکرد.

۴؟ و جمله آخر؟

آخر ندارد این داستان ایران.

به‌نام خواجه عطا داشته که مذاکره صلح با دریاسالار پرتغالی به عهده وی بوده است. جزیره هرمز فاقد حتی آب آشامیدنی بوده و می‌توان علی‌رغم رفاه ستودنی، زندگی را در آنجا شکننده‌تر از یزد تصور کرد. خواجه عطا در مذاکرات خود سعی می‌کند به فرمانده پرتغالی بفهماند که بدون امنیت تجارت، امپراطوری سواحلی وی به هیچ نمی‌ارزد. پیشنهاد می‌دهد که ناوگان پرتغالی امنیت خطوط کشتیرانی را حفظ کند، و در عوض از محل گمرکات وصولی در سراسر امپراطوری سواحلی سهم پادشاه پرتغال تعیین و پرداخت گردد. حتی زمانی که فرمانده پرتغالی کم‌حوصلگی کرده و قصد پیاده کردن نیروها در جزیره را دارد، وی با پیشنهاد ساخت قلعه و پادگان اقامتی جهت نوایان، چند ماه مذاکره را به درازا می‌کشد. در خلال آنکه ساخت قلعه به‌کندی پیش می‌رفته، نامه‌ای به پادشاه پرتغال می‌نویسد که این فرمانده نظامی تو به‌جز تخصص در جنگ، فاقد شعور در چگونگی بهره‌برداری از صلح است و درخواست فرستادن سیاستمداری جهان‌دیده جهت تحویل گرفتن حکومت جزیره هرمز را مطرح می‌کند. می‌توان مذاکرات خواجه عطا با مهاجمین پرتغالی، در نبود سند کالی را مبنای شبیه‌سازی در مذاکرات مهاجمین به یزد قرارداد. حقیر گاه‌گاه به این می‌اندیشم که آیا می‌شود رفتار چهار سیاستمدار اصلی در گیر در سال ۱۳۸۸ را به مساله قنات مربوط دانست؟ آیا تصادفی است که سیاستمدار اردکانی و سیاستمدار رفسنجانی که هر دو پرورده قنات هستند، امروز در شرایطی متفاوت با سیاستمدار شهیر لرستانی و هنرمند نقاش آذری قرار دارند.

۴؟ آقای آگاه! در هر حال این فرهنگ

در آستانه دوران جدید نتوانسته یکی از مهمترین میراث‌هایش که همان قنات است را حفظ کند. مثلاً گفتید ۵۰ هزار قنات در آغاز قرن بیستم در ایران بوده است! درست است؛ گرچه الان هم صحبت از ۲۰ تا ۲۵ هزار قنات دایر می‌شود، اما احتمالاً اینها

بود که چنانچه این مذاکره به جای این که زیر آفتاب سوزان کویری صورت گیرد، بهتر است که خان مهاجم و محافظانش را برای مذاکره به خانه معین‌التجار دعوت کنیم. آنجا در سردابه و در مجاورت بادگیر و با گستردن سفره رنگین شامل پالوده یزدی با چکیده نسترن و یخ فراوان خریداری شده از یخچال محله، شکاف بین رفاه شهری و یورت‌نشینی را زمینه انجام مذاکرات قرار داد. شاید بازدید از یخچال مملو از برف زمستانه در اوج تابستان در انجام مذاکرات "زنو" بی‌تأثیر نباشد! (باخنده) من نمی‌توانم آنچه را که بین مهاجمین و مدافعان در یزد اتفاق افتاده، با قطعیت بدانم. اما می‌دانم که هزاران سال است که شهر یزد پایدار و پابرجاست. همچنین، می‌دانم برخی قنات‌های شهرهای کویری هزاران سال را بدون قطع جریان آب سپری کرده‌اند. مثلاً در قنات‌های جوپار کرمان و هلکار بردسیر، ماهیان سفید بدون چشم وجود دارند که به تخمین محققان دانشگاه آکسفورد در انگلستان بیش از دو هزار سال نیاز داشته‌اند که با جهش‌های ژنتیکی چشمان خود را که بدان در تاریکی قنات نیازی نبوده، از دست بدهند. تدویم تاریخی جریان آب در قنات یزد تنها می‌تواند در پناه آیندنگری، نظم اجتماعی، دوراندیشی و خصلت‌هایی نظیر تساهل، تسامح و تعامل با دشمن صورت گرفته باشد. گرچه دیگران این خصلت‌ها را نوعی بزدلی و ترس بدانند. آزمایش ذهنی که بدان اشاره شد، صرفاً ساخته ذهن کنجکاو حقیر است، و گرنه با مطالعه اندکی که دارم از وجود اسناد چنین مذاکراتی کاملاً ناآگاهم. از سوی دیگر، جزئیات حمله ناوگان پرتغال به جزیره هرمز در خاطرات روزانه وقایع‌نگار فرمانده ناوگان پرتغالی ثبت شده است. در آن زمان، جزیره ثروتمند هرمز مرکز یک امپراطوری بازرگانی گسترده از سواحل غربی هند تا خلیج فارس، مسقط و شرق آفریقا به‌خصوص زنگبار بود؛ چیزی شبیه دبی امروز. مارکوپولو از آن به‌عنوان ثروتمندترین شهر شرق و نیز نام می‌برد. در هنگام حمله، حاکم جزیره وزیر



تأملی در باب ضرورت گذار به

اقتصاد ملی و مقاومتی

اولین بار در زمستان ۱۳۹۱ براساس

مصاحبه‌ای با مهدی آگاه در باب

”

اقتصاد مقاومتی، مقاله‌ای در فصلنامه پژوهشی
اتاق بازرگانی، صنایع و معادن و کشاورزی کرمان
منتشر شد. این مقاله در آذر ماه ۱۳۹۸ توسط
ایشان مورد بازبینی قرار گرفت. با توجه به تغییر
نظر ایشان، در بخش «ضرورت اجرای طرح
هدفمندی یارانه‌ها در کنار تحریم‌ها» و نظرات
تکمیلی ایشان در بخش «اقتصاد ملی و رانتی آمریکا»
تغییراتی اعمال شده که در ادامه در اختیار خوانندگان
علاقه‌مند قرار می‌گیرد. لازم به توضیح است اعداد و
ارقام شامل قیمت‌ها و سال‌ها و تحلیل‌های مربوطه
تغییر نکرده‌اند و مربوط به همان دوره هستند.



خواهد داشت. این اقدام می‌توانست در خلال این سال‌ها به شکلی بهتر و بدون هدررفت منابع ملی و ارزی انجام شود. شاید ۵ سال پیش باید وارد مرحله اقتصاد مقاومتی و خروج از اتکاء به درآمدهای نفتی در بودجه کشور می‌شدیم.



درسی از تاریخ معاصر

ما در گذشته نیز موقعیت‌هایی برای گذار به اقتصاد مقاومتی داشته‌ایم. اما متأسفانه این موقعیت‌ها از سوی دولتمردان ما ایجاد نشده‌بودند، بلکه شرایط بین‌المللی آن را به ما تحمیل کرد. نمونه بارز آن در دولت دکتر مصدق به چشم می‌خورد. دکتر مصدق ملی شدن نفت را برای افزایش درآمد نفتی ایران پیش برد. شرکت نفت ایران و انگلیس صاحب بزرگ‌ترین پالایشگاه جهان در آبادان بود، اما مالیات بسیار اندکی به دولت ایران پرداخت می‌کرد و حتی قرارداد عادلانه‌ای برای پرداخت بهره مالکانه بین طرفین وجود نداشت. بنابراین، مصدق و همراهانش با تأثیر گرفتن از جوی که پس از جنگ دوم جهانی پیدا شده‌بود و قدرت جهانی بین شوروی و غرب تقسیم شده‌بود، در پی افزایش منافع ملی برآمدند. مصدق می‌پنداشت اگر ایران ضمن پرداخت غرامت به انگلیس، تأسیسات نفتی و پالایشگاه آبادان را به مالکیت ایران درآورد، با فروش مشتقات نفتی به شرکت‌های آمریکایی درآمد بیشتری عاید ایران می‌شود. از آن طرف دولت انگلیس، آمریکا را تحت فشار گذاشته و ادعا داشت با ملی شدن صنعت نفت، ایران تحت نفوذ شوروی در خواهد آمد و نهایتاً آمریکا را متقاعد ساخت تا در جریان ملی شدن صنعت نفت، جانب انگلیس را بگیرد. نتیجه این اتحاد، جلوگیری از صدور نفت ایران به کمک محاصره دریایی بود. با توقف درآمد نفتی ایران، دکتر مصدق با درایتی که داشت بحث اقتصاد مقاومتی بدون نفت را مطرح کرد. این امر با استقبال ملت روبه‌رو شد و به مدت دو سال و چند ماه به اجرا گذاشته شد. زمانی که با کمک آمریکا و انگلیس کودتا صورت گرفت و روابط با غرب از سر گرفته شد، صادرات نفت دوباره به جریان افتاد و سهم ایران از درآمد نفتی افزایش یافت. اینجا بود که اقتصاد بدون نفت یا اقتصاد مقاومتی کاملاً به بوته فراموشی سپرده شد. اکنون در وضعیت مشابهی هستیم. اگر این بار اقتصاد مقاومتی جزئی از اقتصاد ملی محسوب شود، باید این امر را به فال نیک گرفت، نه اینکه به خاطر شرایط ایجاد شده و تحریم‌های سنگین به طور موقت به دامن آن پناه برد؛ چرا که موهبت‌های فراوانی نصیب کشور خواهد شد. در واقع کشوری که داعیه استقلال دارد باید بتواند به لحاظ اقتصادی مقابل تهدیدهای جهانی ایستادگی کند. راه آن هم تکیه کشور بر فرهنگ اسلامی-ایرانی، سرمایه‌های ملی، توانایی‌های نیرومندان انسانی و بالاخره دانش و تکنولوژی بومی شده می‌باشد. بدون هیچ‌گونه تردیدی باید مردم را به طور شفاف در جریان اوضاع قرار داد. لازمه اقتصاد مقاومتی فداکاری جمعی آن هم از سوی سرمایه‌دار، بدنه دولت، طبقه کارگر و کشاورز است.



بحث اقتصاد مقاومتی که اخیراً در ایران مطرح شده، طی دوره‌های گذشته نیز به اشکال مختلف مطرح بوده، اما هیچ‌گاه جدیتی برای پیاده‌سازی آن وجود نداشته است. متأسفانه مقوله اقتصاد مقاومتی همیشه در نتیجه‌ی مسائل و مشکلاتی بوده که دیگران برای کشور به وجود می‌آوردند، نه حاصل تفکر بومی. به طور مثال، کاهش درآمدهای نفتی در گذشته و تحریم‌های برنامه‌ریزی شده دشمنان در حال حاضر از اهم آنها می‌باشد. از این حیث در این گزارش پژوهشی سعی شده است ضمن تشریح کامل ابعاد اقتصاد مقاومتی و ضرورت پرداختن به آن، فراهم کردن زمینه برای حرکت به این سمت مورد بررسی قرار گیرد. محورهای اصلی این گزارش عبارتند از: تجربه اقتصاد مقاومتی در تاریخ معاصر ایران، هدفمندسازی یارانه‌ها در جهت رسیدن به اقتصاد مقاومتی، تجربه‌ی جهانی آن و نهایتاً نحوه مواجهه اقشار مختلف اعم از مردم، دولت، مجلس و سرمایه‌گذاران با اقتصاد مقاومتی. نکته کلیدی این گزارش این است، حال که شرایط برای حرکت در مسیر اقتصاد مقاومتی فراهم آمده است، بهتر آن است که از گذشته درس گرفت و با جدیت آن را دنبال نمود، نه به محض اینکه تحریم‌ها برداشته شد و درآمدهای هنگفت نفتی به کشور سرازیر شد، اقتصاد مقاومتی به بوته فراموشی سپرده شود.



ضرورت پرداختن به اقتصاد ملی و اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی جزئی از اقتصاد ملی محسوب می‌شود. نباید چنین استنباط شود اکنون که در عرصه اقتصادی به چالش افتاده‌ایم، ناچاریم برای عبور از آن، دست به دامان اقتصاد مقاومتی شویم.



گذر از اقتصاد رانتی به اقتصاد ملی و مقاومتی

البته بهترین زمان برای گذار از اقتصاد رانتی به اقتصاد ملی به ۱۵ سال قبل باز می‌گردد؛ یعنی زمانی که زمینه‌های فرهنگی و سیاسی برای آن به وجود آمده بود. کاهش قیمت نفت در بازار بین‌المللی می‌توانست ملت ایران را به پذیرش عبور از اقتصاد رانتی و یارانه‌های کلان مخفی به اقتصاد ملی همراه کند. اگر در آن روز این اتفاق افتاده بود، امروز نیازی نبود که دست به اقدامات ضربتی زده شود. گرچه امروز چنین اقداماتی لازم است، اما عوارض کوتاه مدت و ناخوشایندی



دشواری‌های راه

در هر برهه‌ای از زمان که خواهان عبور از یک سیستم بد اقتصادی به سیستمی دیگر و یا سیستم خوب باشید، برخی نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی به وجود خواهد آمد، چرا که تخصیص منابع و ثروت تغییر خواهد کرد. نحوه برخورد سیاستمداران با اصلاحات اقتصادی به گونه‌ای است که نابسامانی‌های به وجود آمده را نتیجه بد بودن اصلاحات می‌پندارند، در صورتی که این گونه نیست، بلکه اصلاحات، تغییر می‌آورد. هر تغییر در سیستم اقتصادی در مرحله نخست منجر به بیکاری عده‌ای خواهد شد که در دنباله آن و تثبیت اصلاحات اقتصادی، اشتغال در بخش‌های جدید جایگزین این عدم اشتغال می‌شود. بنابراین، بایستی با اعتماد، راه ارتفاعات تپه را در پیش گرفت تا سرانجام به قسمت سرراشیدی تپه رسید.



جهت‌گیری‌های گذشته در گذار به اقتصاد ملی

سیستم تعدیل دولت سازندگی حرکتی در جهت اقتصاد ملی محسوب می‌شد، چرا که می‌رفت نظام رانتهی زمان آقای میرحسین موسوی به نظام عرضه و تقاضایی (اقتصاد بازار) تغییر شکل یابد. اما ادامه این روند در نقطه‌ای به تورم ۴۵ درصدی انجامید. می‌توان گفت در این مرحله اقتصاد ایران به قسمت بالای تپه رسید و آماده قرار گرفتن در شیب بود، اما متأسفانه آقای محسن نوربخش و آیت الله هاشمی رفسنجانی از تبعات اجتماعی آن دوری کردند و از نیمه راه بازگشتند. این اتفاق ضربه‌ای به اقتصاد ایران و به انگیزه اصلاحات در اقتصاد ایران بود. همین موضوع در قالب هدفمندی یارانه‌ها هم در دولت سازندگی و هم در دولت اصلاحات کرارا پیش آمد. اذعان می‌شد که یارانه‌های پنهان و غیرمستقیم، سیستم اقتصاد ایران را مسخ کرده‌است. ولی هیچ‌گاه جسارت دست‌زدن به این کار بزرگ از سوی این دو دولت پیدا نشد؛ چرا که این کار بزرگ، شفافیت، کار ملی و اقناع مردم را نیاز داشت. یکی از دستاوردهای مهم دولت آقای احمدی‌نژاد اجرای فاز اول هدفمندی یارانه‌ها بود.



ضرورت اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها در کنار تحریم‌ها

نکته‌ای که لازم است بدان اشاره شود این است که مصرف انرژی در ایران بسیار بالاست، به طوری که ایران به اندازه کل اروپا گاز مصرف می‌کند؛ در واقع هدر می‌دهد. قاعدتاً سوئیس ۱۲۰ میلیارد دلاری که دولت برای انرژی پرداخت می‌کند باعث هدر

رفتن منابع انرژی می‌شود. در ایران معادل هر بشکه نفت که مصرف می‌شود، ۲۳۵ دلار کالا تولید می‌شود. در اقتصاد بین‌المللی شاخصی وجود دارد که سرانه تولید ناخالص داخلی به‌ازای هر بشکه نفت را مشخص می‌کند. این شاخص در اقتصاد آلمان چیزی حدود ۹۰۰ دلار و در اقتصاد آمریکا که رانتهی است، چیزی حدود ۹۰۰ یا هزار دلار است، اما همان‌طور که اشاره شد در ایران این رقم ۲۳۵ دلار است. بنابراین، در اقتصاد که از ۴۰۰ میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی آن ۱۲۰ میلیارد دلار سوئیسید پرداخت می‌شود، بدون هدفمندی یارانه‌ها نمی‌توان به اقتصاد مقاومتی دست یافت. قطعاً بدون اجرای هدفمندی یارانه‌ها که متأسفانه بخش وسیعی از بخش خصوصی و مجلس و حتی اتاق بازرگانی ایران با آن مخالفت می‌کنند که مخالفت آنها بیشتر جنبه سیاسی دارد، اقتصاد مقاومتی تحقق نمی‌پذیرد. هدفمندی یارانه‌ها بدین معنی نیست که کل عایدی که از محل افزایش قیمت حامل‌های انرژی به دست می‌آید باید هزینه شود. اگر این گونه شود، هیچ توفیقی به دست نیامده‌است. قسمتی از آن باید بابت بدهی‌های معوق دولت به بانک مرکزی پرداخت شود و عمده آن صرف پرداخت مستقیم به آحاد مردم ایران گردد. در واقع باید یارانه‌های پنهان را کاهش داد و عمده آن را هدفمندانه و به‌طور مسلوی به عموم مردم بازگرداند. اینکه دولت ۳۰ درصد از درآمد هدفمندی را به بخش تولید سرازیر کند، اشتباه است؛ چرا که مجدداً صرفه‌جویی در سیستم تولید فراموش می‌شود و نظام تولید همچنان فرسوده و انرژی‌بر باقی می‌ماند. به‌غیر از افزایش قیمت انرژی راهکاری نمی‌توان یافت تا کارخانه‌ها را وادار کند به دنبال بهره‌وری و مصرف درست انرژی بروند. به صرف اینکه در اماکن عمومی تابلویی مبنی بر درست مصرف کردن انرژی نصب شود، مشکلی حل نخواهد شد. حتی به جرأت می‌توان ادعان داشت که برخی جنایات و بزهکاری‌هایی که در شهرهای بزرگ رخ می‌دهد، از همین سوخت ارزان نشأت می‌گیرد. مثال آن متجاوزینی هستند که با خودروی خود به دلیل ارزانی سوخت در خیابان پرسه می‌زنند تا طعمه‌ای مناسب بیابند و به مقصود خود دست یابند. به‌طورمثال، در ترکیه هر لیتر گازوئیل ۸ هزار تومان در پمپ‌ها فروخته می‌شود، در حالی که عمده مصرف خودروها در ایران بنزین است که با قیمت بین ۴۰۰ تا ۷۰۰ تومان فروخته می‌شود. حتی جوانانی که در خیابان‌های تهران با ماشین‌های هشت سیلندر جولان می‌دهند، با بنزین هر لیتر ۸ هزار تومان آرام خواهند گرفت. همچنین، برای توجیه ضرورت اجرای طرح هدفمندی یارانه‌ها می‌توان میزان مصرف حامل‌های انرژی یک خانوار مرفه تهرانی را که از سال ۱۳۵۶ از گاز لوله‌کشی استفاده می‌کرده و دارای حداقل دو خودروی پر مصرف بوده، را با یک خانوار روستایی تا سال ۱۳۹۰ مقایسه کرد. هزینه یارانه خانوار مرفه تهرانی چیزی حدود ۳۰ تا ۵۰ میلیون تومان طی این دوره به دست می‌آید. در حالی که سهم یک خانوار روستایی از این یارانه تا به امروز هیچ بوده‌است و بعضاً در برخی روستاهای استان کرمان هنوز هم تقریباً صفر است.

نکته‌ای که لازم است بدان اشاره شود این است که مصرف انرژی در ایران بسیار بالاست، به طوری که ایران به اندازه کل اروپا گاز مصرف می‌کند؛ در واقع هدر می‌دهد. قاعدتاً سوبسید ۱۲۰ میلیارد دلاری که دولت برای انرژی پرداخت می‌کند باعث هدر رفتن منابع انرژی می‌شود. در ایران معادل هر بشکه نفت که مصرف می‌شود، ۲۳۵ دلار کالا تولید می‌شود.



منابع نفت و گاز متعلق به بیت‌المال یا در تملک دولت

منابع نفت و گاز از انفال است و تصمیم‌گیری در مورد انفال را نمی‌توان از طریق دموکراسی اروپایی انجام داد؛ چرا که مردم، مجلس و دولت در مقابل وسوسه هزینه‌کرد این منابع تاب نمی‌آورند و قاعدتاً رأی به مصرف بی‌چون و چرای آن طی یک نسل خواهند داد، تا بدون زحمت در رفاه کامل زندگی کنند و کار ی‌دی در فرهنگ این سرزمین را به آن درجه از خفت برسانند که فقط آن را در شأن مهاجران پناهجو بدانند. اگر رئیس‌جمهور وعده آوردن نفت به سر سفره‌های مردم را بدهد، قاعدتاً از مردم رأی خواهد گرفت. لابد راه آسان آوردن نفت بر سر سفره مردم نیز از طریق دست‌بردن به این منابع و هزینه‌کردن آن در جامعه تصور می‌شود. بهتر است انفال در اختیار روحانیت و در رأس آنها ولی فقیه باشد، نه در اختیار آراء عمومی؛ چرا که عموم مردم و نمایندگانشان گرایش به مصرف‌گرایی دارند و لازمه مصرف‌گرایی دلار ارزان، واردات اجناس خارجی و تضعیف بخش خصوصی تولید و اقتصاد ملی است. از این حیث شایسته نیست مقام معظم رهبری اجازه دهند که دولت و مجلس اختیار تاراج و هدر دادن این منابع را به دست گیرند. این با قواعد اقتصاد مقاومتی همخوانی ندارد.



نقش دولت در تاریخ معاصر ایران و لزوم کوچک‌سازی آن

با روی کار آمدن رضاشاه، اشتراک روشی بین سیستم اقتصاد شوروی و نظام اقتصاد بوروکراتیک (دیوان‌سالارانه) رضاشاهی پیدا شد. در شوروی تصمیم‌گیری اقتصادی از بالا به پایین انجام می‌شد و با به قدرت رسیدن رضا شاه، کنترل اقتصادی ایران نیز از بالا به پایین شد. گرچه در دوره قاجار، بازار و تولید داخلی نظام اقتصادی را شکل می‌داد، اما اقتصاد ایران به‌طور روز افزون تحت تأثیر تولیدات ارزان غرب که ماشینی بودند، (در مقابل فعالیت‌های داخل کشور که عمدتاً دستی بود) قرار گرفت. مثلاً درآمد اکثر ساکنان کرمان از راه شالی بافی تأمین می‌شد. در طول یک نسل، این شالی بافی در مقابل واردات پارچه پشمی انگلیسی و هندی از بین رفت. کرباس بافی مناطق رفسنجان، اثار و یزد تقریباً به همین سرنوشته دچار شد. کاشی و سرامیک ایرانی دچار همین معضل شد. فولادسازی و ذوب مس سنتی برچیده شد. یعنی در این دوره با آن که دخالت دولت در اقتصاد به شدت کم‌رنگ بود، ولی اقتصاد سنتی ایران تاب مقابله با اقتصاد ماشینی و تولید انبوه غرب را نداشت. رضاشاه جبران این نقیصه را در

دولت مقتدر و سرمایه‌گذاری دولتی در ایجاد صنایع نوین می‌دانست. یکی از مشکلاتی که هنوز در سیستم اقتصاد ایران وجود دارد، مربوط به ارثیه رضاشاه و هم‌سویی آن با سیاست‌های لنین در کشورهای جهان سوم بود. سیاست شوروی آن بود که در کشورهای جهان سوم، رسیدن به سوسیالیسم نیاز به گذر از اقتصاد بازار ندارد و می‌شود به کمک مهندس‌ها و تکنوکرات‌ها و تسلط آنها بر دولت، اقتصاد را یک‌سره دولتی کرد. بدعتی که لنین در تئوری مارکسیستی شکل داد، این بود که به جای اینکه از راه نظام بازار و انقلاب‌های کارگری به کمونیسم برسیم، سریع‌تر است که از طریق تسلط روشنفکران (چه سنتی چه مدرن) و تکنوکرات‌ها بر شئون اقتصادی، به مرحله گذار به سوسیالیسم نایل شد. روشنفکرانی که پیرامون رضا شاه بودند، روش کارشان با سلیق شوروی هماهنگی داشت. در دوره رضاشاه، حکومت تحصیلکرده‌ها و مهندسان به جای تسلط بازار و بخش خصوصی در اقتصاد شکل و قوت گرفت. بنابراین، می‌توان ادعان داشت سیستمی که رضاشاه طرح‌ریزی کرده بود مورد استقبال تحصیلکرده‌ها در ایران قرار گرفت و متأسفانه جوی حاکم شد و فرهنگی به وجود آمد که در سایه آن تصور می‌شد افراد بازاری و کارخانه‌دار سودجو هستند و به حق مردم احترام نمی‌گذارند و مردم را استثمار می‌کنند و قاعدتاً بایستی اینها توسط دولت اداره شوند. متأسفانه، این فرهنگ تا به امروز در کشور باقی مانده است.

این قضیه مدتی پس از جنگ جهانی دوم و افول حزب توده موقتاً مسکوت ماند. در این دوران تا اندازه‌ای تسلط بازاریان بر اقتصاد، جایگزین شد. اما مجدداً پس از برقراری ارتباط غرب با ایران، تفکرات توده‌ای احیا گردید. و اینک این ایدئولوژی لقب پرطمطراق «راه رشد غیر سرمایه‌داری» را یدک می‌کشد. به تدریج که اعضای حزب توده با بخشش شاهانه از زندان آزاد و به دولت‌مردان نظام شاهنشاهی تبدیل شدند، افکار خود را در سطح بروکراسی دولتی اشاعه دادند. در این دوران است که سازمان صنایع ملی و وزارت صنایع هر چه بر طبل خصوصی‌سازی می‌کوبند، مجدداً تعداد شرکت‌های دولتی بیشتر می‌شود. این یک بیماری است که در ایران نهادینه شده است. از این حیث، برای گام برداشتن در مسیر اقتصاد مقاومتی باید تحولی در مشاوران اقتصادی سطح بالای بزرگان ایران پیدا شود. به عبارت دیگر، کسانی که بحث سلطه و تسلط بر مردم در اندیشه‌های ایشان نهفته است، نمی‌توانند مشاوران مطلوبی در عرصه اقتصاد مقاومتی باشند. آنها همراهی لفظی خواهند کرد، اما در عمل سنگ‌اندازی می‌کنند. همان‌طور که تا به امروز به این امر مبادرت ورزیده‌اند. دکتر موسی غنی‌نژاد که تحلیل درست و جامعی از اقتصاد و تاریخ اخیر ایران دارد، در این رابطه جمله قابل تأملی را بیان کرده است: «حزب توده نابود شد، اما پیروز!» یعنی در ظاهر حزب توده از بین رفت، اما اندیشه‌اش تا به امروز در تفکر دولت‌مردان (از هر دو سنخ) نهادینه شد. اندیشه «راه رشد غیر سرمایه‌داری» بعد از انقلاب حتی روی قانون اساسی جمهوری اسلامی نیز به شدت سایه افکند.

سود، بدل شد. اگر اینبار گذشته چراغ راه آینده باشد، نباید برداشتن تحریم‌ها کشور را یکبار دیگر به عفونت بیماری هُلندی مبتلا سازد.



نحوه مواجهه با نشت در اقتصاد ملی

نفت را نباید بی‌رویه استخراج کرد و با درآمد آن حقوق کارمند را پرداخت و با پرتقال و پورشه وارد کرد. اگر نفتی هم صادر می‌شود، روا نیست که بیش از نیاز ارزی سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی از آن هزینه کرد. برای مثال، به‌جای ۸۰ میلیارد دلاری که نفت از ایران سال گذشته صادر شد، احتمالاً کشتش اقتصاد ایران بیش از ۲۰ میلیارد دلار نبود. آن هم بایستی صرف نیاز ارزی امور امنیتی و زیربنایی مثل جاده‌ها، سد‌ها، شبکه توزیع برق و غیره می‌شد. اینکه مخارج جاری با آن پرداخت شود کار درستی نیست.



تفاوت اساسی صادرات منابع فرانسلی (نفت و گاز) با تولید

زمانی که کالای صنعتی یا کشاورزی صادر می‌شود، در مقابل هر صد سنت (یک دلار) دریافتی صادرکننده، معمولاً بیش از ۹۰ سنت آن قبلاً هزینه تولید شده‌است. قاعدتاً ۱۰ سنت باقیمانده سهم صادرکننده و هزینه‌های صادراتی است. به‌عبارت‌دیگر، به‌ازای هر واحد دلاری که صادرکننده کالای ایرانی از خریدار خارجی دریافت می‌کند، قسمت عمده این مبلغ طی دوره تولید، هزینه شده و توزیع درآمد نیز قبلاً صورت گرفته‌است. حال آن که در مورد نفت و گاز این مقوله تفاوتی سرنوشت‌ساز دارد؛ یعنی اگر یک دلار نفت صادر شود، قبلاً فقط ۵ سنت از آن هزینه تولید شده است (از طریق استخراج گنج از زمین) و ۹۵ سنت دیگر آن در دست صادرکننده (اعم از دولت، شرکت نفت، بانک مرکزی و غیره) جهت هرگونه هزینه کردن دل‌خواه باقی می‌ماند. سرچشمه همه واردات غیرضروری، همه رانت‌خواری، همه اختلاس‌های کلان و خروج سرمایه، و همه طرح‌های عظیم و خیال‌بافانه دولتی و کاهلی و درپوزگی بخش به اصطلاح خصوصی ایران، همین ۹۵ سنت در دلار است. ستاد مرکزی این بخشش‌کده، تهران نام دارد و دولت ایران، تلویزیون ملی ایران یا رسانه‌های ملی ایران که به حق باید آنها را دولت تهران، تلویزیون ملی تهران، و رسانه‌های ملی تهران نامید، همگی در این دولت شهر ۱۵ میلیونی قرار دارند.



تأثیر نوسانات نرخ ارز بر معیشت مردم و حجم دولت

کمبود درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت موجب افزایش شدید نرخ ارز در کشور گردیده‌است. اما یقیناً افزایش جهشی نرخ ارز نه ضروری و نه مطلوب بود. چنانچه اندک آینده‌نگری اقتصادی در دولت‌مردان ما می‌بود، به‌جای نشستن دوازده ساله بر روی دیگ بخار نرخ ارز که در زیر آن شعله تورم روشن است، اجازه می‌دادند که از طریق افزایش



استثنا و قاعده

استثنا در یک دوره کوتاه ۸ ساله بین سال‌های ۱۳۴۱ تا ۱۳۴۹ در دوره وزارت عالی‌خانگی در وزارت اقتصاد، اقتصاد به سمت آزادسازی و خصوصی‌سازی و رشد اقتصادی پیشرفت کرد، به‌گونه‌ای که بدان «دوره طلایی اقتصاد» اطلاق می‌شود. طی این دوران تورم کشور کمتر از ۲ درصد و رشد اقتصادی بین ۷ تا ۱۱ درصد بود.



چگونگی نهادینه شدن «راه رشد غیر سرمایه‌داری» در ایران

علت اصلی رخ دادن دوره طلایی اقتصاد در ایران علاوه بر تحولات اجتماعی، به قیمت پایین نفت در بازار جهانی باز می‌گردد. ولی به مجرد اینکه در سال ۱۳۵۳ به‌خاطر جنگ اعراب و اسرائیل، سازمان آپک غرب را تحریم نفتی کرد و قیمت‌های نفت از ۱٫۲۵ دلار در هر بشکه به‌مدت کوتاهی به ۱۲ دلار در هر بشکه رسید. بلافاصله تمام دستاوردهای چند ساله دوره عالی‌خانگی در وزارت اقتصاد به‌بوته فراموشی سپرده‌شد، چرا که درآمدها این ذهنیت را در شاه و کارگزاران وی به‌وجود آورد که هر اقدامی در اقتصاد با برنامه‌ریزی دولتی مقدور و میسر می‌باشد. وی ادعا کرد، ظرف ۱۰ سال اقتصاد ایران از اقتصاد فرانسه پیشی خواهد گرفت.

درواقع، باید اذعان کرد که جریان «راه رشد غیر سرمایه‌داری» و تسلط دولت و تکنوکرات‌ها بر اقتصاد، جز در یک دوره بسیار کوتاه مثل دوره ۲ ساله دکتر مصدق، که آن هم به اجبار رخ داد، و دوره عالی‌خانگی در وزارت اقتصاد که آن هم مصادف با کاهش بی‌سابقه درآمد نفتی ایران بود، هیچ‌گاه از سوی نیروهای ملی به چالش کشیده‌نشد. به‌مجرد اینکه درآمد نفتی افزایش می‌یافت تمام آن موهبت‌ها به‌بوته فراموشی سپرده می‌شد. برای مثال، تا قبل از افزایش درآمدهای نفتی، حتی صادرات کالاهای صنعتی از قبیل لوازم خانگی همچون یخچال، کولر، ماشین لباسشویی و اجاق گاز به کشورهای منطقه‌ی خاورمیانه صورت می‌گرفت. پس از خیزش درآمدهای نفتی، شاه دستور داد که در بودجه مملکت تجدید نظر و زمینه رشد اقتصادی انفجاری فراهم شود. بنابراین، از محل درآمدهای فزاینده ارزی ناشی از افزایش قیمت نفت به‌قدری بودجه و نقدینگی افزایش یافت که تقاضای داخلی برای لوازم خانگی از محل تولید داخلی قابل تأمین نبود. در مدت اندکی، اقتصادی که به‌طرف شکوفایی و رقابت صادراتی در بازارهای جهانی می‌رفت، به اقتصادی تورمی، مصرفی، وارداتی و توأم با هدر دادن منابع ملی تبدیل شد. مثلاً، یکی از شرکت‌های تولید و صادرات یخچال برای واردات همین کالا با کارخانه ادِمیرال آمریکا قرارداد نمایندگی انحصاری بست. در نتیجه این اتفاق اعتبار صادرکنندگان ایرانی در بازارهای خارجی صدمه کلسی دید و ورود و توزیع کالاهای خارجی به ایران به امری سرشار از

بنگاهها در دوران ریخت و پاش با هدف استفاده از رانت ارز و سوخت ارزان پایه گذاری شده‌اند. در این میان، ممکن است برخی از بانکها که وام‌دهنده به بنگاه‌های رانتی بوده‌اند، نیز ورشکست شوند. این ورشکستگی یک ضرورت بنیادی اصلاحات است. کارمندان این بانکها اما نیاز به پشتیبانی دارند. اما قطعاً بخش‌های غیررانتی اقتصاد به سرعت زمینه رشد یافته و اشتغال از حد پیشین نیز فراتر خواهد رفت؛ مثل شرکت‌هایی که تولید آنها وابستگی ارزی اندک دارد، مثل صنعت سیمان یا بخش کشاورزی و یا راه‌سازی و شبکه‌های انتقال آب و تأسیسات آبیاری تحت فشار و غیره.



لزوم بسیج مردمی

اما یکی از لازمه‌های اقتصاد مقاومتی بسیج مردمی در سطح ملی است. در این بسیج ملی بایستی سرمایه‌دار نیز شرکت کند. اگر رسانه‌های پایتخت را بتوان در جهت اهداف اقتصاد مقاومتی و نه در مقابله با آن به کار گرفت، تجمع نیروهای هوادار اصلاحات، دشوار نخواهد بود.



نقش قوانین و ضرورت بازنگری در آنها

در ابتدا باید ادعان داشت که اقتصاد مقاومتی یک جنبه و یک ضلع ندارد، بلکه یک مجموعه کثیر الاضلاع است. یک مثلث سه ضلعی نیست. قانون مدنی کشور ایران توسط مرحوم داور با گردآوری فقها به صورت منسجم و یکپارچه نگاشته شد؛ چرا که تا قبل از آن هر فقهی در شهر یا ناحیه خود و با توجه به شرایط، نسبت به مسأله یکسان، احکام متفاوت صادر می‌کرد. هیچ ماده قانون مدنی مخالف اسلام نیست. قانون مدنی، چکیده مبانی فقهی اسلام است. این قانون نه ابهام دارد و نه کلمه‌ای کم یا زیاد دارد، بلکه توسط خیره‌ترین افراد با حسن نیت کامل نگارش شده‌است. متأسفانه در دوران اخیر قوانینی تصویب می‌شود که بدون اندک کار کارشناسی و به‌طور روزمره در مجلس تصویب می‌گردند. در بسیاری از این انبوه قوانین، ابهاماتی وجود دارد که زمینه را برای سوءاستفاده کارگزاران قوه مجریه فراهم می‌سازد. مشکل بزرگ دستگاه قانون گذاری این است که حجم زیادی از قوانین مصوب به‌منظور دخالت در امور قوه مجریه تصویب شده‌اند؛ یعنی به جای آنکه دولتی را که مورد حمایت مجلس نیست عوض کنند، برای دخالت در تصمیم‌گیری‌های آن، قانون تصویب می‌کنند. اعم این قوانین در طولانی مدت بی‌مصرف بوده و جز حذف آنها به صورت انبوه چاره دیگری نیست. به‌طور کلی دو مسأله یا دو دغدغه اصلی در مبحث قوانین وجود دارد: اول) تصویب قوانین بیهوده، کم مایه، کم مغز و هزاران تصویب‌نامه و ده‌ها هزار بخش‌نامه که به تبع قوانین بیهوده تصویب و ابلاغ گردیده است. دوم) نگارش قانون اساسی در زمانی که نیروهای چپ و مجاهد در ایران قدرت نسبی داشتند. در اوایل انقلاب روحانیون نمی‌خواستند با حزب توده و مجاهدین

تدریجی نرخ ارز، فشار بخار کاهش یابد و انفجار در زمان دلخواه دشمن اتفاق نیفتد. در اینکه این اتفاق به صورت ناگهانی رخ داده و اقشار متوسط جامعه شهری زیان دیدگان این تحول در مقطع فعلی می‌باشند، شکی نیست. چنانچه سیاست صادرات اندک نفت، نهاده‌ینه شود، باید انتظار داشت که پس از شوک اولیه، تولیدات صنعتی مخصوصاً در بخش‌های کاربر (اشتغال‌زا) نظیر نساجی، تولید پوشاک و کفش، لوازم خانگی و همه تولیدات کشاورزی و صنایع جنبی آن به شدت رشد یافته و زمینه اشتغال آسیب‌دیدگان این تحول فراهم شود. دولت به اتکالی در آمد نفتی که تا بدین روز در اختیار داشته‌است، عائله بزرگی به دنبال خود به راه انداخته‌است. در نتیجه این اصلاحات، که لازمه آن کوچک‌شدن این عائله است، قاعدتاً اقشاری ضربه خواهند خورد. قدرت خرید برخی کاهش می‌یابد و با برخی بیکار می‌شوند. اما نباید با برخوردی عوامانه و با دلسوزی غیرمعمول، از چنین اصلاحات ضروری چشم‌پوشی کرد. می‌توان با تأسیس یک صندوق موقت یا اخذ حقوق گمرکی از صادرات برای یک دوره موقت زمینه کارآموزی، بیمه بیکاری و اشتغال در صنایع تولیدی را برای این آسیب‌دیدگان فراهم نمود. بروز مخالفت با اصلاحات اقتصادی در این مقطع دور از انتظار نیست. این طبیعی به نظر می‌رسد که کسی تا به امروز از یارانه‌های غیرمستقیم به‌نحو گراف استفاده می‌کرده، امروز مقابل افزایش نرخ ارز موضع‌گیری نماید.



اخذ حقوق گمرکی از صادرات

در این دوره گذار و تا زمانی که یارانه‌های انرژی به‌طور کامل حذف می‌شوند، کشاورزی که به‌طور مثال محصول پسته‌اش صادر می‌شود، چون از برق و سوخت یارانه‌ای نیز استفاده می‌کند، بنابراین قسمتی از درآمد او درآمد واقعی‌اش نیست و دولت می‌تواند سهم یارانه‌ای خود را در موقع صدور کالا پس بگیرد. صنعت سیمان نیز که صادرکننده بزرگی است، در همین مقوله می‌گنجد.



اثر تعدیل اقتصادی بر قشر مولد و رانت خواران

در نتیجه هر تعدیل اقتصادی، قاعدتاً قشر غیرمولد شهری از آنجا که از یارانه‌های پنهان و آشکار مختلفی استفاده می‌کرده، تاحدی تحت فشار قرار می‌گیرد. اما آن روستایی که مثلاً در اندوهجرد یا ارزوئیه یا نرماشیر زندگی می‌کند، تا به امروز نه تنها از مواهب این یارانه‌ها استفاده نکرده‌است بلکه به دلیل فروش محصول خود به قیمت کمتر از قیمت بین‌المللی، حتی یارانه نیز به دولت پرداخت کرده‌است. از این حیث، قاعدتاً قشر روستایی تاحدی به حقیقت دست می‌یابد. شایان ذکر است، در هر تحول اقتصادی تعدیلی به‌وجود می‌آید که در نتیجه آن نه تنها رانت‌خوارهای بزرگ، بلکه بنگاه‌هایی هم که رانت‌خوارها تأسیس کرده‌اند نیز متضرر خواهند شد. اغلب این

مستقیماً درگیر شوند. چرا که ممکن بود حمایت جوانان پرشور را از دست بدهند و آنان بیشتر جذب شعارهای مجاهدین و چپی‌ها شوند. در این زمان، حتی فرزندان برخی روحانیون مطرح در نظام جمهوری اسلامی مثل مرحوم طالقانی و آیت‌الله محمدی گیلانی چپی بودند. زمانی که قانون اساسی نوشته می‌شد، فضای سیاسی کشور به گونه‌ای بود که سیاستمداران می‌خواستند نشان دهند آنچه که دستاورد اندیشه سوسیالیسم است، در اسلام نیز وجود دارد. بنابراین، قانونی نوشته شده که بسیاری از مفاد آن از تفکر حزب توده نشأت گرفته بود. این قانون در مجلس خبرگانی تصویب شد که رئیس آن آیت‌الله منتظری و نایب رئیس آن آیت‌الله بهشتی بود. در همین زمان، بنی صدر نیز کتاب «اقتصاد بی طبقه توحیدی» را منتشر می‌کرد. از آنجا که اداره کنندگان مجلس خبرگان قانون اساسی، به مغایرت برخی بندهای این قانون به خصوص بندهای اقتصادی با اسلام فقاقت آگاه بودند، یک اصل کلیدی در بند ۴ قانون اساسی گنجانده شد، این اصل به شورای نگهبان اجازه می‌داد که هر بند قانون اساسی را که لازم بداند کان‌لم‌یکن تلقی و اجرای آن را معلق کند. بدین گونه می‌بینیم که بعد از گذر چندین ده سال هنوز تفکر حزب توده بر بدنه قانون گذاری و اجرایی کشور سایه انداخته است. از این حیث، برای سازگار کردن قوانین با اقتصاد مقاومتی به همتی بلند و اهتمامی مستمر و جدی نیاز است.



ضرورت تحول نظام مالیاتی ایران در اقتصاد مقاومتی

مالیات باید عمده‌ترین منبع درآمدی دولت در اقتصاد ملی باشد. درآمد مهم دیگری که برای دولت ملی می‌توان لحاظ نمود، درآمد گمرکی است. البته درآمد گمرکی جز در دوره‌های کوتاه مدت و اضطراری نباید به منبع اصلی درآمد دولت تبدیل شود. در هر حال، مالیات نباید به صورت قانون مالیات مشکل داری که دولت به مجلس فرستاده و قصد دارد از تورم مالیات بگیرد، درآید. در لایحه مالیاتی که هم‌اکنون در مجلس مطرح است، همان وزارتخانه‌ای که مسبب ایجاد تورم در اقتصاد ایران بوده، مجاز می‌شود که از محل همین تورم جهت تأمین بودجه دولت مالیات اخذ کند. این یک سیکل معیوب است که در دست دیوان سالاران فعلی می‌تواند به یک هیولای غیرقابل کنترل تبدیل شود. تا زمانی که در اقتصاد مقاومتی تورم بالا وجود دارد باید دقت کرد که این تورم منشاء شناسایی درآمد مالیاتی قرار نگیرد. اما در اقتصاد مقاومتی که زیر شاخه اقتصاد ملی است، می‌توان انتظار داشت کسانی که از نوسانات اقتصادی ناشی از تحریم‌ها منفعت به دست می‌آورند، در هزینه‌هایی که دولت توانایی پرداخت آن را ندارد، کمک حال دولت باشند. ضمن اینکه دولت باید عائله خود را کوچک نماید. دولت باید کارخانه‌های مازاد خود را شبیه طرح سهام عدالت به بخش خصوصی و یا حتی به کارمندان خود به‌عنوان جبران خدمت واگذار کند. با این تفاوت که اجرا را هم به خود آنها بسپارد.



بازگرداندن اعتماد مردم به سیستم بانکی

بانک‌ها به خصوص بانک مرکزی و بانک ملی باید بزرگ‌ترین منشاء اعتماد و امنیت اقتصادی مردم باشند. اینکه با خُلف وعده و پیش‌بینی‌های ضعیف، اعتماد مردم به بانک‌ها از دست برود نوعی بی‌حرمتی به اقتصاد مقاومتی است. زمانی که دولت به بانک ملی مجوز می‌دهد که سپرده‌های ارزی مردم را برداشت کرده و صاحبان آنها را از استفاده از سپرده خود تا اطلاع ثانوی محروم سازد، قطعاً موجب بی‌اعتباری دولت، بانک مرکزی و بانک ملی خواهد شد. زمانی که این فساد به شکل سازمانی و نظام‌یافته انجام می‌شود، چگونه می‌توان به مجری این فساد که در رأس بانک ملی قرار گرفته است، ایراد گرفت که چرا دچار وسوسه فساد گردیده است؟



سابقه رانت در ایران

رانت یک ریشه قدیمی در ایران دارد. قبل از ورود اسلام به ایران سیستم زمین‌داری بر نظام رعیت، دهقان و مالک استوار بود. دهقان شخصیتی بین رعیت و مالک بود. مشابه این نظام در غرب، سیستم فئودالی بود. این نظام از زمان ساسانیان در ایران رایج بود، اما زمانی که اسلام به ایران وارد شد در این سیستم تعدیل ایجاد شد. یکی از این تعدیلات تقسیم مال بین وراث و ایجاد تدریجی خرده مالکین بود. بدین معنی که قدرت ارباب در چارچوب مقررات اسلامی به نحو فاحشی محدودیت پیدا کرد. این نظام با محدودیت ذکر شده تا حمله مغول به ایران به قوت خود باقی ماند.



رانت، از نظام تیول‌داری تا سیستم وزارتخانه‌ای

نظام مالکیت در ایران از نظام مالک-دهقان-زارع، تبدیل به نظام تیول‌داری شد. قبلاً سه طبقه در جامعه کشاورزی ایران به وجود آمد که عبارتند از: خوش‌نشین‌ها؛ که از کار یدی و قوای جسمی‌شان نان می‌خوردند، دهقانان؛ که هر کدام قسمتی از زمین کشاورزی خود یا ارباب را زیر کشت و زرع می‌بردند. ارباب کسی بود که از مازاد تولید دهقانان بهره‌مند می‌شد و در مقابل، مسئولیت ایجاد و نگهداری سیستم آبیاری مزرعه و تأمین امنیت آن را به عهده داشت. بعد از حمله مغول به ایران، این نظام به تیول‌داری تغییر کرد. در نظام تیول‌داری، سرزمین ایران یک مالک بیشتر نداشت آن هم خان بزرگ بود. تمام اموال و املاک اربابان به خان بزرگ مصادره و منتقل شد. خان بزرگ برای مدتی نامعین هر ملک را به تیول خان‌های کوچک‌تر می‌سپرد و خان کوچک در مقابل این واگذاری به خان بزرگ، مالیات و در دوران جنگ و آشوب برای وی تأمین سرباز و سواران مسلح می‌کرد. ولی در سیستم تیول‌داری، خان کوچک مالک



پیشینه جهانی اقتصاد رانتهی و اقتصاد ملی

برای بررسی این موضوع می‌توان با مثالی از اقتصاد اروپا شروع کرد. تاریخ جدید اروپا با پایان یافتن قرون وسطی آغاز شد. در آن دوران دو اتفاق اجتماعی بزرگ رخ داد؛ یکی فتح قسطنطنیه توسط سلجوقیان در سال ۱۴۵۳ میلادی و دیگری کشف آمریکا در سال ۱۴۹۲ بود. از سال ۱۵۰۰ میلادی اروپا وارد مراحل جدید اقتصادی و اجتماعی شد. از این تاریخ به بعد دو قدرت اقتصادی و دریایی بزرگ، یعنی بریتانیا و اسپانیا، متولد شدند. بریتانیا جزیره‌های کوچک با بارندگی زیاد و جنگل‌های سرسبز و جمعیتی در حدود ۱۲ میلیون نفر بود. اسپانیا کشور بزرگی بود و از همان دوران که آمریکا را کشف کرد، شروع به گرفتن مناطق مختلف آمریکای لاتین از طریق فرستادن سربازان به مناطق مذکور و تصرف آنها کرد. اسپانیا از طریق انتقال طلای آمریکای جنوبی - که بسیار زیاد بود - به اروپا و فروش آنها به یک قدرت رانتهی تبدیل شد. اما انگلیس با قطع درختان و تولید زغال چوب صنعت ذوب آهن و کشتی‌سازی خود را گسترش داد. زمین‌هایی را که بدین طریق از جنگل پاک شده بود، صرف تولید گندم و علوفه دامی کرد. تعداد گوسفندان به شدت روبه فزونی نهاد؛ به گونه‌ای که از کنار این دام، صنعت دستی پشم‌بافی توسعه یافت.

از طرف دیگر، استخراج آهن و قلع در آنجا انجام می‌گرفت. با کم شدن جنگل‌ها، استخراج ذغالسنگ در این کشور آغاز شد، چرا که از آن به جای ذغال چوب برای ذوب فولاد استفاده می‌کردند. بریتانیا یک اقتصاد کاملاً داخلی داشت که در نتیجه گسترش آن، صادرات پارچه پشمی و فولاد رونق خوبی یافت. در واقع، دو نوع اقتصاد یکی ملی (اقتصاد بریتانیا) و دیگری رانتهی (اقتصاد اسپانیا) مقابل یکدیگر قرار گرفتند. جنگ‌های دریایی وسیعی بین این دو کشور در گرفت. در این رقابت، اسپانیای رانتهی خوار از انگلیس با اقتصاد ملی شکست خورد. از این پس، انگلیس تا زمان جنگ جهانی اول یک قدرت مسلط اقتصادی جهان بود. انگلیس به منابع داخلی خود و اقتصاد ملی تکیه داشت، اما در مقابل اسپانیا به کمک رانتهی خود از تاراج طلای مستعمرات خود یک اقتصاد کاملاً پوشالی بود. چرا که نه صنایع در آن رشد کرد و نه تولید مورد توجه قرار گرفت.



پیشینه اقتصاد ملی و رانتهی آمریکا

تاریخ دخالت آمریکا در صحنه بین‌المللی به دو دوره تقسیم می‌شود؛ دوره اول: دوره‌ای که اقتصاد آمریکا بر پایه تولید انبوه کالاهای مصرفی با نازل‌ترین قیمت و فروش در بازار جهانی متکی بود. در این دوره بیشتر طبق سنت‌های انگلوساکسونی رفتار کرده و دوره دوم که در آن گرایش امپراطوری را مانند اسپانیا که بر رانتهی متکی بود، پیش گرفت. نباید چنین تعبیر شود که حکومت آمریکا از بدو تأسیس متجاوز و

زمین محسوب نمی‌شد، بلکه زمین به امانت از طرف خان بزرگ به او و خانواده‌اش سپرده می‌شد و پس از چند سال، خان بزرگ بعدی امکان داشت زمین را از خان کوچک تحویل بگیرد و به خان کوچک یا فرد محلی دیگری بسپارد. این نظام اساساً نوعی نظام رانتهی خوارانه بود. متأسفانه، بقایای فرهنگی نظام تیول‌داری هر چند گاه یک‌بار در اقتصاد ایران بازتاب پیدا می‌کند. عمده اشکال نظام تیول‌داری در این بود که به خاطر عدم مالکیت خان موقت، مدیریت سرمایه‌گذاری در زمین و نگهداری سیستم آبیاری با انگیزه کافی همراه نبود. در حالی که ارباب به علت وابستگی فرانسولی به ملک، خودش مدیریت و نگهداری قنوت و سیستم آبیاری را به نحو احسن انجام می‌داد. می‌توان گفت که حتی امروز به نوعی نظام تیول‌داری در ایران به رسمیت شناخته شده است، چرا که در قالب این سیستم، برخی شرکت‌ها و موسسات به برخی گروه‌ها سپرده می‌شوند و به جای خان بزرگ، وزارتخانه دولتی نشسته است. مثال: واگذاری کارخانه جوراب‌بافی استار لایت به گروهی که در دفع منافقین نقش آشکار داشتند.



دلایل کم‌توانی بخش خصوصی و چگونگی درمان آن

در بین عوام مطرح است که چون بخش خصوصی ضعیف است، نمی‌توان به سمت خصوصی‌سازی حرکت کرد. یکی از علل ضعیف بودن بخش خصوصی این است که از طریق قوانین دولتی اجازه داده نمی‌شود بخش خصوصی قدرت پیدا کند. نمونه آن عدم محاسبه استهلاک واقعی است. انباشت سرمایه در کشور بایستی در دست شرکت‌ها و بنگاه‌های تولیدی که دارای بدنه تخصصی هستند، صورت گیرد. اما قانون فعلی تجارت، شیوه محاسبه و ذخیره‌گیری استهلاک را بر مبنای ارزش دفتری آن قرار داده است، که این ارزش دفتری در طول زمان به علت تورم دو رقمی، فاقد ارزش می‌گردد. در نتیجه، بنگاه‌هایی که قدمت و تجربه زیادی دارند، فرسوده شده و توانایی بازسازی خود را پیدا نمی‌کنند. در عوض، سرمایه آنها به تدریج، به عنوان سود شناسایی می‌شود و تحت عنوان مالیات و سود پرداختی به سهام‌دار از شرکت خارج می‌گردد. مثلاً بنگاهی که برای بازسازی ماشین آلات فرسوده خود به ۴۰۰ میلیارد تومان نیاز دارد، ذخایر استهلاک آن چیزی حدود ۲۰ میلیارد تومان می‌باشد. یعنی این شرکت مجبور شده است که سرمایه خود را با فروش کالای ارزان تقدیم جامعه نماید، به جای اینکه انباشت سرمایه را درون خود انجام دهد، نوعی رفاه اجتماعی کاذب را با گسترش اقتصاد مصرفی در اولویت قرار داده است. اقتصاد مقاومتی نمی‌تواند با هزاران بنگاه ورشکسته که برای حیات خود محتاج به یارانه‌های پنهان آب و انرژی هستند، شکل بگیرد. متأسفانه، مقامات سیاسی و اقتصادی ایران توجهی به این مشکل بنیادین و خامن‌سوز ندارند و تنها بیان می‌کنند که بخش خصوصی ایران توانایی مالی لازم برای اداره بنگاه‌های عظیم را ندارد. قاعدتاً اشاره‌ای به این نکته ندارند که مقررات وزارت دارایی رقم بخش خصوصی را تا به امروز گرفته است و فرصت بروز توانایی‌های بالقوه را به این بخش نداده است.

زور گو بوده است. به طور مثال، در مسأله خروج ارتش شوروی از ایران، قوام السلطنه که یکی از بهترین سیاستمداران وقت شناخته می شد، به شدت مؤثر بود و کشوری که آن زمان برای حفظ استقلال ایران وی را کمک کرد، آمریکا بود. استقلال هند نیز مرهون فشارهای روزولت بر دولت انگلستان بود. استقلال الجزیره نیز تا حد زیادی مدیون آمریکا و فشارهای مالی بود که به دولت بدهکار فرانسه وارد آورد. بزرگترین نمونه دخالت مثبت آمریکا در منطقه خاورمیانه، فشار آن کشور بر دولت های انگلیس، فرانسه و اسرائیل بود که در زمان عبدالناصر، کانال سوئز را اشغال کرده بودند، اما مجبور به تخلیه آن و به رسمیت شناختن مالکیت مصر بر این آبراه شدند. حتی استقلال کامل پرجمعیت ترین کشور اسلامی جهان، اندونزی از هلند، مرهون دولت آمریکا بود که در چارچوب طرح مارشال به احیاء اقتصاد نابودشده کشورهای اروپای غربی از جمله هلند، همت گمارد.

طرح مارشال موفقیت آمیزترین پروژه سیاست خارجی آمریکا پس از جنگ جهانی دوم است که به بسیاری از کشورهای اروپای غربی کمک کرد تا اقتصاد خود را پس از جنگ بازسازی کنند. در جریان جنگ جهانی دوم تقریباً تمامی تأسیسات زیربنایی، ساختمان ها، کارخانه ها و صنایع کشورهای ژاپن، روسیه، هلند، انگلیس و فرانسه و بیش از همه آلمان نابود شده بود و قادر به بازسازی کشورهای خود نبودند. در این مقطع، آمریکا که در جریان جنگ دوم جهانی هیچ گاه صحنه نبرد نبود، صنایع و کارخانجاتش همچنان سرپا و در اوج تولید کالاهای مصرفی با کمترین هزینه در دنیا بودند. به علت خاتمه جنگ و آسیبی که کشورهای دیگر در جنگ دوم متحمل شدند، دیگر خریداری برای کالاهای آمریکایی وجود نداشت و این موضوع اقتصاد آمریکا را در آستانه رکود قرار می داد. در چنین شرایطی بود که آمریکا به این کشورها پیشنهاد اعطای وام های زیاد با بهره اندک برای خرید کالاهای مصرفی از آمریکا به صورت اعتباری داد. این وام ها صرف بازسازی کارخانجات تولید صنایع داخلی و زیرساخت ها در این کشورها شد. ضمن اینکه کالای مصرفی مورد نیازشان را هم از آمریکا و اکثر کالاهای غذایی و دامی را هم در مقابل اعتبار از قاره آمریکا وارد می کردند. در واقع، طرح مارشال یک برنامه ریزی بلندمدت برای خلق یک بازار توانمند برای خرید محصولات آمریکایی بود که عملاً از تسلط کمونیسم در اروپا جلوگیری می کرد. از طرفی، آمریکا مایل بود کالای خود را به کشورهای جهان سوم نیز صادر کند، بدون آنکه باج سنگینی به عنوان حقوق گمرکی به کشورهای مستعمره بپردازد. در نتیجه، فشار شدیدی در جهت آزادسازی مستعمرات کشورهای ذینفع طرح مارشال وارد آورد. در این دوره آمریکا نمادی از یک قدرت ضد استعمارگر با اقتصاد ملی بود. در آن زمان ثنوری آمریکا این بود که با تکیه به اقتصاد می توان منافع غرب را تأمین کرد و لازم نیست که تسلط استعماری و حکومت بر کشورهای جهان سوم در دستور کار قرار گیرد. از آن طرف، ظرف بیست سال پس از پایان جنگ جهانی دوم، کشورهای اروپایی و ژاپن با اجرای موفقیت آمیز طرح مارشال بازسازی شدند و از آمریکا در تولید

کالاهای مصرفی پیشی گرفتند. اینبار اما آمریکا بود که پول زیادی صرف خرید مایحتاج جنگی خود (برای جنگ ویتنام) از کشورهای طرح مارشال کرد.

جنگ ویتنام دوره گذار آمریکا از مبارزه با استعمارگرایی اروپا به دوره نظامی گری و شروع سلطه جویی بر دنیا بود. در پایان جنگ ویتنام، کشورهای اروپایی مثل آلمان، فرانسه، انگلیس و همچنین ژاپن که به کمک طرح مارشال به صنایع پرقدرتی تبدیل شده بودند در قبال فروش کالا به آمریکا، طبق قرارداد برتن وودز (Bretton Woods)، درخواست طلب خود را به طلا کردند. مطابق قرارداد برتن وودز هر سی و پنج دلار معادل یک اونس طلا بود. اما آمریکا به سرعت فهمید که ذخیره طلای کافی برای پرداخت بدهی های خویش را ندارد. بنابراین، رئیس جمهور آمریکا (نیکسون) در نامه ای خطاب به رئیس خزانه داری اعلام کرد که از امروز آمریکا قرارداد برتن وودز را به طور یکجانبه لغو و دیگر به عرضه کنندگان دلار، طلا تحویل نخواهد داد. طی چندماه بعد، ارزش هر اونس طلا در بازار آزاد به چند صد دلار افزایش یافت. سال ۱۹۷۳ با شروع جنگ اعراب و اسرائیل که با عبور ارتش مصر از کانال سوئز و حمله به ارتش اسرائیل در صحرای سینا و عبور تانک های سوریه به بلندی های جولان برای پس گرفتن اراضی اشغالی از اسرائیل آغاز شده بود، منجر به حمایت همه جانبه ارتش آمریکا از اسرائیل و ارسال تانک ها و نفربرهای زرهی آمریکا به طور ۲۴ ساعته از طریق پل هوایی به اسرائیل شد. در پاسخ به کمک های آمریکا به اسرائیل، کشورهای عربی و از جمله عربستان، دست به تحریم نفتی آمریکا زدند، همان آمریکایی که با آسیب های شدید اقتصادی و اجتماعی حاصل از جنگ ویتنام دست و پنجه نرم می کرد. از آنجایی که در این زمان ارتباط دلار آمریکا با طلا قطع شده بود، این امر موجب افت ارزش دلار نسبت به ارزهای اروپایی و بین ژاپن شده بود و سود پرداختی حساب های پس انداز در بانک های آمریکا را تا رقم ۱۸ درصد بالا برد. برای جلوگیری از سقوط بیشتر دلار، دولت آمریکا و دولت عربستان تصمیم گرفتند که از آن پس در همه بازارهای جهانی، نفت فقط به دلار خرید و فروش شود. این امر بانک های مرکزی تمام کشورهای دنیا را مجبور کرد که برای خرید انرژی فسیلی مورد نیاز، ذخایر دلاری کافی نگه دارند. آمریکا با استفاده از قدرت نظامی خود می داند که اگر در هر منطقه ثروتمند از دنیا که احساس خطر ایجاد کند، ثروتمندان را به طرف خرید دلار که پشتیبان آن نیروی عظیم جنگی آمریکاست، سوق می دهد. امروز، خزانه داری آمریکا حدود ۲۴ هزار میلیارد دلار اوراق قرضه با بهره اندک نزد مردم دنیا دارد.

از دهه هفتاد میلادی به بعد کشورهای ژاپن، فرانسه، آلمان، انگلیس و نهایتاً چین به بزرگترین کشورهای تولیدکننده کالاهای مصرفی در دنیا تبدیل شدند و آمریکا به خاطر جنگ در خاور دور و امکان چاپ دلار به هر میزان و پذیرفتن بدهی سنگین به کشورهای فوق تبدیل به کشوری شد که ثروتمند بود، ولی به جز در بخش نظامی در هیچ بخش دیگری تولیدکننده بزرگ مهمی به حساب نمی آمد.

موانع گذر از اقتصاد رانتي به اقتصاد ملي

۱

تسلط فرهنگ غلط در جامعه

فرهنگ غالب بر جامعه روشن فکری و بروکراسی دولتی ایران، «راه رشد غیر سرمایه‌داری» است که در هر لحظه راه را برای دخالت دولت‌مردان در تمام شئون اقتصاد مملکت باز گذاشته و هرگونه برنامه‌ریزی طولانی‌مدت را توسط بخش خصوصی غیرممکن می‌سازد.

۲

استفاده بی‌رویه و بی‌برنامه از منابع نفتی

استفاده رانتي از گنج عظیم نفت، زمینه تسلط تکنوکرات‌ها و بروکرات‌ها بر اقتصاد جامعه را میسر می‌سازد و حضور نظام بازار و نقش بخش خصوصی را به چالش می‌کشد.

۳

عدم کارایی قوانین حسابداری و مالی حاکم بر شرکت‌ها

به‌طورمثال، قانون تجارت مصوب مجلس در سال ۱۳۵۳ شمسی، امروزه کارایی خود را از دست داده است، اما متأسفانه همچنان استفاده می‌شود. همچنین ممنوعیت بنگاه‌های اقتصادی از محاسبه صحیح ذخیره استهلاک، زمینه ورشکستگی باتجربه‌ترین بنگاه‌های بخش خصوصی را فراهم می‌سازد.

شایان ذکر است اعداد و ارقام، به‌ویژه تاریخ‌هایی که در این گزارش ذکر شده به‌دلیل محدودیت زمانی به نقل از حافظه ذکر شده است. از خوانندگان گرامی خواهش دارم که کژی‌ها و کاستی‌های این گزارش را که بر مبنای تجربه نویسنده نگارش شده، جهت بازنگری و اصلاح مطلب منعکس نمایند. از آنجا که نگارنده نه اقتصاددان است و نه سابقه دخالت در سیاست دارد، هرگونه انتقاد و اصلاح بر این گزارش رواست.

پس با قدرت نظامی خود شروع به سلطه بر کشورهای دیگر و فروش اوراق قرضه دلاری به آنها کرد. از آن پس، کلیه مناطق ثروتمند دنیا هدف اغتشاش و سلطه نظامی آمریکا قرار گرفتند. در واقع، دوره دوم، از دهه هفتاد قرن گذشته و پس از عواقب جنگ ویتنام آغاز شد که در این دوره آمریکا روز به روز به طرف نظامی‌گری و سرکوب نهضت‌های آزادی‌خواه کشورهای سوق‌الجیشی گرایش پیدا کرد.

داستان تغییر نگرش آمریکا به تدریج رخ داد و کسی که احتمال وقوع آن را هشدار داده بود، آیزن‌هاور بود. وی در ژانویه ۱۹۶۱ پس از پایان دوران ریاست جمهوری در خطابه خداحافظی خود با ملت آمریکا عنوان داشت: «آمریکا به‌خاطر جنگ دوم جهانی و ادامه آن که جنگ گره بود، مجبور شد ارتش دائمی بزرگ و مجتمع‌های نظامی - صنعتی عظیم (Military-Industrial Complex) به‌وجود آورد، هشدار می‌دهم به مردم آمریکا که جلوی سلطه سیاسی و سامان یافتن این دو نیرو و در نتیجه ادغام منافع این دو را بگیرند، وگرنه آینده تاریکی برای دموکراسی و جمهوریت آمریکا رقم خواهد خورد».



اقتصاد مقاومتی و دفاع ملی

در مسائل نظامی و جنگی برای دفاع از خود در مقابل غرب باید از اقتصاد مقاومتی کمک جست. به‌طورمثال، به‌جای واردات هواپیمای سوخوی روسی که قطعاً ناوگان آمریکا قدرت مقابله با آن را دارد و همچنین تدوام تأمین قطعات آن به تصمیم‌گیری اغیار وابسته است، می‌توان به هم‌پیمانان منطقه‌ای کمک کرد تا هزینه تجاوز به ایران را برای متجاوز بالا ببرند. در این کار ممکن است لازم باشد مثلاً ۱۰۰ میلیون دلار کمک آموزشی یا تدارکاتی در اختیار هم‌پیمانانی نظیر لبنان، سوریه و عراق قرار گیرد تا پایداری دفاعی آنها تقویت شود، اما اگر کشور بخواهد صرفاً از طریق تسلیحات نظامی مقابل متجاوزین ناتو بایستد قطعاً ۱۰۰ میلیارد دلار هزینه هم کفاف این امر را نمی‌دهد. هم اکنون که تحریم‌ها باعث کاهش درآمد کشور شده است، هزینه‌های دفاع از مرزهای کشور نیز با تغییر استراتژی بسیار کاهش یافته است. دولت سوریه با کمک مالی اندک دولت ایران قریب به دو سال است در مقابل تهاجم وهابی‌های مورد حمایت ترکیه و قطر، همچنین سلفی‌های مورد حمایت عربستان که طبق طراحی ناتو و آمریکا به آدم‌کشی و اشاعه جنگ شیعه و سنی دامن می‌زنند، مقاومت می‌کند. اینکه در طی جریان‌ات سال ۱۳۸۸ گروهی به خیابان‌ها ریخته و ناآگاهانه شعار از پیش طراحی شده «نه غزه نه لبنان، جانم فدای ایران» سردادند، ضعف رسانه‌های گروهی و دولت ایران را در شفاف‌سازی و اقناع مردم نشان می‌دهد. چراکه اگر آنها می‌دانستند آمریکا برای جلوگیری از قدرت گرفتن کشور چین در آینده‌ای نزدیک و تبدیل آن به ابرقدرتی دیگر همچون شوروی، قصد دارد هفت کشور خاورمیانه‌ای که منابع چین را تأمین می‌کنند، تحت سلطه خود درآورد، هیچ‌گاه چنین شعاری سر نمی‌دادند.

عناوین سایر مقالات و مصاحبه‌ها

- زمرد پسته ایران (قسمت اول)
ماهانامه دنیای پسته
سال سوم- مهرماه ۱۳۹۷- شماره ۳۰
- زمرد پسته ایران (قسمت آخر)
ماهانامه دنیای پسته
سال سوم- آبان ۱۳۹۷- شماره ۳۱
- گذشته چراغ راه آینده
خبرنامه داخلی انجمن پسته
سال چهارم- ویژه نامه آذر ۱۳۹۰- شماره ۶۵
- رفع ابهام از واقعیت های حوزه آب
هفته نامه اقتصاد کرمان
- یارانه انرژی پرداختی به ازای تولید یک تن فولاد در صنایع ایران
شبکه مطالعات سیاستگذاری عمومی
۱۶ آذر ۱۳۹۵
- برآوردی از یارانه پنهان انرژی در صنایع سیمان کشور
شبکه مطالعات سیاستگذاری عمومی
۵ دی ۱۳۹۵
- قنات پایه زندگی
نشریه ستاره کرمان
سال اول- شماره دوم- شهریور ۱۳۹۵
- تأمین سرمایه از کجا؟
فصل نامه پژوهش های اقتصادی اتاق بازرگانی کرمان
ویژه نامه نوروز ۱۳۹۶
- کتاب حقوق آب در فلات مرکزی ایران
اندیشکده تدبیر آب ایران
چاپ اول- اسفند ۱۳۹۳
- برآوردی از اثررانت تعرفه برق بخش کشاورزی نسبت به صنعت
فصل نامه اندیشکده تدبیر آب ایران
سال ششم- شماره ۱۸- پاییز ۱۳۹۶
- رقیب ما شرکت نفت است
هفته نامه استقامت
- گذار از دوران طلایی اقتصاد به دوران نفت زده «دروازه تمدن بزرگ»
هفته نامه اقتصاد کرمان

- خلع ید از وزارتخانه کشاورز ستیز
ماهانامه دنیای پسته
سال دوم- اسفندماه ۱۳۹۵- شماره ۱۳
- شاخص های جهانی ملاک نیست
خبرنامه داخلی انجمن پسته
سال ششم- مهر و آبان ۱۳۹۳- شماره ۱۰۳
- در یک خیانت بزرگ شرکت کردم
خبرنامه داخلی انجمن پسته
سال ششم- اسفند ۱۳۹۲- شماره ۹۷
- سیلی کم آبی و کاهش درآمدهای نفتی دولت را بیدار خواهد کرد یا خیر؟
ماهانامه دنیای پسته
سال اول- مرداد ۱۳۹۵- شماره ۶
- انجمن پسته و چالش های بازار سموم دفع آفات و ترکیبات تغذیه‌ای
خبرنامه داخلی انجمن پسته
سال ششم- اردیبهشت ۱۳۹۳- شماره ۹۸
- ثبات نرخ ارز ما را متحیر و سرگردان می کند
خبرنامه داخلی انجمن پسته
سال ششم- شهریور ۱۳۹۳- شماره ۱۰۳
- دولت بزرگ ناتوان از اصلاحات اقتصادی است
خبرنامه داخلی انجمن پسته
سال ششم- اردیبهشت ۱۳۹۳- شماره ۹۸
- مرور بحران در اقتصاد پسته
روزنامه استقامت
- اثرگذاری قیمت محصول جدید توسط پارامونت بر بازار پسته
خبرنامه داخلی انجمن پسته
سال هفتم- مهر و آبان ۱۳۹۳- شماره ۱۱۰
- ایست بازرسی شماره ۱۵
خبرنامه داخلی انجمن پسته
سال چهارم- ویژه نامه آذر ۱۳۹۰- شماره ۶۵
- آینده تولید و تجارت پسته ایران
خبرنامه داخلی انجمن پسته
سال پنجم- اسفند ۱۳۹۱- شماره ۸۶
- پسته؛ رقابت یا انحصار
خبرنامه داخلی انجمن پسته
سال سوم- اسفند ۱۳۸۹- شماره ۵۰
- تحولات اخیر در صنعت و بازار جهانی پسته
خبرنامه داخلی انجمن پسته
سال سوم- ویژه نامه مرداد ۱۳۹۰- شماره ۵۸



لطفاً برای مشاهده فایل
pdf مقالات و مصاحبه‌های
مهدی آگاه، بخش مقالات
وبسایت انجمن پسته ایران به
آدرس www.iranpistachio.org
را جستجو نمایید.



جلسه هیئت امنای انجمن پسته ایران برگزار شد

■ دبیرخانه انجمن پسته ایران

ششمین جلسه هیئت امنای دوره چهارم فعالیت انجمن پسته ایران روز ۱۴ اسفند ماه ۱۴۰۱ با حضور ۳۳ نفر (۲۹ نفر اصالتاً و ۴ نفر وکالتاً) به صورت مجازی انجام شد.

در ابتدای جلسه محمد صالحی رئیس هیئت مدیره انجمن پس از خیرمقدم به حضار، گزارش خلاصه‌ای از اهم اتفاقات و اقدامات انجمن طی ۶ ماه گذشته ارائه نمود. سپس، سید محمود ابطحی رئیس هیئت امنای بیانیه خود پیرامون فعالیت‌های کمیته آمار و مطالعه بازار و همچنین لزوم مشارکت در انتخابات آتی انجمن را ارائه داد. در ادامه جلسه، گزارش عملکرد سال ۱۴۰۱ انجمن توسط فرهاد آگاه منشی هیئت مدیره ارائه شد. سپس، اعضا وارد بحث و بررسی پیرامون دستورات جلسه شدند. در ادامه، شرح تصمیمات اتخاذ شده است:



به اتفاق آرا مظفر محمدی و حسین مهرابی به ترتیب در سمت بازرس اصلی و بازرس علی‌البدل انجمن برای یک دوره یک ساله دیگر ابقا شدند.

بودجه پیشنهادی هیئت مدیره برای سال ۱۴۰۲ توسط جانشین دبیرکل ارائه شد و پس از بحث و بررسی مفصل توسط اعضا هیئت امنای، با قید افزایش ۱۵۰ میلیون تومانی ردیف درآمد حق عضویت نسبت به پیشنهاد هیئت مدیره با اکثریت آرا به تصویب رسید.

حق عضویت‌های سال ۱۴۰۲ به این شرح مصوب گردید:

نوع عضویت	هیئت امنای	پیوسته	وابسته	ورودی پیوسته
مبلغ (ریال)	۲۵۰,۰۰۰,۰۰۰	۶۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۰,۰۰۰,۰۰۰	۱۰,۰۰۰,۰۰۰



گزارش بررسی مجدد هیئت مدیره پیرامون رویه جایگزینی نماینده عضو حقوقی در صورت خروج وی از شرکت متبوع ارائه شد. پس از بحث و بررسی، پیشنهاد هیئت مدیره با اکثریت آرا به تصویب رسید.

در پایان، حاضرین به بحث و تبادل نظر پیرامون مشکلات تعهد ارزی و مقررات جدید دولتی در رابطه با الزامات جدید اداره استاندارد با موضوع محموله‌های صادراتی و الزام شناسه‌دار شدن باغات پسته پرداختند.





اسیدهای آمینه در گیاهان

■ غلامرضا آقابراری ■ کارشناس کشاورزی

چنانچه مدیریت تغذیه اصولی در تقویم باغی توسط کشاورزان رعایت شود، گیاهان قادر هستند برخی از مواد مورد نیاز خود از جمله اسید آمینه‌های ضروری را بسازند. از این‌رو، آنها از خود و یا محصولشان محافظت می‌کنند و در بسیاری از موارد در تنازع بقا پیروز میدان خواهند بود. این در حالی است که گیاهان، خصوصاً آنهایی که محصولشان به‌عنوان غذا مصرف می‌شود، تحت شرایطی ممکن است در فرایند حفظ خود قادر به تولید محصول اقتصادی نباشند و این مسئله بشر را به سمت دستکاری و هدایت گیاهان بارده برای تولید بیشتر سوق می‌دهد. ساخت و کاربرد اسیدهای آمینه مصنوعی از جمله این موارد است. با اینکه اخیراً تجربیات عملی خوبی در زمینه کاربرد اسیدهای آمینه در کشاورزی پسته کسب شده، اما نیاز به انجام تحقیق و کسب تجربه بیشتر در خصوص زمان، مقدار، نوع و نحوه کاربرد این مواد تا حصول نتایج دقیق‌تر و قابل اتکاتر ضروری به‌نظر می‌رسد. در مقاله پیش‌رو سعی بر این بوده که اهمیت مصرف اسید آمینه‌ها شرح داده شود و انواع آنها معرفی گردد.

77

اثرات استفاده

از اسیدهای آمینه در گیاهان

۱ افزایش مقاومت گیاه

در هنگام بروز تنش‌های محیطی

تنش‌های محیطی نظیر دمای بالا، کم‌آبی، شوری و سرمای شدید تأثیرات مخربی بر روی سوخت‌وساز گیاه دارند؛ در این شرایط اسید آمینه‌هایی مثل پرولین با تقویت دیواره سلولی و ایجاد توازن آب در گیاه موجب کاهش خسارات ناشی از شرایط نامساعد بوجود آمده می‌گردند.

۲ تأثیر بر روزه‌های هوایی

روزه‌های هوایی ساختارهای سلولی موجود در برگ است که تعادل هیدروژنی گیاه و جذب عناصر را بر عهده دارند. باز و بسته‌شدن روزه‌ها توسط فاکتورهای خارجی (رطوبت، دما، غلظت نمک‌ها) و فاکتورهای داخلی (مانند غلظت اسید آمینه‌ها) کنترل می‌شود. بسته و باز شدن روزه‌ها در شرایط نامساعد موجب کاهش شدید فتوسنتز و تعرق گیاه می‌شود. بدین ترتیب جذب عناصر غذایی کم، سوخت‌وساز گیاه افزایش و رشد گیاه کاهش می‌یابد. بکارگیری اسیدهای آمینه مانند گلوتامیک اسید با تأثیر بر سلول‌های نگهبان روزه از انسداد روزه‌ها جلوگیری می‌کند.

۳ تقویت سیستم ایمنی گیاه

اسیدهای آمینه با افزایش تولید بافت خشکی گیاهان و ترمیم بافت‌های آسیب دیده و تقویت دیواره سلولی باعث

ضرورت استفاده از اسیدهای آمینه در گیاهان

تمام ساختار هورمونی و آنزیمی گیاه به‌واسطه اسیدهای آمینه تقویت یا تضعیف می‌شود، چرا که تمام هورمون‌ها و آنزیم‌ها ساختار پروتئینی دارند و اسید آمینه از جمله مهمترین اجزای بنیادین در تولید پروتئین‌ها می‌باشد. حدود ۲۰ نوع اسید آمینه در هر یک از فرآیندهای سنتز پروتئینی وجود دارد که هر کدام از آنها نقش مهمی را بر عهده دارند. طی مطالعاتی که به‌تازگی بر روی گیاهان انجام شده، به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده از اسید آمینه نقش مهمی را در فعالیت‌های حیاتی و ساختارهای گیاهان بر عهده دارد. زمان‌هایی از دوره رشد گیاه، یعنی زمانی که میوه‌ها در حال رسیدن و یا اینکه دانه‌های آن در حال پر شدن است، گیاه نیاز فیزیولوژیکی زیادی به جذب عناصر غذایی دارد تا بتواند فعالیت‌های مرتبط با سوخت‌وساز خود را انجام دهد. اما در بعضی مواقع به‌دلیل محدودیت‌هایی که در جذب مواد غذایی به‌وجود می‌آید، گیاه به‌طور کامل نمی‌تواند از این عناصر ضروری استفاده کند. علاوه بر آن، فاصله زمانی زیاد بین جذب مواد غذایی توسط گیاه تا تبدیل آنها به عناصر مورد مصرف باعث می‌شود که گیاه به خوبی نتواند از عملکرد مدیریت خود استفاده کند و به‌همین دلیل رشد آن دچار نقص می‌شود. بسیاری از کشاورزان برای اینکه این مشکل را حل کنند از مکمل‌های کودی گوناگون از جمله اسیدهای آمینه استفاده می‌کنند. اسید آمینه‌هایی که توسط خود گیاهان نیز تولید می‌شود و درون خود گیاه وجود دارد، با اسید آمینه‌هایی که کشاورزان به‌صورت مکمل‌های کودی استفاده می‌کنند یکی شده و در ساختار گیاه نفوذ می‌کنند. جذب اسید آمینه از طریق روزه‌های برگ نیز به‌راحتی صورت می‌گیرد، لذا محلول‌پاشی اسید آمینه بر روی اندام‌های هوایی باعث می‌شود که به‌راحتی جذب اندام‌های گیاه شده و در چرخه مصرف قرار بگیرند. مزایای استفاده از اسید آمینه برای گیاهان این است که گیاه با در دسترس بودن آنها، دیگر نیازی ندارد که انرژی خود را برای کسب هیدروژن و هیدرات‌های کربن بگذارد و به‌راحتی می‌تواند آنها را از طریق اسید آمینه به‌دست آورد و با سرعت رشد کرده و محصول بیشتری را تولید نماید. در شرایط بحرانی میزان نیاز گیاه به اسیدهای آمینه نیز تغییر می‌کند. لذا از دیگر موارد مصرف اسید آمینه برای گیاهان، نجات دادن گیاه از عوامل تنش‌زا می‌باشد. اسید آمینه محلول‌پاشی شده در این شرایط از طریق روزه‌های برگ جذب شده و مورد مصرف قرار می‌گیرد. البته به این نکته باید توجه داشت که میزان جذب اسید آمینه‌ها در گیاهان به‌شدت تحت تأثیر دمای محیط است.



اشاره‌های کوتاه به ساختار آمینواسیدها

اسید آمینه‌ها به دو شکل یافت می‌شوند: فرم L و فرم D. یعنی اجزای یکسان مولکول‌ها را حین ساخت می‌توان در دو ترتیب مختلف مرتب کرد. نیاز گیاهان به اسید آمینه فقط توسط اسید آمینه نوع L برطرف می‌شود. آمینواسیدهای L مولکول‌هایی هستند که در تولید پروتئین در بدن به کار می‌روند. در واقع، آمینواسیدهای L در تمام پروتئین‌های ساخته‌شده توسط حیوانات (از جمله انسان)، گیاهان، باکتری‌ها و قارچ‌ها وجود دارند. این دسته از آمینواسیدها هم به‌عنوان هورمون و هم به‌عنوان آنزیم عمل می‌کنند و عملکردهای درونی را تنظیم می‌نمایند.

نام اسید آمینه	عملکرد در گیاهان
آلانین ALANINE	تجزیه کلروفیل و در تنظیم باز شدن روزنه‌های گیاهی، گرده‌افشانی و افزایش مقاومت به خشکی
آرژنین ARGININE	افزایش مقاومت به تنش شوری و به‌عنوان یک پیش‌ساز برای تشکیل پلی‌آمین‌ها
تریپتوفان TRYPTOPHAN	پیش‌ساز هورمون اکسین و افزایش رشد ریشه
فنیل‌آلانین PHENYLALANINE	پیش‌ساز تشکیل لیگنین چ و تاثیر در گرده افشانی
پرولین PROLINE	افزایش مقاومت گیاه به تنش‌های محیطی، رشد زایشی، بهبود گرده افشانی
سرین SERINE	تشکیل کلروفیل و ایجاد تعادل هورمونی داخل گیاه
والین VALINE	کاهش سطح اسید اتیو در گیاه، افزایش سرعت رشد رویشی
گلیسین GLYCINE	افزایش سبزی‌نگی، عامل کلات‌کننده، پیش‌ساز در تشکیل گروه‌های پیرویل
ترونین THREONINE	افزایش مقاومت به بیماری‌ها در گیاه، حفظ و نگهداری سلول‌های بنیادی
لیزین LYSINE	تحریک جوانه‌زنی، عامل کلات‌کننده
تیروزین TYROSINE	سنتز ترکیبات فنولی
گلوتامیک اسید GLUTAMIC ACID	عامل کلات‌کننده و افزایش سبزی‌نگی
لوسین LEUCINE	مقاومت به شوری، موثر بر جوانه زنی و گرده افشانی
سیستئین CYSTEINE	موجود در ساختار آنزیم نیتریتاز (کاربرد در تثبیت بیولوژیک ازت)، مقاومت به عوامل بیماری‌زا
متیونین METHIONINE	پیش‌ساز هورمون اتیلن، رسیدگی میوه، تحریک جوانه‌زنی و رشد ریشه
هیستیدین HISTIDINE	عامل کلات‌کننده، تنظیم باز شدن روزنه‌های برگ
آسپارتیک اسید ASPARTIC ACID	موثر در جوانه‌زنی بذور و متابولیسم اسیدهای آمینه
ایزولوسین ISO LEUCINE	افزایش مقاومت به شوری، موثر بر جوانه‌زنی دانه‌های گرده و گرده‌افشانی

افزایش مقاومت در مقابل آفات و بیماری‌ها می‌گردند. اسیدهای آمینه پرولین و هیدروکسی پرولین با تقویت دیواره سلولی، گیاه را در برابر شرایط نامناسب محیطی مقاوم نموده و همچنین باعث تعادل هیدروژنی در گیاه می‌شود.

۴ القافز آید گرده افشانی

گرده‌افشانی عمل انتقال دانه گرده به مادگی، لقاح و تشکیل میوه می‌باشد. اسید آمینه پرولین به باروری دانه گرده کمک می‌کند و از سوی دیگر متیونین، گلوتامیک اسید و لیزین از طریق فعال‌سازی هورمون‌های مؤثر در تشکیل گل و میوه با افزایش جوانه‌زنی دانه گرده و افزایش طول لوله گرده موجب بهبود گرده‌افشانی می‌شوند.

۵ افزایش کمی و کیفی محصول

اسیدهای آمینه آلانین، والین، لوسین با افزایش نسخه برداری mRNA و افزایش پروتئین در گیاه باعث بهبود ویژگی‌های کیفی و کمی محصول می‌گردند.

۶ افزایش دوره ماندگاری محصول بعد از برداشت

استفاده از اسیدهای آمینه به طور کلی باعث تکمیل فرآیند فیزیولوژیک گیاه شده و با ایجاد میوه کامل‌تر و سالم‌تر در نهایت افزایش ماندگاری پس از برداشت محصول را به همراه می‌آورد.

۷ افزایش جذب عناصر ریز مغذی

اسیدهای آمینه (گلوتامیک اسید و گلیسین) دارای ویژگی کلات‌کنندگی عناصر ریزمغذی بوده و جذب عناصر ریزمغذی را به گیاه آسان‌تر می‌کنند.

۸ افزایش فتوسنتز و تأثیر بر رشد گیاه

کاهش فتوسنتز در گیاه باعث کاهش ساخت و ساز کربوهیدرات‌ها و اختلال در رشد می‌شود. اسیدهای آمینه مانند گلیسین با افزایش کلروفیل در گیاه و افزایش فرآیند فتوسنتز و نسبت کربن به نیتروژن در درختان میوه موجب بهبود کیفیت و کمیت محصول می‌گردند.

۹ کمک به تعادل میکروفلورای خاک

اسید آمینه با حفظ تعادل فلور میکروبی خاک باعث بهبود ساختمان و حاصلخیزی خاک اطراف ریشه می‌شود.

۱۰ تسریع در تشکیل اندام‌های هوایی

اسیدهای آمینه گلیسین، گلوتامیک اسید، آسپارتیک اسید موجب تسریع در تشکیل و رشد ساقه و برگ، ارتقا جوانه‌زنی و بهبود سیستم ریشه‌ای گیاه می‌شوند.

۱۱ افزایش سرعت رسیدگی محصول

اسیدهای آمینه متیونین و تریپتوفان از طریق تحت تأثیر قرار دادن تولید هورمونی گیاهی باعث افزایش سرعت رسیدگی محصول می‌شوند. اسید آمینه متیونین پیش‌ساز ساخت اتیلن و تریپتوفان و پیش‌ساز ساخت هورمون اکسین است که اکسین باعث طولی شدن سلول‌ها، تسریع گلدهی و اتیلن باعث رسیدن کامل و توسعه رنگ میوه روی درخت و انبار، افزایش بازار پسندی و افزایش مقاومت محصولات انباری می‌شود.



عملیات باغی موثر بر اونس پسته



■ محمد رضا حمزه‌ای

■ کارشناس ارشد حاصلخیزی خاک و تغذیه گیاه

آب

آب اولین عامل و در عین حال یکی از مهمترین عوامل تأثیرگذار در رشد درختان پسته، محصول دهی و کیفیت محصول پسته مثل پوکی، اونس و خندانی می‌باشد. آب عامل اصلی غذاسازی در گیاهان، حجم گرفتن و رشد دانه و میوه است. دور آبیاری مناسب و استاندارد برای درختان پسته در کشور که اکثراً به روش غرقابی آبیاری می‌شوند بسته به نوع خاک ۲۵ تا ۳۵ روز یک بار است، ولی متأسفانه با توجه به وضعیت آبی کشور، بر آورده کردن چنین دور آبیاری برای تمامی مناطق پسته کاری امکان پذیر نبوده و اکثر مناطق دور آبیاری طولانی‌تر از یک ماه دارند. بنابراین، باید بیشترین تلاش را در جهت حفظ رطوبت خاک و کاهش تنش آبی به درختان و در نتیجه افزایش کیفیت پسته که اونس پسته یکی از مهمترین آن‌هاست انجام داد. یکی از ساده‌ترین و مهمترین اقداماتی که در این زمینه و در تمامی باغات قابل اجراست برهم‌زدن سطح خاک در طول فصل رشد درختان و بعد از هر آبیاری می‌باشد که می‌تواند در جلوگیری از تبخیر آب و حفظ و ذخیره رطوبت در خاک مؤثر باشد. روش‌های دیگری همچون استفاده از ماسه بادی در سطح خاک به عنوان مالچ آب‌نگهدار یا اجرای سیستم‌های آبیاری همچون سیستم آبیاری زیرسطحی در مناطق کم آب مؤثر است.

تغذیه

بعد از آب مهمترین عامل مؤثر بر مقدار محصول پسته و کیفیت آن، تغذیه مناسب و به‌موقع می‌باشد. منظور از تغذیه مناسب یعنی فراهم

کردن عناصر غذایی مورد نیاز درختان با توجه به شرایط آب و خاک و کمبودهای تغذیه‌ای هر باغ و منظور از زمان مناسب یعنی در اختیار گذاشتن این عناصر غذایی در اوج نیاز و جذب درختان می‌باشد. از عناصری که تأثیر بیشتری بر اونس پسته دارند و باعث افزایش حجم و وزن دانه‌های پسته می‌گردند می‌توان نیتروژن، پتاسیم و عناصر کم‌مصرف همچون روی و منگنز را نام برد. نیتروژن یکی از مهمترین، مؤثرترین و پرمصرف‌ترین عناصر غذایی در رشد، تولید دانه، ساخت مواد غذایی در برگ‌ها و بزرگ‌شدن و پرشدن دانه‌های درختان پسته است. جذب نیتروژن توسط ریشه درختان پسته بعد از ظاهر شدن برگ‌ها شروع شده و در زمان پرشدن دانه پسته و رشد مغز (اواخر خرداد تا پایان مردادماه) به اوج خود می‌رسد. کودهای معمول نیتروژنه که به‌صورت سرک برای تأمین نیتروژن درختان در فصل رشد مصرف می‌شوند، شامل کودهای اوره، نیترات آمونیوم، سولفات آمونیوم و برخی کودهای حیوانی مانند کود مرغی می‌باشند. عنصر پتاسیم در حفظ و تعادل آب جذب‌شده توسط درختان و انتقال مواد غذایی ساخته‌شده در برگ‌ها به دانه‌های پسته که باعث پرشدن دانه‌های پسته و افزایش وزن و حجم آن‌ها می‌گردد نقش اساسی دارد و به همین دلیل نیاز درختان پسته به پتاسیم بالاست. پتاسیم را می‌توان به‌صورت کود سولفات پتاسیم سنگی یا گرانول در چالکود زمستانه همراه با کودهای حیوانی پوسیده یا کمپوست که قابلیت نگهداری رطوبت بالایی هم دارد استفاده نمود. همچنین، برای بر آورده کردن بخش دیگری از نیاز درختان به پتاسیم، می‌توان کودهای سولوپتاس و نیترات پتاسیم که نسبت به پتاسیم سنگی و گرانول حلالیت



جذب بیشتر عناصر غذایی مثل پتاسیم می شود که جذب شدن آن به رطوبت خاک بستگی دارد و در نتیجه کاهش تنش آبی و افزایش جذب پتاسیم باعث افزایش کمیت و کیفیت دانه های پسته (کاهش اونس، افزایش خندانی و کاهش بوکی) می گردد. پاکنی یا تیلر نمودن خاک علاوه بر حفظ رطوبت خاک، باعث تهویه بهتر منطقه ریشه درختان شده و جذب عناصر غذایی به خصوص پتاسیم که نسبت به تهویه خاک حساس تر است را بالا می برد و جذب بیشتر پتاسیم باعث افزایش وزن دانه پسته و کاهش اونس آن می گردد.

مبارزه با آفت پسپیل

در بین آفات و بیماری ها پسته، آفت پسپیل چون در اکثر مناطق پسته کاری وجود دارد و نسبت به آفات دیگر عمومیت بیشتری در باغات پسته یافته و همچنین در طول فصل رشد دارای نسل بیشتری نسبت به آفات دیگر است، بنابراین مبارزه با این آفت و کنترل آن نیز دارای درجه اهمیت بالاتری است. میزان خسارت آفت پسپیل در اوایل فصل بهار و اواخر تابستان کمتر و در اوایل تابستان و زمان مغز رفتن میوه ها بیشتر است. افزایش شدید جمعیت پسپیل همزمان با شروع مغز گرفتن دانه پسته و یا پس از آن، به دلیل هدر رفتن مواد غذایی ساخته شده در برگ ها به صورت شکرک، که باید صرف پر کردن مغز دانه های پسته شود، موجب اختلال در روند پر شدن مغز و حتی ریزش جوانه های زایشی تشکیل شده روی شاخه های رشد کرده در سال جاری و در نتیجه کاهش محصول سال بعد می گردد. در صورت خسارت شدید آفت پسپیل به ویژه در مراحل رشد دانه پسته، کیفیت دانه ها همچون اندازه و وزن دانه پسته و درصد خندانی دانه ها کاهش پیدا می کند که این موضوع باعث ریزش دانه های پسته و افزایش اونس دانه ها می گردد. بر اساس آنچه که از اثرات خسارت پسپیل بر محصول پسته بیان شد، کنترل این آفت در طول فصل رشد بسیار ضروری و مهم خواهد بود.

پایه و پیوندک مناسب با شرایط باغ

بر اساس شرایط آب و هوایی و خاکی هر منطقه، برای احداث باغ های جدید و حتی تغییر پیوند درختان لازم است، مناسب ترین پایه پسته با شرایط آن منطقه و مرغوب ترین نوع پیوندک را از افراد و باغات قابل اطمینان تهیه نموده و اقدام به ایجاد باغات جدید، پیوند و یا تغییر پیوند باغات نمود. پایه نامناسب و پیوندک نامرغوب بسیاری از ویژگی های کمی و کیفی محصول از جمله اونس، خندانی و بوکی محصول را تحت تأثیر قرار می دهد به طوری که کشاورز با وجود ایجاد شرایط مناسب برای باغ در مورد موارد دیگر از جمله شرایط آبی، تغذیه، هرس، عملیات خاکورزی مناسب و مبارزه در ست و به موقع با پسپیل باز هم در مورد خصوصیات کمی و کیفی محصول به ویژه اونس به نتیجه مطلوب دست نخواهد یافت. در تحریر این مقاله از منابع متعددی استفاده شده است که از طریق دبیرخانه انجمن در دسترس می باشند.

بیشتری دارند را به صورت سرک در فصل رشد و در زمان بیشترین نیاز درخت به پتاسیم که در مرحله پرشدن دانه و رشد مغز است استفاده نمود. علاوه بر مصرف خاکی کودهای پتاسیمی، محلولپاشی ترکیبات پتاسیمی همچون نیترات پتاسیم و آمینو کلات های پتاسیم، از زمان آغاز فصل رشد و به ویژه در زمان پرشدن دانه و رشد مغز نیز می تواند بخشی از نیاز فراوان درختان پسته به پتاسیم و نیتروژن را برآورده نماید. عناصر کم مصرف روی و منگنز در تشکیل دانه پسته، ساخته شدن مواد غذایی در برگ ها برای پرشدن دانه ها و رشد و افزایش وزن دانه پسته مؤثر هستند. برای تغذیه خاکی این عناصر می توان آن ها را به صورت کودهای سولفات روی و منگنز در چالکود زمستانه به همراه کودهای دامی پوسیده یا کمپوست استفاده نمود. برای محلولپاشی این عناصر که کارایی نسبتاً بالاتری از تغذیه خاکی دارد می توان آن ها را به صورت کودهای سولفات روی و منگنز و فرم کلات شده آن ها که به صورت آمینو کلات های روی و منگنز هستند را در زمان تورم جوانه ها، اردیبهشت ماه و بعد از ارزی شدن دانه ها، هنگام پرشدن دانه ها و بعد از برداشت پسته محلولپاشی نمود.

هرس

هرس عامل مهمی در شکل دادن به درختان، نظافت آن ها و باروری درختان پسته است. هرس درختان به دو صورت هرس شکل دهی و هرس باردهی می باشد. هدف در هرس شکل دهی که معمولاً در فصل زمستان و زمان خواب درخت انجام می شود، ایجاد شکل مناسب و مورد نظر و ساخت اسکلت قوی و شاخه های بارشده مناسب و حذف شاخه های خشک و بیمار است. در هرس باردهی به دلیل حذف برخی از شاخه ها که هر کدام مصرف کننده آب و مواد غذایی هستند و از این نظر رقیب شاخه های دیگر می باشند، علاوه بر کنترل اندازه درخت، به دلیل رساندن آب و مواد غذایی بیشتر به شاخه های دیگر، باعث تولید محصول بیشتر و باکیفیت تر از لحاظ اندازه، وزن و رسیدگی دانه پسته در این شاخه ها می گردد. یکی از انواع هرس باردهی، هرس سرزنی می باشد که در درختانی بارشده رویشی زیاد انجام می شود و باعث جلوگیری از رشد زیادی این شاخه ها و تشکیل شاخه های جانبی زیاد و در پی آن جوانه گل بیشتر روی این شاخه های جانبی می گردد. در نتیجه، میزان محصول دهی درخت و درشتی و وزن دانه های پسته برای سال بعد افزایش می یابد.

عملیات خاکورزی

پاکنی درختان یا تیلر نمودن خاک در زمستان باعث از بین رفتن آفات زمستان گذران داخل خاک شده و از زمان آغاز فصل رشد تا پایان آن انجام عملیات خاکورزی بعد از هر نوبت آبیاری و زمانی که رطوبت خاک برای پاکنی یا تیلر کردن خاک مناسب باشد، باعث جلوگیری از تبخیر آب از اعماق پایینی خاک و حفظ رطوبت آن می گردد که خود این عمل باعث کاهش تنش آبی و همچنین

معرفی

NAX-95

دهه هاست که پسته به عنوان گل سرسبد و پرچم دار محصولات کشاورزی ایران شناخته میشود. به جرات می توان گفت هوشمندترین، پر دانش ترین و به روز ترین صنف در میان اصناف مختلف کشاورزی ایران، کشاورزان و باغداران پسته می باشند که با همت و تلاش مثال زدنی و ستودنی خود سال های طولانی نام ایران و پسته ایران را در صدر تولید کنندگان این محصول در جهان درخشان و پرافتخار نگه داشته اند. لکن طی این راه پر افتخار بی شک همراه با دشواری ها و سختی های گوناگون بوده و هست.

کم آبی و شوری آب و خاک، تغییرات اقلیمی و گرمای بیش از حد، امواج سرمای بهاره، باد و طوفان و تگرگ و انواع آفت ها و بیماری های گوناگون تنها بخشی از مشکلات بی حدی است که کشاورزان صبور و نجیب ما با آن دست و پنجه نرم می کنند و بسیاری از این مشکلات در سال های اخیر شدیدتر و حادث شده است و ضرورت ایجاد و یافتن راهکارهای جدید و موثر تر برای رفع این معضلات هر روز بیشتر از قبل احساس می شود. در این راستا واحد تحقیق و توسعه شرکت جهان سبز ایستاتیس طی بیش از پنج سال تحقیق و پژوهش محصول جدیدی را به بازار معرفی و

عرضه نموده که به نظر می رسد می تواند پاسخ مناسبی به بخشی از این نیازها و راه حلی برای رفع برخی از این معضلات عدیده باشد. این محصول که با نام تجاری NAX-95 به بازار مصرف عرضه شده است در حقیقت ترکیبی از مواد سوسپانسیون شونده بر پایه گوگرد، کلسیم و سیلسیم می باشد که در محاوره به عنوان «گوگرد سفید» شناخته شده و کشاورزان در سال های گذشته با انواعی از آنها منجمله پودر کائولن تا حدودی آشنا بوده اند. این ترکیب در سال ۱۴۰۰ با شماره ۱۰۴۴۱۶ در اداره ثبت مالکیت معنوی در سازمان ثبت اسناد و املاک کشور بعنوان یک محصول فناورانه موفق به دریافت گواهی ثبت اختراع گردیده است.

مکانیزم عمل این محصول به این صورت می باشد که با ایجاد یک لایه محافظ کلسیمی سیلسمی ضمن جلوگیری از تابش مستقیم نور خورشید به سطح برگ، مانع از تشدید تبخیر و تعرق آب از سطح برگ می گردد و به این صورت ضمن محافظت از بافت نرم برگ و میوه در برابر آفتاب سوختگی های شدید تابستانی، تنش تشنگی در باغ و گیاه را تا حد محسوسی کاهش می دهد. در سال های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ پژوهشی در خصوص مقایسه عملکرد این محصول با ترکیبات پوشش دهنده مشابه از برندهای متنوع صورت گرفت که پس از داده برداری های ماهواره ای و انجام محاسبات پیشرفته مشخص شد این محصول در مقایسه با سایر ترکیبات مشابه بیشترین اثر را بر کاهش آفتاب سوختگی، تنش تشنگی و خنک سازی گیاه داشته است. به نحوی که در مواردی موفق شده است دمای گیاه را تا بیش از ۳ درجه سیلسیوس کاهش داده و درخت را خنک نماید.

نتایج این پژوهش که در مزرعه مرتاض و زیر نظر آقای دکتر مراد مرتاض و همکاران ایشان صورت گرفت در سال ۲۰۲۲ در سایت ژورنال معتبر <https://www.mdpi.com/journal/remotesensing> منتشر گردیده و در دسترس عموم می باشد و تأثیر قطعی و بسیار محسوس اثر این ترکیب بر کنترل آسیب های ناشی از تابش شدید نور خورشید را به خوبی تبیین می کند. اما شاید جذابترین بخش از نتایج استفاده این محصول برای کشاورزان تأثیر شگفت آور آن در کنترل



کاهش تنش تشنگی



جلوگیری از آفتاب سوختگی میوه پسته





مقابله با طغیان پسیل

مقایسه دو درخت پوشش داده شده و پوشش دهی نشده در مجاورت هم

آفت پسیل پسته در باغات باشد. به جرات میتوان گفت در بیش از ۸۰٪ از باغات پسته که این محصول بصورت صحیح روی درختان استعمال شده است، آفت پسیل در بازه های طولانی مدت (از ۶ تا ۱۲ روز و بیشتر) بطور کامل مهار شده است. NAX-95 با ایجاد یک لایه پوششی فیزیکی بر روی برگ مانع از فعالیت آزادانه آفت بر روی آن می شود. همچنین چسبندگی بالای ذرات NAX-95 به اندام پوره ها و حشره بالغ می تواند به راحتی سبب کشتن آفت گردد. و از آنجاکه عملکرد این محصول غیر شیمیایی و غیر سیستمیک بوده و با ایجاد اختلال فیزیکی در فضای زیست و اندام حیاتی حشره سبب از بین رفتن آفت می شود میتوان گفت امکان هرگونه سازگاری آفت در طی زمان با این محصول نیز تقریباً منتفی می باشد. این محصول تا کنون در سطح چندین هزار هکتار از باغات پسته در استان های کرمان، خراسان، یزد، سمنان و ... توسط برخی از بزرگترین و شناخته شده ترین باغداران پسته کشور مورد استفاده قرار گرفته و بسیاری از کارشناسان ممتاز و اساتید مبرز کشاورزی بر عملکرد آن طی سال های گذشته نظارت مستقیم داشته اند که علاقه مندان و کارشناسان و کشاورزان محترم می توانند جهت اخذ اطلاعات تکمیلی و دریافت و مشاهده مستندات موجود در این رابطه با واحد بازرگانی شرکت جهان سبز ایستاتیس به شماره ۰۳۵۳۸۴۲۲۲۲ تماس حاصل فرمایند. امید است که با ترویج و استفاده از این محصول فناورانه بتوانیم گامی در جهت کاهش موانع و رفع مسائل کشاورزان پر تلاش و بلند همت ایران برداریم.



عدم اختلال در فتوسنتز و متابولیسم گیاه



سازگاری با گیاه



کاهش پوکی در دانه پسته



دیپارتمان کشاورزی ایالات متحده آمریکا در بهمن ۱۴۰۱ گزارش داد

پیش‌بینی تولید و تجارت جهانی پسته

■ دبیرخانه انجمن پسته ایران

که امسال شرایط رشد خوبی داشته متمرکز شده است. بنابراین، وجود نوسانات زیاد در مقدار تولید امری طبیعی به نظر می‌رسد. این در حالی است که تولید بیشتر در ترکیه اثر بسیار محدودی بر تجارت جهانی پسته دارد، چراکه اکثر محصول تولیدی این کشور به مصرف داخلی می‌رسد یا اینکه به موجودی انبار اضافه می‌کند. به نظر می‌رسد، امسال به دلیل کمبود پسته ایران، واردات پسته چین با کاهش ۴۵ درصدی نسبت به سال قبل روبه‌رو شود و به ۸۰ هزار تن برسد؛ چرا که ایران از سال ۲۰۱۸ به دلیل وضع تعرفه‌های تلافی جویانه چین بر کالاهای آمریکایی به تأمین‌کننده اصلی بازار چین بدل شده است. طبق پیش‌بینی‌ها، تولید پسته در اتحادیه اروپا که محدود به کشورهای ایتالیا و اسپانیا است به دلیل وجود سال ناآر با کاهش ۴ درصدی نسبت به سال قبل مواجه شده و به ۲۴ هزار تن رسیده است. انتظار می‌رود واردات پسته به اتحادیه اروپا که بخش عمده‌ای از این بازار دست آمریکاست، افزایشی ۱۱ درصدی را تجربه کند و به ۱۳۵ هزار تن برسد.

جبران گردد. همچنین، پیش‌بینی می‌شود مانده انبارها به دلیل کاهش چشمگیر تولید تا ۲۰ درصد کمتر از سال قبل باشد. طبق گزارش انجمن پسته ایران، پیش‌بینی می‌شود تولید پسته ایران به دلیل کاهش عملکرد ناشی از ترکیب عوامل سرمازدگی و خشکسالی برای سه سال متوالی با کاهش ۲۱ درصدی نسبت به سال گذشته مواجه باشد و مقدار تولید به ۱۰۶ هزار تن برسد. از این‌رو، پیش‌بینی می‌شود به دلیل برداشت کمتر محصول در ایران، میزان صادرات با افتی ۳۰ درصدی نسبت به سال قبل مواجه شود و به ۸۰ هزار تن برسد. پیش‌بینی شده که پسته ترکیه به دلیل قرارگرفتن در مدار سال‌آور با جهشی ۱۴۰ درصدی روبه‌رو شده و مقدار تولید به ۲۱۰ هزار تن رسیده است. تقریباً ۸۰ درصد از تولید پسته ترکیه در ناحیه جنوب‌شرقی این کشور

طبق پیش‌بینی‌ها مجموع تولید جهانی پسته در سال ۲۰۲۳ با کاهش ۵ درصدی نسبت به سال قبل روبه‌رو بوده و مقدار تولید ۷۹۱ هزار تن گزارش شده است. این کاهش عمدتاً به دلیل کم شدن تولید در کشورهای ایران و آمریکا و عدم توانایی جبران این کمبود توسط ترکیه است. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که با کاهش عرضه از سوی دو تولیدکننده بزرگ، صادرات جهانی پسته ۲۰ درصد کاهش را نسبت به سال قبل تجربه کند و به ۴۰۳ هزار تن برسد. با این حال، انتظار می‌رود مقدار مصرف کل ثبات خود را روی ۷۶۳ هزار تن حفظ نماید. پیش‌بینی‌ها حاکی از آن است که تولید پسته آمریکا به دلیل سال ناآر با ۲۳ درصد کاهش نسبت به سال قبل حدود ۴۰۰ هزار تن باشد. از این‌رو، پیش‌بینی می‌شود صادرات پسته آمریکا افتی ۲۰ درصدی نسبت به رکورد صادرات ۲۷۰ هزار تنی سال قبل تجربه کند. اما انتظار می‌رود فروش ضعیف پسته آمریکا به چین با ارسال بار بیشتر به اتحادیه اروپا



جاری تقلیل پیدا کرده که نزدیک به نیمی از این عدد نیز مربوط به صادرات مغز و مغز سبز پسته می شود.

بازار شرق دور با واردات تنها ۳ هزار و ۵۰۰ تن پسته آخرین مقصد صادراتی پسته ایران در شش ماه نخست سال محصولی ۱۴۰۱/۱۴۰۲ بود، در حالی که این بازار در سالهای گذشته همواره به عنوان اولین مقصد صادراتی پسته ایران قلمداد می شد. به عنوان مثال، در شش ماه اول سال محصولی ۱۴۰۱/۱۴۰۲ معادل ۱۹ هزار تن پسته از ایران به شرق دور صادر شد. دلیل کاهش شدید صادرات در نیمه اول سال محصولی جاری، قیمت محور بودن این بازار و ترجیح خریداران چینی به خرید پسته آمریکایی در قیمت های پایین تر بوده است. در شش ماه اول سال محصولی ۱۴۰۱/۱۴۰۲، سهم صادرات انواع مغز پسته از کل صادرات به ۲۳ درصد رسید، در حالی که در مدت مشابه چهار سال گذشته به طور میانگین ۱۴ درصد از کل صادرات متعلق به انواع مغز پسته بوده است. همانگونه که عنوان شد، از جمله دلایل کاهش صادرات پسته در نیمه اول سال محصولی جاری کم بودن محصول و به تبع آن کاهش عرضه در بازار داخل بود. از طرفی، افزایش نسبتاً متناوب و قابل توجه نرخ ارز در این دوره، تقاضا برای این کالای ارزش محور در داخل ایران را افزایش داد.

برآوردها حاکی از این است که مانده محصول پسته ایران در پایان اسفند ۱۴۰۱، پس از کسر برآورد مقادیر مصرف داخلی و صادرات به ۶۳ هزار تن رسید. گزارشات اولیه در آغاز سال ۱۴۰۲ پیش بینی می کنند که وضعیت محصول سال آینده، علی رغم خسارات ناشی از سرمازدگی های اول سال در برخی مناطق، خوب باشد که به تبع آن احتمال افزایش عرضه پسته وجود دارد. البته پیش بینی می شود که این افزایش عرضه، کاهش ناگهانی و شدید قیمت های ریالی پسته را در کوتاه مدت در پی نخواهد داشت، چرا که تقاضا برای بازارهای آبی مغز پسته و نیازهای آبی بازارهای کشورهای مشترک المنافع و شبه قاره هند پابرجاست. از طرف دیگر، جهت گیری نرخ ارز در داخل کشور نیز بر قیمت پسته بسیار تأثیر گذار خواهد بود.

تحلیل وضعیت بازار پسته

در نیمه اول سال محصولی ۱۴۰۱/۱۴۰۲ در مقاصد صادراتی چه گذشت؟

■ کمیته بازرگانی انجمن پسته ایران

در سال محصولی ۱۴۰۱/۱۴۰۲ حجم تولید پسته ایران ۱۰۶ هزار تن تخمین زده شد که با احتساب معادل ۱۵ هزار تن مانده انتقالی از سال قبل، کل محصول پسته در دسترس امسال به ۱۲۱ هزار تن رسید.

در نیمه اول سال محصولی ۱۴۰۱/۱۴۰۲ (از مهر تا پایان اسفند ۱۴۰۱)، طبق آمار گمرک ایران، مقدار ۴۷ هزار تن پسته معادل خشک در پوست از ایران به مقاصد صادراتی ارسال شد که این رقم مبین کاهش ۴۳ درصدی نسبت به مدت مشابه سال گذشته (۸۲ هزار تن) است. نرخ گذاری تصنعی دولت بر تعهدات ارزی صادرکنندگان، عدم تطابق بین قیمت های داخلی و صادراتی پسته، کمبود محصول ناشی از سرمازدگی در بهار ۱۴۰۱ و نوسانات نرخ ارز از جمله دلایل کاهش صادرات پسته ایران در این شش ماه هستند. کشورهای مشترک المنافع با واردات حدود ۱۲ هزار تن پسته بزرگترین مقصد صادرات پسته ایران در این بازه زمانی شش ماهه به حساب می آیند، در حالی که حجم صادرات به این منطقه در مدت مشابه سال محصولی گذشته حدود ۱۴ هزار تن بوده است. در تشریح این وضعیت باید گفت که تحریم واردات پسته آمریکا به روسیه باعث شده که حجم صادرات پسته ایران به این مقاصد، علی رغم قیمت های بالای ریالی، همچنان در حدود سال قبل باقی بماند. شبه قاره هند با حدود ۸ هزار تن واردات از ایران در این شش ماه در مقام دوم قرار گرفت، در حالی که در مدت مشابه سال محصولی قبل صادرات پسته ایران به هند ۱۱ هزار تن گزارش شده بود و همچنان تمایل مشتریان هندی به سمت مصرف پسته احمدآقایی و مغز پسته ایرانی است. البته ناگفته نماند که خرید پسته آمریکایی توسط هندی ها از عدد ۱۵۰۰ تن در نیمه اول سال محصولی ۱۴۰۱/۱۴۰۲ به عدد ۸ هزار تن در مدت مشابه سال محصولی ۱۴۰۱/۱۴۰۲ افزایش پیدا کرد. این رشد قابل توجه ناشی از جایگزین شدن پسته آمریکایی در بازار هند به دلیل قیمت های پایین تر بوده است. در این دوره شش ماهه، بازارهای خاورمیانه و صادرات مجدد هر کدام خریدار حدود ۵ هزار تن پسته از ایران بودند، در حالی که این مقاصد در مدت مشابه سال محصولی قبل ۸ هزار تن پسته از ایران وارد کرده بودند. صادرات ۹ هزار تنی پسته به اتحادیه اروپا در نیمه اول سال محصولی قبل، به عدد ۳ هزار و ۵۰۰ تن در مدت مشابه سال محصولی

بازرگانی

پرایمکس در تاریخ
۱۰ فروردین ۱۴۰۲ گزارش داد

تداوم روند صعودی صادرات پسته آمریکا



در هر سه ماه اخیر افزایش صادرات پسته آمریکایی را شاهد بودیم که این موضوع مانده انتقالی پایان سال را ۲۴ درصد دیگر کاهش داده و احتمالاً آن را به ۱۴۰ هزار تن خواهد رساند. اگر این افزایش در صادرات ادامه دار باشد، صادرات پسته آمریکا در سال محصولی جاری ممکن است فراتر از ۴۵۰ هزار تن ثبت شود.

فروش پسته آمریکا در ششمین ماه از سال محصولی جاری (۱۲ بهمن تا ۹ اسفند ۱۴۰۱) حدود ۳۵ هزار تن بوده است که افزایشی ۱۰ درصدی در مقایسه با ماه مشابه سال گذشته محسوب می شود؛ به این ترتیب که در داخل آمریکا ۱۱ هزار تن و در حوزه صادرات ۲۴ هزار تن پسته به فروش رسید؛ بنابراین فروش داخلی کاهشی ۱۸ درصدی و صادرات افزایشی ۲۹ درصدی را نسبت به ماه فوریه سال قبل تجربه کردند.

جاری ممکن است فراتر از ۴۵۰ هزار تن ثبت شود. در حال حاضر، در اکثر بازارهای صادراتی تقاضا برای پسته آمریکایی بالا است و کمبود عرضه باعث افزایش ۱۱ سنتی قیمت هر کیلو پسته نسبت به گزارش قبل پرایمکس شده است. طوفان های جوی مقدار بارش های برف و باران در کوهستان ها را به بالاترین سطح تا امروز رسانده است. بعضی از باغات پسته دچار سیل زدگی شده اند. هنوز اثر این مسئله روی تولید محصول جدید مشخص نیست. پیش بینی ها حاکی از این است که در تاریخ ۱۶ فروردین سامانه بارشی بعدی در پیش باشد. در ماه فوریه، قیمت فروش هر کیلوگرم پسته خندان درجه یک اونس ۲۲-۱۸، تا حدود ۹،۵ دلار و هر کیلوگرم پسته خندان درجه یک اونس ۲۷-۲۱ تا حدود ۸،۳ دلار گزارش شده است. همچنین در این ماه هر کیلو مغز پسته آمریکایی تا حدود ۱۷ دلار معامله می شده است.

فروش تجمعی شش ماهه پسته (از ماه سپتامبر تا پایان ماه فوریه) ۲۲۳ هزار تن بوده که افزایشی ۴ درصدی نسبت به مدت مشابه سال پیش به حساب می آید. فروش تجمعی پسته در داخل آمریکا نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۴ درصد کاهش را تجربه کرد که غیرمنتظره بود، چراکه ما به افزایش سالانه مصرف داخل پسته عادت کرده بودیم که گاهی اوقات تا ۱۰ درصد هم گزارش می شد. با این حال، رشد قابل توجه صادرات نسبت به سال گذشته، کاهش مصرف داخل پسته را جبران کرده است. در هر سه ماه اخیر افزایش صادرات پسته آمریکایی را شاهد بودیم که این موضوع مانده انتقالی پایان سال را ۲۴ درصد دیگر کاهش داده و احتمالاً آن را به ۱۴۰ هزار تن خواهد رساند. اگر این افزایش در صادرات ادامه دار باشد، صادرات پسته آمریکا در سال محصولی

مقایسه وضعیت فروش ماهانه و تجمعی پسته آمریکان نسبت به سال گذشته معادل خشک در پوست (تن)

مقاصد	سهم مقاصد (درصد)	ماهانه		درصد تغییر	تجمعی		درصد تغییر
		۲۰۲۲-۲۰۲۳	۲۰۲۱-۲۰۲۲		۲۰۲۲-۲۰۲۳	۲۰۲۱-۲۰۲۲	
مصرف داخل آمریکا	۳۳	۱۱,۰۰۰	۱۳,۰۰۰	-۱۸٪	۷۴,۰۰۰	۷۷,۰۰۰	-۴٪
آسیا	۳۲	۸,۰۰۰	۳,۰۰۰	۲۱۰٪	۷۰,۰۰۰	۷۱,۰۰۰	-۱٪
اروپا	۱۷	۸,۰۰۰	۱۱,۰۰۰	-۲۹٪	۳۷,۰۰۰	۳۷,۰۰۰	۱٪
خاورمیانه/آفریقا	۱۳	۷,۰۰۰	۴,۰۰۰	۹۰٪	۲۹,۰۰۰	۱۸,۰۰۰	۶۰٪
کانادا و مکزیک	۴	۲,۰۰۰	۲,۰۰۰	-۹٪	۱۰,۰۰۰	۱۰,۰۰۰	۴٪
سایر	۱	۰	۰	-۷٪	۲,۰۰۰	۲,۰۰۰	۹٪
مجموع	۱۰۰	۳۵,۰۰۰	۳۲,۰۰۰	۱۰٪	۲۲۳,۰۰۰	۲۱۴,۰۰۰	۴٪



نگاهی به بخش آب و کشاورزی قانون بودجه سال ۱۴۰۲ کل کشور

■ **مریم حسنی سعدی** ■ دبیر کمیته آب

در قانون بودجه
سال ۱۴۰۲ کل کشور تصویب شد

**استمرار اخذ وجه به ازای برداشت هر
متر مکعب آب از چاه‌های کشاورزی**



اخذ وجه به‌ازای برداشت هر متر مکعب آب از چاه‌های کشاورزی در سال ۱۴۰۲ در قانون بودجه کل کشور تصویب و مبالغ آن اعلام شد. طبق بند «ب» تبصره ۸ قانون بودجه، بهره‌برداران چاه‌های کشاورزی دارای کنتور هوشمند ملزم به پرداخت ۳۰۰ ریال به‌ازای برداشت هر متر مکعب آب شدند. البته مقرر شده از بهره‌بردارانی که چاه آنها فاقد کنتور هوشمند است به‌ازای برداشت هر متر مکعب آب مبلغ ۶۰۰ ریال دریافت شود. همچنین مقرر شد در آمد حاصله از این بند صرف برنامه‌های تعادل بخشی، آبخیزداری و اجرای طرح‌های افزایش بهره‌وری آب شود. پیش‌بینی می‌شود در آمد حاصله از این بند لایحه بودجه در سه سال گذشته (۱۳۹۹-۱۴۰۰-۱۴۰۱) بیش از ۲۸۰۰ میلیارد تومان باشد. این در حالی است که تاکنون گزارشی از نحوه هزینه‌کرد این مبلغ هنگامی که طی سه سال گذشته از کشاورزان اخذ شده، ارائه نشده است.

شرکت‌های آب منطقه‌ای استان‌ها و سازمان آب و
برق خوزستان در قانون بودجه ۱۴۰۲ مکلف شدند

**واگذاری قسطی
کنتورهای هوشمند بخش کشاورزی**



شرکت‌های آب منطقه‌ای استان‌ها و سازمان آب و برق خوزستان طبق بخش پایانی بند «ب» تبصره ۸ قانون مذکور مکلف شدند از محل منابع داخلی خود و با استفاده از اعتبارات طرح‌های تعادل بخشی و تغذیه مصنوعی در قالب وجوه اداره شده نسبت به تأمین هزینه‌های خرید و نصب شمارشگرهای حجمی و هوشمند آب کشاورزی مجاز اقدام کنند. همچنین، اصل مبلغ تسهیلات پرداختی را بدون هیچ‌گونه سود به‌صورت اقساط و طبق برنامه زمانبندی که به تصویب وزارت نیرو می‌رسد، از کشاورزان صاحب چاه‌ها دریافت کنند. این در حالی است که شرکت‌های آب منطقه‌ای بدون ضمانت قانونی و قبول مسئولیت در انتخاب دستگاه، با شرکت‌های کنتورساز قرارداد می‌بندند و کشاورزان را ملزم به خرید کنتور از آن شرکت می‌کنند.





در بند (ل) تبصره ۸
قانون بودجه سال ۱۴۰۲ اعمال شد

پروانه چاه کشاورزی و سند مالکیت اراضی کشاورزان به عنوان وثیقه بانکی



امکان پذیرش پروانه چرای دام، پروانه چاه کشاورزی، سند مالکیت اراضی کشاورزی ضمانت زنجیره‌ای و حساب یارانه به‌عنوان وثیقه در بند «ل» تبصره ۸ قانون بودجه اعمال شد. از این رو، بانک مرکزی ایران طی دستورالعملی موظف شد حداکثر یک‌ماه پس از ابلاغ این قانون امکان بازپرداخت تسهیلات دریافتی روستاییان، کشاورزان، دامداران سنتی و عشایر از بانک‌های دولتی و خصوصی و مؤسسات اعتباری غیربانکی را فراهم نماید.

در قانون بودجه ۱۴۰۲ مصوب شد

شرایط کاشت زمین‌های کشاورزی مورد اختلاف با ادارات منابع طبیعی



طبق قانون بودجه، کاشت زمین‌های کشاورزی مورد اختلاف بین کشاورزان و ادارات منابع طبیعی از جانب خود کشاورز بلامانع است. بنابراین، کشاورزانی که پرونده آنها در نوبت بررسی قرار دارد و یا قابل بررسی می‌باشند با رعایت نظریه شماره ۵۹۰۸ فقهی شورای نگهبان مورخ ۱۳۷۲/۱/۲۴ تا زمان تعیین تکلیف نهایی در شعب ویژه دادگستری - موضوع تبصره (۱) ماده (۹) قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی مصوب ۱۳۸۹/۴/۲۳ - و در کارگروه (کمیته) های رفع تداخلات جهاد کشاورزی اجازه کاشت این اراضی را دارند.

در بودجه سال ۱۴۰۲ ابقا شد

عوارض نیم درصدی صادرات محصولات کشاورزی و مواد غذایی



نمایندگان مجلس در بودجه سال جاری همانند سال گذشته عوارض صادرات محصولات کشاورزی و غذایی آب‌بَر را نیم درصد مصوب کردند. در آمد حاصل از عوارض به منظور اجرای الگوی کشت و کشت شورورزی با آب دریا در اختیار وزارت جهاد کشاورزی قرار گرفته است. قابل ذکر است دولت در لایحه سال جاری به دنبال افزایش عوارض محصولات صادراتی کشاورزی و غذایی به بیش از ۳ درصد بود که با مخالفت مجلس روبرو شد. باید توجه داشت، هر چند در ظاهر این هزینه از صادرکنندگان اخذ می‌شود، اما در واقع کشاورزان باید این هزینه را پرداخت کنند. به عبارت دیگر، کشاورزان مشمول پرداخت عوارض مجدد شده‌اند. از طرفی، اخذ عددی یکسان برای محصولات که میزان مصرف آب در آنها متفاوت است، غیرمنطقی و غیرکارشناسی است.

مجمع تشخیص مصلحت نظام
در لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ مخالفت کرد

عدم معافیت صادرات محصولات باغی از پیمان سپاری ارزی



صادرات محصولات باغی و صنایع دستی در لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ از الزام به پیمان سپاری ارزی توسط نمایندگان مجلس شورای اسلامی معاف شده بودند. اما مجمع تشخیص مصلحت نظام پیمان سپاری ارزی برای صادرات محصولات باغی را تصویب نکرد، بنابراین این مورد از قانون بودجه سال ۱۴۰۲ حذف گردید.

در بند (ی) تبصره ۸
قانون بودجه سال ۱۴۰۲ تعیین شد

تعرفه آب گلخانه‌ها به نرخ مصوب فعالیت‌های کشاورزی



تعرفه آب مصرفی کشت‌های گلخانه‌ای و کشاورزی صنعتی در شهرک‌های صنعتی، نواحی صنعتی و شهرک‌های کشاورزی بر اساس بند «ج» تبصره ۸ قانون بودجه سال جاری به نرخ مصوب فعالیت‌های کشاورزی محاسبه خواهد شد. همچنین بر اساس بند «ک» گلخانه‌ها و شهرک‌های کشاورزی مشمول ماده (۸۱) قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت شدند. بدین ترتیب، وزارتخانه‌های نیرو، نفت و ارتباطات و فناوری اطلاعات مکلفند نسبت به تأمین آب، برق، گاز و امکانات مخابراتی این شهرک‌ها و گلخانه‌ها اقدام کنند. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور موظف است اعتبار مورد نیاز را در لایحه بودجه سنواری به این منظور پیش‌بینی کند.

در قانون بودجه
سال ۱۴۰۲ کل کشور اعمال شد

دو نرخی شدن جریمه برداشت آب چاه‌های غیرمجاز



جریمه مربوط به چاه‌های غیرمجاز در قانون بودجه از سال گذشته دو نرخی شد. در بند تبصره ۸ قانون بودجه سال ۱۴۰۲ در خصوص چاه‌های غیرمجاز آمده: «وقف بند «ه» ماده (۴۵) قانون توزیع عادلانه آب نسبت به مسلوب‌المنفعه نمودن این چاه‌ها اقدام و جریمه مربوط به میزان برداشت آب تا زمان انسداد چاه در صورت کشت محصولات اساسی کشاورزی و راهبردی (استراتژیک) کشور به‌ازای هر مترمکعب حداکثر مبلغ ۳ هزار ریال و در غیر این صورت به‌ازای هر مترمکعب آب حداکثر مبلغ ۶ هزار ریال متناسب با افت سفره و حجم کسری مخزن سفره تعیین می‌شود.» باید یادآور شد که آیین‌نامه مربوط به دریافت مبلغ، به‌ازای برداشت هر مترمکعب آب چاه‌های مجاز هر ساله تهیه شده، اما علی‌رغم الزام قانونی از سال ۱۳۹۹ هنوز دستورالعملی برای اخذ جریمه مذکور از چاه‌های غیرمجاز تدوین نشده است.



گفت‌وگو با حمید علیدادی سلیمانی، معاون حفاظت و بهره‌برداری شرکت آب منطقه‌ای کرمان

اقدامات طرح سازگاری با کم‌آبی

■ مصاحبه‌کننده: مریم حسنی سعدی

مسئولین شرکت‌های آب منطقه‌ای مدعی هستند که طرح سازگاری با کم‌آبی همچنان در دست اقدام است و طبق این برنامه کشاورزان باید خود را با شرایط سازگار کنند اما این سوال که وضعیت سایر بخش‌های مصرف‌کننده آب اعم از شرب، خدمات و صنعت چیست و بخش کشاورزی با چه تصمیماتی مواجه است؟ ما را بر آن داشت تا سراغ حمید علیدادی معاون حفاظت و بهره‌برداری شرکت آب منطقه‌ای کرمان برویم. در ادامه جزئیات این گفت‌وگو را با هم می‌خوانیم.

77

حلقه چاه اصلاح و تعدیل انجام شده و هزار و ۷۳۱ دستگاه کنتور نیز نصب گردیده است. لازم به ذکر است اصلاح و تعدیل پروانه‌ها و نصب کنتور مطابق برنامه عملیاتی ارسالی از وزارت نیرو در حال اقدام می‌باشد.

❑ **وزارت نیرو در راستای تعادل بخشی، برای کاهش مصرف آب در بخش کشاورزی و حفظ آبخوان‌ها دو اقدام را پیش‌بینی کرده بود؛ یک - جایگزینی پساب با آب کشاورزی و دو - خرید چاه‌های کشاورزی کم‌بازده. در این باره در استان کرمان چه اقداماتی صورت گرفته است؟**

بایستی در نظر داشت که استفاده از پساب منجر به کاهش مصرف آب کشاورزی نمی‌شود، بلکه به‌عنوان باز تخصیص آب از آن یاد می‌شود. برای کاهش مصرف آب کشاورزی بایستی اقدام به اجرای سیستم‌های نوین آبیاری، اصلاح الگوی کشت و توسعه کشت گلخانه‌ای به‌جای کشت روباز اقدام نمود. در حال حاضر، بر اساس سیاست‌های وزارت نیرو در دولت سیزدهم، تأمین آب صنعت به‌منظور ایجاد اشتغال و ارزش افزوده آب از محل پساب پیش‌بینی شده است و شرکت‌های خصوصی می‌توانند نسبت به سرمایه‌گذاری برای ایجاد شبکه و تصفیه خانه فاضلاب و استفاده از پساب اقدام نمایند و در حال حاضر متولی آن شرکت آب و فاضلاب استان کرمان می‌باشد. در خصوص خرید چاه‌های کشاورزی کم‌بازده تنها در صورتی که اعتبار و برنامه‌ای از سوی دستگاه‌های ملی برای این موضوع مشخص شود، این شرکت نیز اقدام خواهد کرد. در حال حاضر، بر اساس قوانین فعلی، مثل قانون حفظ کاربری اراضی کشاورزی، موانعی برای تغییر نوع مصرف یا تغییر کاربری چاه‌های کم‌بازده وجود دارد و این موضوع یکی از مطالبات استاندار محترم از دستگاه‌های ملی نیز می‌باشد. ولی برای اقدام در این خصوص باید قوانین و دستورالعمل‌های مربوطه نیز اصلاح گردد.

❑ **به اذعان کارشناسان و مسئولان همه دشت‌های استان ممنوعه و بحرانی هستند و در واقع توان برداشت‌های جدید**

❑ **آقای علیدادی! چه تعداد چاه و با چه میزان برداشت در هر کدام از دشت‌های استان مجوز دارند؟ چه تعداد مربوط به کشاورزی و چه تعداد شرب و صنعت و با چه میزان برداشت در حال فعالیت هستند؟ لطفاً برای هر دشت جداگانه ذکر بفرمایید؟** ما در استان کرمان ۶۷ محدوده مطالعاتی یا دشت داریم که شرکت آب منطقه‌ای کرمان متولی ۴۱ محدوده مطالعاتی است. از این ۴۱ محدوده مطالعاتی ۲۵ محدوده مطالعاتی ممنوعه، ۱۲ محدوده ممنوعه بحرانی و ۴ محدوده فاقد پتانسیل می‌باشد. در دشت‌های استان کرمان در حال حاضر ۲۴ هزار و ۵۰ حلقه چاه وجود دارد که از این تعداد ۲۱ هزار و ۲۳۸ حلقه چاه مربوط به بخش کشاورزی، هزار و ۴۹۸ حلقه مربوط به بخش صنعت و هزار و ۳۱۴ حلقه مربوط به بخش شرب و بهداشت است.

❑ **گفته می‌شود که برنامه سازگاری با کم‌آبی به دنبال کاهش مصرف آب است. در خصوص اقداماتی که شرکت آب منطقه‌ای استان کرمان در این زمینه تا به امروز انجام داده است توضیح می‌دهید؟** برنامه سازگاری با کم‌آبی یک برنامه فرادستگاهی است که با حضور دستگاه‌های مختلف از جمله وزارت جهاد کشاورزی، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت کشور، وزارت نیرو، سازمان برنامه و بودجه، سازمان هواشناسی تدوین و در سطح ملی به تصویب رسیده است. در این برنامه که اولین برنامه فرابخشی مدیریت مصرف آب در تاریخ کشور است، وظایف هر دستگاه به تفکیک مشخص شده و جزئیات این برنامه در سایت کارگروه ملی سازگاری با کم‌آبی وجود دارد. در این برنامه شرکت آب منطقه‌ای وظیفه پر و مسلوب‌المنفعه نمودن چاه‌های غیرمجاز را برعهده دارد که از ابتدای برنامه در سال ۱۳۹۹ تا پایان نیمه اول سال ۱۴۰۱ تعداد ۲ هزار و ۱۵۵ حلقه چاه غیرمجاز بسته شده است. ضمناً در کنار وظایف جهاد کشاورزی این شرکت بایستی نسبت به نصب کنتور و اصلاح و تعدیل پروانه بهره‌برداری چاه‌های کشاورزی اقدام نماید که از سال ۱۳۹۹ تا پایان نیمه اول سال ۱۴۰۱ برای ۶ هزار و ۷۳۹



حمید علی‌دادی

برنامه‌ساز گاری با کم‌آبی یک برنامه‌فراستگاهی است که با حضور دستگاه‌های مختلف از جمله وزارت جهاد کشاورزی، وزارت صنعت، معدن و تجارت، وزارت کشور، وزارت نیرو، سازمان برنامه و بودجه، سازمان هواشناسی تدوین و در سطح ملی به تصویب رسیده‌است.

و هزینه‌کردهای این شرکت مشخص است و قسمتی از این مبلغ صرف برنامه‌های تعادل بخشی از جمله گروه‌های گشت و بازرسی می‌شود که در تمام مناطق استان مشغول به فعالیت می‌باشند.

۴ در حال حاضر، بسیاری از کشاورزان ملزم به خریداری کنتورهای معرفی شده از سوی شرکت‌های آب منطقه‌ای با هزینه‌ای بالغ بر ۳۰ میلیون تومان شده‌اند. در گذشته مشاهده شد که بسیاری از کنتورها کارایی لازم را ندارند. چه تمهیدات و ضمانت‌هایی برای کارایی این کنتورها پیش‌بینی شده که بهره‌برداران مجبور به پرداخت هزینه‌های مجدد نشوند؟

در حال حاضر، نوع و مشخصات کنتورها بر اساس تأیید شرکت مدیریت منابع آب ایران می‌باشد و این شرکت با اخذ تفاهم‌نامه‌ای با دانشگاه علم و صنعت از مطلوب بودن کارایی کنتورها اطمینان حاصل می‌نمایند و به شرکت‌های آب منطقه‌ای ابلاغ می‌نمایند.

۴ لطفاً در خصوص نحوه محاسبه جریمه اضافه برداشت هر مترمکعب آب از چاه‌های مجاز کشاورزی استان توضیح می‌دهید؟ چاه‌های صنعتی چه میزان آب بها و جریمه اضافه برداشت دارند؟

جریمه آب بها برای اضافه برداشت چاه‌های مجاز یا برداشت از چاه‌های غیرمجاز تا زمان انسداد این چاه‌ها در بنده تبصره ۸ قانون بودجه سال ۱۴۰۱ مشخص شده‌است و طبق دستورالعمل اخذ جریمه وزارت نیرو اجرایی می‌شود. برای چاه‌های صنعتی نیز تعرفه خدمات آب تحویلی و برداشتی از منابع آب سطحی و زیرزمینی در هر سال طبق دستورالعمل‌های وزارت نیرو مشخص شده و میزان مبلغ دریافتی در این خصوص در هر سال در گزارش حسابرسی سالیانه شرکت ارائه می‌گردد.

۴ مدتی است که شرکت‌های آب منطقه‌ای اقدام به کاهش میزان برداشت چاه‌های کشاورزی کرده‌اند. دلایل این اقدام و مستندات قانونی آن چیست و مسئولیت تبعات این اقدام با کدام نهاد دولتی است؟

اصلاح و تعدیل چاه‌های کشاورزی یکی از وظایف این شرکت مطابق ماده ۲۹ قانون توزیع عادلانه آب در خصوص کنترل و نظارت بر چگونگی و میزان مصارف آب و در صورت لزوم حیره‌بندی آن است و در برنامه مصوب سازگاری با کم‌آبی نیز تکلیف شده‌است. این وظیفه طبق مصوبات شورای عالی آب در حال اجرا می‌باشد و در دستورالعمل‌های وزارت نیرو نیز به آن تأکید شده‌است. کشاورزان عزیز استان ضروری است با در نظر گرفتن وضعیت منابع آب زیرزمینی خود را با شرایط فعلی سازگار نمایند و با استفاده از اقداماتی نظیر استفاده از سیستم‌های نوین آبیاری، اصلاح الگوی کشت یا کشت گلخانه‌ای، کم‌شدن آب موجود را جبران نمایند. لازم به ذکر است، کلیه دشت‌های دارای پتانسیل استان ممنوعه و ممنوعه-بحرانی می‌باشند و متأسفانه برداشت بیش از آب قابل برنامه‌ریزی دارند و به همین دلیل کاهش برداشت ضروری است.

را ندارند. لطفاً در خصوص تأمین آب مصارف جدید برای بخش‌های صنعتی، خدمات، فضای سبز و شرب استان توضیح بفرمایید که چگونه برای این مصارف آب تأمین می‌شود؟ به‌عنوان مثال، الان قرار است کارخانه تولید لاستیک‌های فوق سنگین در حوضه ممنوعه بحرانی کویر درانجیر احداث شود، تأمین آب این کارخانه به چه صورت است؟ در موضوع مدیریت بخش آب بایستی به ابعاد مختلف یک موضوع توجه کرد. از این موارد می‌توان به ایجاد اشتغال، توسعه و ارزش افزوده اشاره کرد. همان‌طور که بحث امنیت غذایی مهم است، ایجاد اشتغال و توسعه صنعتی استان نیز مهم است. تأمین آب برای مصارف جدید بخش‌های صنعتی در استان بر اساس نگاه جدید وزارت نیرو در دولت سیزدهم از منابع آب غیرمتعارف مثل استفاده از آب دریا و پساب شهرها و روستاها است. همچنین، صنایع می‌توانند با استفاده از ظرفیت‌های مواد ۲۷ و ۲۸ قانون توزیع عادلانه آب نیز اقدام به تأمین آب نمایند و تاکنون نیز تأمین آب مصارف جدید با رعایت دستورالعمل‌ها و بخشنامه‌های وزارت نیرو بوده‌است. در خصوص کارخانه تولید لاستیک‌های فوق سنگین، این کارخانه برای بهره‌برداری می‌تواند از خط انتقال آب خلیج فارس یا پساب اقدام به تأمین آب مورد نیاز خود نمایند. در حال حاضر، صرفاً به‌منظور راه‌اندازی اولیه و مصارف شرب و بهداشت تنها ۲۵ مترمکعب آب در شبانه‌روز به این کارخانه تخصیص یافته‌است. ولی برای دوران بهره‌برداری این کارخانه بایستی با استفاده از ظرفیت‌های قانونی موجود اقدام نماید و در این خصوص تعهدات لازم نیز اخذ شده‌است.

۴ در قوانین بودجه از سال ۱۳۹۹ هزینه‌ای از کشاورزان به استناد بند (ب) ماده ۳۳ قانون توزیع عادلانه آب، به ازای برداشت هر مترمکعب آب مصوب شد. دو سال گذشته از کشاورزان این هزینه اخذ شده‌است. قرار بود درآمد حاصل از آن در همان منطقه صرف شود. در این خصوص و برنامه‌های اجرا شده در هر منطقه توضیح می‌دهید؟

بر اساس قوانین بودجه سنواتی، هزینه بسیار ناچیزی از کشاورزان با عنوان حق‌النظاره دریافت می‌گردد. در قانون بودجه سال ۱۴۰۱ از مصرف‌کنندگان آب کشاورزی برای چاه‌های مجاز فاقد شمارشگر (کنتور) هوشمند بر اساس یک و دو دهم (۱/۲) برابر ظرفیت پروانه بهره‌برداری آنها و برای چاه‌های مجاز دارای شمارشگر (کنتور) هوشمند بر اساس برداشت مجاز از آنها، به ازای هر مترمکعب برداشت آب از آبخوان‌ها، حداکثر معادل سیصد (۳۰۰) ریال متناسب با کشت غالب منطقه و میزان درآمد کشاورزان مطابق دستورالعمل مشترک وزرای نیرو و جهاد کشاورزی، دریافت و به خزانه‌داری کل کشور واریز می‌گردد. معادل مبلغ واریزی پس از مبادله موافقتنامه به کشاورزان خسارت دیده از خشکسالی از طریق صندوق بیمه محصولات کشاورزی، خسارت نکشت به کشاورزان همان منطقه، برنامه‌های تعادل بخشی، آبخیزداری و اجرای طرح‌های افزایش بهره‌وری آب پرداخت می‌گردد. تمامی درآمدها



شرکت الماس کویر خوشاب

مرکز صادرات پسته استان خراسان

شرکت الماس کویر خوشاب به پشتوانه سابقه درخشان و بکارگیری مدرن ترین تجهیزات فراوری پسته ، مفتخر به ارائه خدمات زیر به کشاورزان و تجار میباشد.



صادرات مستقیم و یا شراکتی برای کشاورزان

خرید نقدی ریالی و ارزی پسته

خدمات به تجار داخلی جهت ورود به بازارهای بین المللی

+۹۸ ۹۱۲ ۱۴۴۶۴۳۲

+۹۸ ۹۱۲ ۱۵۸۲۸۵۲

+۹۸ ۲۱ ۳۳۹۹۶۰۹۴

کارخانه: استان خراسان رضوی، سبزوار، سلطان آباد، شهرک صنعتی خوشاب.

دفتر تهران: بازار بزرگ تهران، ۱۵ خرداد، سرای امید، پلاک ۴۶.

شرکت تاپ نات با سالها سابقه موفق در همراهی صادرکنندگان خشکبار ایران

امکان دریافت ارز صادرکنندگان در حساب های خشکباری از تمام دنیا 

امکان ارایه ارز جهت فروش در سامانه نیما، تهاتر با وارد کنندگان و بصورت ارز توافقی 

امکان تبدیل ارز حاصل از صادرات به سایر ارزها از جمله درهم امارات 

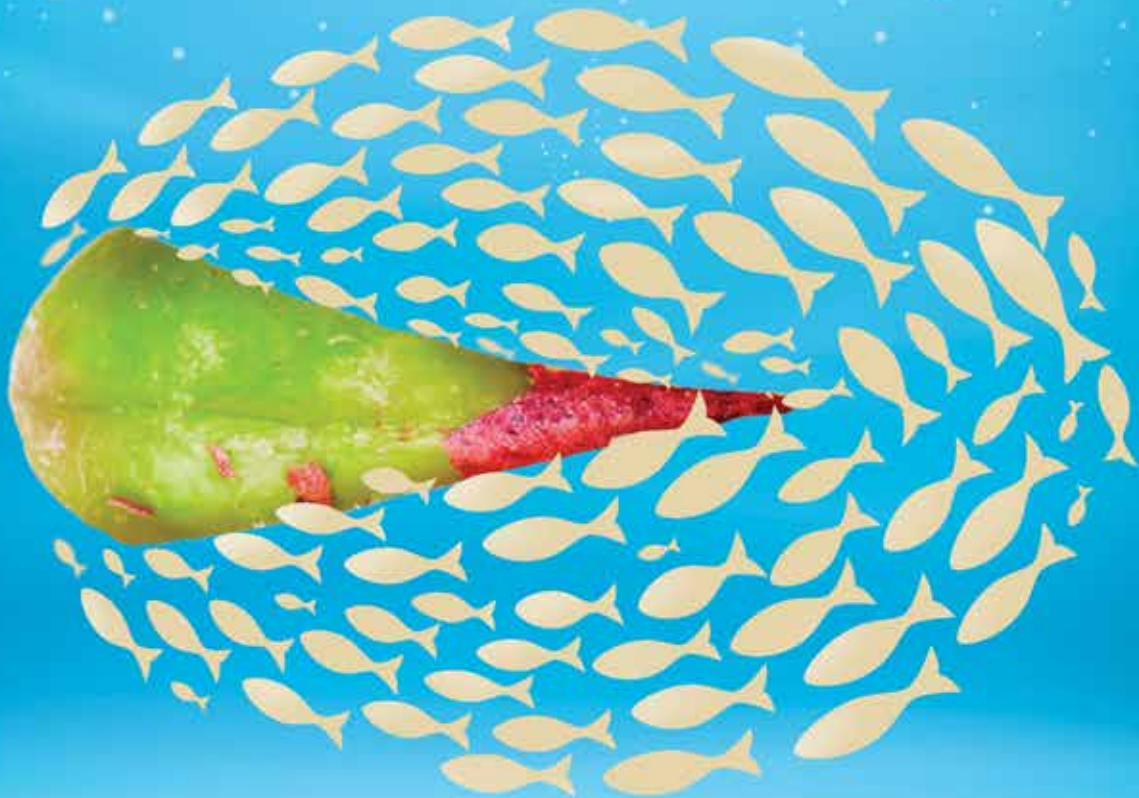
دارای دفاتر کارگزاری در هنگ کنگ ، دبی و لندن 



www.topnutakk.com

آرزوی بهار

بهار امین آلی



- افزایش زودرسی
- تسریع و بهبود در برگردن مغز
- دارای خواص ضد تنش

- NPK 8-5-5
- آمینو اسید 5 درصد
- کربن آلی 8 درصد

آدرس: قزوین، بویین زهرا، شرکت آرزوی بهار
نماینده‌گی فروش: شرکت کیمیا طراوت آسیا تلفن: ۰۹۱۲۴۹۶۸۴۰۰

www.azbahar.ir [@azbahar.ir](https://www.instagram.com/azbahar.ir)

تولید با تکنولوژی FPH کره جنوبی

آرزوی بهار

بهارامیکس آلی



- افزایش دانه درخوشه
- کاهش درصد پوکی
- افزایش رشد سرشاخه

- NPK ۴-۵-۴
- کربن آلی ۷ درصد
- امینو اسید ۱.۵ درصد

آدرس: قزوین، بویین زهرا، شرکت آرزوی بهار
نماینده‌گی فروش: شرکت کیمیا طراوت آسیا تلفن: ۰۹۱۳۴۹۶۸۴۰۰

www.azbahar.ir @azbahar.ir



Momtazan Industrial Co.

شرکت صنایع ممتازان



شرکت صنایع ممتازان کرمان

اولین ابداع کننده سیستم فرآوری محصول پسته به روش تمام اتوماتیک و کاملاً بهداشتی با بیش از ۳۰ سال سابقه و تجربه، ترمینال های فرآوری زیر را عرضه می نماید.

- ترمینال های پوست گیری، پاک سازی، و جداسازی
- ترمینال های خشک کن پیوسته پسته
- ترمینال های پرشته کن پسته
- ترمینال های خندان کن پسته (MO)
- ترمینال های مغز کن پسته
- دستگاه تولید باد، مقابله با سرمازدگی



- Pistachio Processing HL 6000 RW
- Continous Moving Drier CMD 8000 Model
- Storag AND Sorting

- A ترمینال فرآوری پسته مدل: HL 6000 RW
- B ترمینال خشک کن پیوسته مدل: CMD 8000
- C ترمینال ذخیره سازی و جداسازی: HL 6000 RW

Email: info@momtazan.com

Email: Tehran_office@momtazan.com

تلفن: ۰۲۱-۸۸ ۶۱ ۱۸ ۷۰-۷۸ : ۰۲۱-۸۸ ۶۱ ۱۸ ۶۹-۰۲۱
تلفن: ۰۳۴-۳۲ ۷۵ ۲۵ ۰۰-۶ : ۰۳۴-۳۲ ۷۵ ۲۵ ۰۷-۰۳۴

دفتر تهران: بزرگراه همت، خیابان شیراز جنوبی، نبش خیابان علیخانی، پلاک ۱۲
دفتر مرکزی و کارخانه: کرمان، کیلومتر ۵ جاده زنگی آباد

Tehran Office: No.12, Corner of Alikhani St, Southern of Shiraz Ave, Hemmat Highway, Tehran- IRAN Tel: (+9821) 88 61 18 70 - 78 Fax: (+9821) 88 61 18 69

Central Office & Factory: 5 th Km of Zangiabad Road, Kerman-IRAN

Tel: (+9834) 32 75 25 00-6 Fax: (+9834) 32 75 25 07



PhiKaTrix SL

K_2O : 20% P_2O_5 : 30%

پیکاتریکس جنوبگان

(حاوی فسفیت پتاسیم)

عضو جدید خانواده پیکاسول جنوبگان
پیشگیری و درمان بیماری‌های قارچی
ایمنی گیاه، مقاومت بالاتر و بهبود تغذیه
بازخورد قابل توجه در کنترل بیماری گموز



جنوبگان تولید کننده بیش از ۷۰ نوع کود کشاورزی
پخش کشاورز تامین و توزیع نهاده‌های برتر صنعت کشاورزی

تضمین کیفیت با وستا



شرکت جام نهاده شرق سبز با برند وستا

نیترات کلسیم وستا



تجزیه ضمانت شده (بر حسب درصد وزنی):

%	عنصر	
	12.0	Nitrogen (N) tot
23.0	Calcium (CaO)	کلسیم محلول

سولوپتاس وستا



تجزیه ضمانت شده (بر حسب درصد وزنی):

%	عنصر	
	50	K ₂ O
0.5	Cl	کلر
17.5	S	گوگرد محلول در آب
2-3	PH	اسیدیته

کود پلت مرغی وستا

تجزیه ضمانت شده:

نیتروژن کل N: ۴٪ فسفر قابل استفاده P₂O₅: ۳٪
پتانسیل محلول در آب K₂O: ۴٪ PH (1:5): 6/49 رطوبت ۱۰-۸٪
ماده آلی: ۴۰٪ هدایت الکتریکی (EC) (1:5): کمتر از ۲/۵ ds/m

گرانوله مرغی وستا

تجزیه ضمانت شده:

ماده آلی ۲۸٪ هیومیک اسید ۲/۲٪
هدایت الکتریکی (EC) (1:5): کمتر از ۲/۵ DS/M
رطوبت ۱۰-۸٪ PH (1:5): 6



۰۵۱۳۸۴۵۴۳۳۶

۰۹۱۵۹۷۱۵۹۹۲

مشهد - خیابان راهنمایی، نبش راهنمایی ۲۱، پلاک ۱۱۰، طبقه اول، واحد ۱۰۱



پوطار

Our Ancestor's Job Is Our Honor
 آجیل و خشکبار حسینی

تمرکز و تکیه بر محصولات کشاورزی مرغوب
 بسته بندی مطابق با استانداردهای جهانی

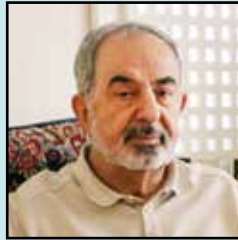
☎ 98 5135410750 | ☎ 98 915 247 4434

🌐 www.iranpistachio.co | 🌐 www.pootar.com

تاسیس ۱۲۹۵



حقوق آب در فلات ایران



زیرزمینی گشت. ضعف در حکمرانی آب زیرزمینی زمینه تسهیل تجاوز به حقوق بهره‌برداران قبلی و نسل‌های آینده را فراهم ساخت. متأسفانه بسیاری از تخریب‌های ناشی از برداشت

بیش از حد از سفره‌ها به وسیله چاه‌های عمیق، برگشت‌ناپذیر بوده و علاوه بر عواقب ناگوار اجتماعی حال حاضر، نسل‌های آینده را نیز متضرر ساخته و خواهد ساخت.» در کتاب حقوق آب تصریح شده است: «تدابیری که در طول پنج دهه برای مقابله و بهبود این وضعیت اتخاذ شده، چندان کارآمد نبوده‌اند. از جمله تمهیدات حقوقی، اندازه‌گیری حجمی، نظارتی و بازرسی، کنترل شرکت‌های حفاری و نظایر آن. برخی از این تدابیر سال‌هاست که با همان ریتم قبلی تکرار می‌شوند، اما دلایل ناکارآمدی آنها به‌طور جدی مورد بررسی و مستندسازی قرار نمی‌گیرند.» مهدی آگاه در این کتاب تدابیر حقوقی ناکارآمد و علت‌العلل آنها را مورد کنکاش قرار داده است.

وطن‌دوستی، جرقه ایده نوشتن کتابی نادر در باب حقوق آب در ایران را در ذهن مهدی آگاه تبدیل به شعله‌ای درخشان کرد تا موتور تحلیل حقوق آب از دوران باستان

تا عصر حاضر را روشن کند. از این‌رو، وی که سابقه مدیریت باغات پسته و کاریزها را داشت، کتاب «حقوق آب در فلات ایران در بستر تحولات اقتصادی و اجتماعی» را با تلاشی وصف‌ناپذیر و در مدت چندسال به رشته تحریر درآورد و آن را در سال ۱۳۹۳ به مرحله انتشار رساند. مهدی آگاه در این کتاب اذعان دارد: «حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق در ایران به‌ویژه از دهه ۱۳۴۰ به بعد گسترش روزافزون یافت و در دهه‌های ۱۳۵۰ و ۱۳۶۰ به اوج خود رسید. ارزان شدن حفر چاه عمیق در عین فراهم ساختن امکانات بهتر برای استحصال آب، موجب تغییرات شدید در نظام بهره‌برداری از منابع آب و خدشه به حقوق و مالکیت بهره‌برداران متقدم آب‌های

